

۴۵

ماهنامه تخصصی حوزه انرژی

۸۴ صفحه

دی ماه ۱۴۰۰

قیمت ۵۰/۰۰۰ تومان

The World of Energy Magazine

دنیای انرژی

اتحادیه صادرکنندگان فراورده های نفت، گاز و پتروشیمی ایران



- همگرایی بخش خصوصی صنعت نفت
- بررسی نشست آب و هوایی گلاسکو کاپ
- در فقدان حکمرانی مطلوب، همه سرگردانیم
- میزگرد راهبرد توسعه صادرات با کشورهای همسایه
- پیامدهای ظهور طالبان بر جایگاه ایران در افغانستان
- بخش خصوصی می تواند ایران را هاب انرژی منطقه کند

Energy in :

2022

Pana
pardismotoroil.com

شرکت روغن موتور پردیس

www.pardismotoroil.com

تولیدکننده انواع روغن های

هیدرولیک و صنعتی با برند پانا



With more Than
50 Years
Experience in Producing a
Variety of Rubber Process Oils & TDAE

www.behranoil.co

export@behranoil.co



گپ دوستانه

و روابط با کشورهای همسایه نیز بهبود خواهد یافت. در این شرایط بنگاههای اقتصادی کشور و اعضا اتحادیه باید خود را برای این شرایط آماده نمایند. هیات مدیره دوره جدید اتحادیه در تلاش است که در راستای وظایف تشکیلاتی خود جهت رفع موانع و چالش های اعضا اقدام نماید و نماینده اعضا و صدای آنان باشد، همزمان در زمینه توانمندسازی اعضا اقدام نماید. ضمناً با توجه به نیاز اعضا به دسترسی به بازارهای منطقه و جهانی اقدام به بازسازی و شبکه سازی برای اعضا نماید. هیات مدیره دوره جدید اتحادیه برنامه ای را در هفت بند تقدیم اعضا نموده و در این مدت اندک، با استفاده از ظرفیت اعضا و تعامل با دستگاههای ذی ربط گام های مهمی را جهت نوسازی و بازسازی اتحادیه برداشته است و یقین داریم که اعتماد اعضا به برنامه های هیات مدیره و مشارکت آنان در کمیسیونها، کارگروهها و همایش سالانه اتحادیه که امسال در روز دوم اسفند با حضور مقامات بلند پایه کشور برگزار خواهد شد، انگیزه ما را برای خدمت به اعضا در راستای منافع ملی دوچندان خواهد نمود.

سید حمید حسینی مدیر مسئول

این شماره مجله در حالی منتشر میگردد که سال جدید میلادی آغاز شده، اپیدمی کرونا تا حدودی مهار و بازارهای جهانی علیرغم آسیب فراوانی که دیده، در حال جان گرفتن دوباره میباشد، دور هشتم مذاکرات برجام آغاز شده و توافق اگر چه از همیشه نزدیکتر ولی سخت و دشوار میباشد واصحاب دعوی نه تنها نیاز به نرمش، بلکه چرخش قهرمانانه دارند. به قول سولانا نماینده عالی اتحادیه اروپا نباید اجازه دهید که دنیا زندگی بدون ایران را تجربه کند. طولانی شدن تحریم ها باعث شده که نه تنها توانایی های ایران در زمینه انرژی، موقعیت سوق الجیشی، سوآپ و ترانزیت از دست برود، بلکه فرصت جذب سرمایه های خارجی، دسترسی به بازارهای بین المللی و استفاده از توان نیروی انسانی ایران برای بازسازی خاورمیانه فراهم نشود. دولت سیزدهم که شعارش رفع آثار تحریم و استفاده از ظرفیت های داخلی در تعامل با همسایگان بود، بعد از چند ماه تلاش ناموفق به این نتیجه رسیده که توسعه و پیشرفت اقتصادی در ایران بدون سه عامل زیر امکان پذیر نمی باشد: الف) افزایش در آمد ارزی از محل فروش نفت و گاز یا صادرات غیر نفتی ب) جذب فاینانس یا سرمایه خارجی ج) افزایش بهره وری در اقتصاد کشور. هر سه عامل فوق در سایه توافق با ۱+۵ و رفع تحریم ها امکان پذیر میباشد، در سال ۹۵ که توافق برجام امضا شد شاهد آزاد سازی میلیونها دلار از منابع ارزی، بازگشت ایران به بازار جهانی نفت، هجوم سرمایه گزاران خارجی در زمینه توسعه میادین نفت و گاز، توافق جهت بازسازی و نوسازی پالایشگاهها، آمادگی جهت فاینانس و مشارکت در دهها پروژه پتروشیمی و شیمیایی، توافق جهت ایجاد نیروگاههای جدید گازی و تجدید پذیر، تمایل به سرمایه گذاری در انرژی های تجدید پذیر، بهره برداری از معادن، تولید مشترک خودرو، همکاری و مشارکت در استارتآپها و دانش بنیان ها و..... بوده و به سرعت رشد منفی اقتصادی به رشد دو رقمی مثبت اقتصادی تبدیل شد و برای دومین بار در کشور شاهد تورم تک رقمی و کاهش نرخ ارز بودیم. کارشناسان اعتقاد دارند که هر دو کشور نیاز به این توافق دارند و تا پایان سال شمسی این توافق حاصل خواهد شد و شاهد تثبیت و کاهش نسبی قیمت دلار و تورم خواهیم بود، موج خطرناک مهاجرت و خروج سرمایه های مادی و انسانی متوقف خواهد شد

« صاحب امتیاز: اتحادیه صادرکنندگان فرآورده های نفت و گاز و پتروشیمی ایران
« مدیرمسئول: دکتر سید حمید حسینی
« سردبیر: امیر عباس امامی
« شورای سیاست گذاری: رضا مدیر، سیدحمید حسینی، سعید رفیعی فر، احمد صرامی، مرتضی فیروزی، فریدون اسعدی، احمد معروف خانی، صبری نقاشیان
« همکاران این شماره: هادی ابراهیمی، مهسا معیری و هیئت تحریریه دنیای انرژی
« سازمان آگهی ها: سولماز فرهادی ۵- ۸۸۵۰۸۲۵۱
« صفحه آرایی: سید محمدسیدی
« چاپ و لیتوگرافی: رنگین گستر - ندای ایران
« طرح جلد و نظارت چاپ: کانون تبلیغاتی عکس معاصر

میزگرد اهرارد توسعه صادرات
با کشورهای همسایه

صفحه ۴

درفقدان حکمرانی مطلوب
همه سرگردانیم!

صفحه ۱۰

بررسی نشست آب و هوایی گلاسکو

صفحه ۱۸

همگرایی بخش خصوصی صنعت نفت

صفحه ۲۸

پیامدهای ظهور طالبان بر جایگاه
ایران در افغانستان

صفحه ۴۰

نقش ابزارهای مبتنی بر بازار در
مدیریت انرژی و کربن

صفحه ۴۸

چشم انداز آینده صنایع انرژی
در گروه هوش مصنوعی

صفحه ۵۶

اخبار انرژی

صفحه ۶۶

US-China gas deals defy tension
between political leaderships

صفحه ۷۱

Activist investors turn screws
on energy sector

صفحه ۷۵

تهران، خیابان دکتر بهشتی، خیابان مفتاح شمالی، خیابان نقدی، پلاک ۱۰، طبقه اول

88511611 88508250 MAIL@OPEX.IR WWW.OPEX.IR



میزگرد راهبرد توسعه صادرات با کشورهای همسایه

ماهانامه دنیای انرژی میزگردی را با هدف بررسی ظرفیت های صادراتی با کشورهای همسایه و چالش ها و راهبردهای پیش رو برگزار نمود. این میزگرد مجازی با حضور سیدحمید حسینی مدیرمسئول ماهنامه و رئیس هیئت مدیره اتحادیه صادرکنندگان فرآورده های نفتی، مرتضی فیروزی تحلیلگر و کارشناس روابط بین الملل، صباح زنگنه کارشناس مسائل خاورمیانه، فرزاد رمضانی سردبیر ارشد مرکز بین الملل مطالعات صلح به مدیریت امیرعباس امامی سردبیر ماهنامه، حاوی گفتگو و تحلیل های متنوعی بود که در ادامه می آید:

حمید حسینی: سازمان توسعه و تجارت کاری مطالعاتی انجام داده است و بر مبنای آن کشورهای منطقه واردکننده مبلغی معادل حدود هزار و ۱۶۰ میلیارد دلار کالا هستند، که از این مقدار حدود ۸۰۰ میلیارد آن فقط برای چهار کشور روسیه، عربستان، امارات و ترکیه است و حدود ۱۵۰ میلیارد آن هم متعلق به عراق، پاکستان، افغانستان و بقیه آن هم برای کشورهای آسیای میانه است. این سازمان مدعی است که ۱۶۰ میلیارد دلار از این میزان واردات کالا به منطقه توسط ایران قابل تامین خواهد بود. در واقع رقمی از این در شرایط کنونی صادر می شود و مابقی با سرمایه گذاری قابل انجام خواهد بود. این ادعا ادعای بزرگ است، هرکس که این مطالعه را بشنود علاقمند می شود که چه دیپلماسی باید به خرج داد که بتوانیم از این ظرفیت ها استفاده نماییم. اینجانب در این بحث ها معمولاً برای چند عامل اهمیت قائل می شوم و باید ما تکلیف دیپلماسی خود را روشن کنیم و اینکه بالاخره متولی دیپلماسی اقتصادی ما در کشور کیست؟ سازمان توسعه تجارت و یا وزارت خارجه است و آیا قرار است وزارت بازرگانی شکل بگیرد یا دستگاه ها و کسان دیگری متولی دیپلماسی اقتصادی و دیپلماسی خارج از کشور هستند. اما متأسفانه در سیاست خارجی به این علت که نتوانستیم سیاستی منسجم داشته باشیم و آن را پرونده پرونده کردیم و هر جایی از آن را دست نهادهای داده ایم، سیاست خارجی و دیپلماسی اقتصادی مان را به معنای مشخص و هدفمند نداریم و در وهله دوم نیز

خارجی باشد و برایش مهم باشد که کالا را در بازار هدف جا بیندازد. این باعث شده که ما مزیت تجارت و ظرفیت نیروی انسانی چندانی نداشته باشیم، لذا اصول تجارت را نمی دانیم و در بحث های بازرگانی و صادراتی و بین الملل نیز آموزش چندانی نداده ایم. بحث زیرساخت ها چه در زیرساخت های قوانین و مقررات و یا ارتباط با کشورهای همسایه نیز ضعف عمده داریم، زیرساخت های کافی نداریم و متناسب با اهدافی که داریم موجود نیست. مسئله سومی که برای ما مهم است این است که از ظرفیت دیپلماسی عمومی حداقل استفاده را می کنیم، باید بتوانیم در همه کشورها حداقل در کشورهای حوزه فرات از ارتباطات فرهنگی مشترک مذهبی استفاده نماییم و در حوزه قفقاز و آسیای میانه می توانیم ظرفیت ایرانی بودن و فرهنگ ایرانی استفاده نماییم، ولی به نظر می آید ما هیچ اهمیتی در روابط برای دیپلماسی عمومی قائل نیستیم و اکتفا کردیم به مدیران و در حد بسیار کمی هم به دیپلماسی سیاسی. موضوع چهارم موضوع پتانسیل و ظرفیت صادراتی است و معتقدم که ما ظرفیت صادراتی داریم، یعنی امروز و در همین شرایط فعلی ظرفیت صادراتی کشور ما دو برابر ظرفیت فعلی است و در بسیاری از صنایع اگر بررسی شود مشاهده می شود که بسیاری از کالاهای ما امکان حضور در بازارهای هدف را دارند ولی نتوانسته ایم این ظرفیت ها را از بالقوه به بالفعل تبدیل نماییم. اگرچه امسال نسبت به سال گذشته وضعیت بهتری داریم. یکی از بزرگترین پتانسیل های ما پتانسیل فنی مهندسی است و مباحث امور خدماتی مثل خدمات پزشکی، صنعتی را می توانیم در کشورهای همسایه ایجاد نماییم. سه عامل پتانسیلی کشور

ما دارد که در صورت استفاده مناسب می تواند به توسعه صادرات با کشورهای همسایه بینجامد ایران را لنگر ثبات خاورمیانه می دانند اما به خاطر موقعیت ویژه ای که در خاورمیانه داریم از دیدگاه غربی ها، متعادل ترین کشور منطقه از نظر فرهنگی و مردمی و شرق و غرب بودن هستیم، اگر ایران بی ثبات شود احتمالاً بسیاری از کشورهای منطقه دچار بی ثباتی خواهد شد و اروپا به شدت از این موضوع وحشت دارد. دومین موقعیت ظرفیت نیروی انسانی ایران است که توانمندی بازسازی منطقه را دارد. سومین امتیاز کشور ما از نظر ترانزیت است که از نظر موقعیت سوق الجیشی مزیت هایی دارد ما اگر این سه مورد را درست تبیین کرده و از آن استفاده نماییم، به نظر رسیدن به رقم های بالای ۱۰۰ میلیارد دلار صادرات، کار دشواری نخواهد بود.

صبح زنگنه: در جغرافیای سیاسی و سیاست اقتصادی یا اقتصاد سیاسی یکسری عوامل را باید فراهم کنیم تا بتوانیم در آن جایگاه مناسب خودمان مستقر شویم. آن چیزی که به عنوان تجارت در منطقه داریم در واقع در طبقه بندی حداقلی است و اگر مبادلاتی نیز می شود علت آن عمده مبادلات به دلیل جایگاه مرزهای طولانی خودمان با کشورهای همسایه است. هر کشوری که مرز طولانی تری با ما دارد و تراکم جمعیتی در مرزها بیشتر باشد، در آنجا تجارت ما بیشتر است و این نه همت دولت است و نه حتی تحریم ها هم نتوانسته است ما را از این تجارت محروم کند. در مرز ایران و عراق تراکم جمعیت در دو طرف مرز آنقدر زیاد است که به راحتی کالا صادر می شود و خریدارش نیز به سرعت پیدا می شود، مرز بعدی افغانستان است این مرز نیز از مرزهای طولانی است که از

این مزیت باید بتوانیم حداکثر استفاده را ببریم. قرابت نژادی، فرهنگی و حتی دینی و مذهبی هم به این وضعیت صادراتی کمک خواهد کرد. اما برای تقویت تجارت و صادرات نیاز داریم که فهم معادلات بین المللی حاکم بر منطقه را هم داشته باشیم. اکثر کشورهای منطقه زیر چتر قدرتهای بزرگ به سر می برند و از دستورالعملهای این قدرت های بزرگ اطاعت می کنند و لذا امکان آن که ما بتوانیم یک جهش در صادرات داشته باشیم نیست مگر اینکه این روابط را عادی سازی کنیم. عراق تا مدتی می توانست حرکت های خارج از اراده قدرت های بزرگ را داشته باشد. عربستان یک نمونه شاخص می باشد، عربستان در سال های گذشته سعی نموده ارتباطات بین المللی خود را کمی متنوع تر بکند و به جای اتکای محض به آمریکا و انگلیس، با چین و مقداری نیز با روسیه همکاری ایجاد کرده و امتیازاتی هم کسب کرده است. بنابراین تنظیم روابط منطقه ای و جهانی نیاز به بازنگری جدی دارد و در پارادایم جدیدی که در آن قرار داریم و شبکه هایی که آقای دکتر حسینی اشاره کردند که بتوانیم کارکرد بهتری داشته باشیم در بُعد هویتی نیز باید دقت بیشتری داشته باشیم چرا که هویت مان را نمی توانیم عوض کنیم اما رفتارمان را میتوانیم به نحوی تنظیم کنیم که ابعاد سنت این هویت مانع ارتباط ما نباشد.

در خصوص بندر چابهار امریکایی ها به هندی ها اجازه مراده با این بندر دادند و چابهار به عنوان یک منطقه استراتژیک نیاز به تزریق سرمایه زیاد و تکنولوژی داشته و تنظیم شبکه هایی از رفت و آمد های صادراتی از این منطقه و تا سرمایه گذاری بالایی صورت نگیرد چابهار به عنوان یک بندر یتیم باقی خواهد ماند. هندی ها نیز بسیار محافظه کارند و نیاز به آن داریم این شبکه را بین روسیه، آسیای میانه، افغانستان، عمان و بعد هندوستان به گونه ای تنظیم کنیم که این کشور ناگزیر باشد که از این مسیر استفاده نماید. باید مزیت هایی را برای این بندر تعریف کنیم و این ارتباط را ارگانیک و منسجم نماییم. افغانستان نیز ظرفیت فوق العاده ای در بخش های صادرات فنی مهندسی داشته و عظیم ترین پروژه هادر این کشور در حال انجام است. مذاکرات زیادی با این کشور صورت گرفت و دو طرف مصمم

به خاطر مسائل امنیتی و سیاسی که در منطقه وجود دارد بار اصلی روابط را به میدان دادیم و ما مجبوریم که با توجه به شرایط جدید منطقه تعادلی بین میدان و دیپلماسی ایجاد نماییم. این تعادل باید به گونه ای باشد که ویتربنی بر علیه ما نباشد و ما بتوانیم از ابزار دیپلماسی استفاده کنیم و کليه سياست های صادراتی خود را با استفاده از میدان نخواهیم حل نماييم

هستند که سرمایه گذاری های متقابل صورت

بگیرد . این اقدامات به سرمایه گذاری امنیت داده و طرف مقابل را برای همکاری بیشتر جلب می نماید . از این نوع روش ها و رویه ها باید بتوانیم در کشورهای دیگر نیز استفاده کنیم .

ما در عراق و پروژه های مهم آن به دلیل حضور آمریکا و شرکت‌های بزرگ نفتی آن موفقیت چندانی نداشتیم، به جز چند پروژه نیروگاه برق که آن هم با کلی تاخیر و سختی انتقال پول انجام گرفت . در صادرات کالا به عراق، شکایت اصلی بازرگانان عراقی از وجود رقیب قدرتمندی به نام ترکیه است که در بازار عراق بسیار مسلط است، از طرف دیگر در بعضی موارد از استاندارد کالاهای ایرانی گله مند نیز بودند . با کشورهای جمهوری‌ایم‌از‌تر‌کم‌نستان،تاجیک‌کستان،ازبکستان و آذربایجان نیز موفقیت چندانی کسب نکردیم، یکی از دلایل آن این است که مطالعه بسیار کمی در مورد این کشورها صورت گرفته و در زنجیره هایی که صادرات را می تواند حمایت کرده و توسعه دهد کارهای جدی انجام نگرفته است . مهمترین بحث، تنظیم روابط در سطح منطقه و جهان است و با شعار دادن و مخالفت ها و دشمن خطاب کردن کشورها امکان نفوذ خیلی اندک خواهد بود .

مرتضی فیروزی : اگر مبنای فکری حکمرانی ما توسعه کشور است، با این سیاست خارجی تقریباً محال ممکن است و چون در انتقال پول و مسائل مالی دچار مشکل هستیم و در کشورهای منطقه این انتقال زودتر صورت می گیرد. باید یک تقسیم بندی بسیار جدی را مابین این ۱۵ کشور ایجاد کنیم . کشورهایی هستند که ما به آنها صادرات داریم و مخصوصاً در یکی دو سال اخیر خیلی گسترش پیدا کرده و دلیل عمده آن ناشی از این است که کاهش ارزش ریال داشتیم و این کاهش منجر به صادرات پررونق به این کشورها شده است . این مسئله را نمی‌توان به عنوان توسعه صادرات در نظر گرفت، این برای کوتاه مدت و رفع مشکل است و اگر بخواهیم کار اساسی بکنیم سر منشا آن این است که ما یک الگو را به طور مثال از چینی ها بگیریم . چرا باید امارات متحده عربی در کشور ترکیه سرمایه‌گذاری کند، با آن که روابط این دو کشور بسیار تیره بود، روابط عربستان و ترکیه نیز به دلایل متعدد تیره بود .

ما تجربه سیاسی مرحوم هاشمی را داریم، ایشان فکر می‌کرد که اگر مشکل را با منطقه حل کند نیازی به غرب نخواهد داشت و بر اساس آن با همه روابط را بسیار گرم و صمیمی کرده بود، اما این رابطه ناپایدار بود . دولت آقای روحانی عکس این کار را انجام داد . لذا باید همانند چینی‌ها یکبار برای همیشه مسئله را موشکافی کنیم، من به شخصه معتقدم ما یک دوران طلایی دیگر بیشتر نداریم، چون جهان همه اراده خود را بر این گذاشته که به سمت انرژی سبز برود، اما با توجه به اینکه انرژی سبز فعلاً توجیه اقتصادی ندارد و قابلیت تولید انبوه را نیز ندارد، اما یک دوران گذاری وجود دارد تا از سوخت های فسیلی به انرژی های پاک بروند . نیروگاه زغال سنگ ده برابر یک نیروگاه گازی آلودگی ایجاد می کند و این موضوع ثابت شده است و هم اکنون کشورهایی مانند چین ۵۳ درصد انرژی شان را از ذغال سنگ میگیرند و تحت فشار افکار عمومی باید از این سوخت فاصله بگیرد . پس ما دوران کوتاهی داریم که از منابع گازی خود استفاده کنیم، به یاد داشته باشیم که فرانسه و آلمان در قرون گذشته پنج بار در مقابل هم جنگیدند و هزاران هزار خون ریخته شد فقط به خاطر یک منطقه

 	کشورهایی هستند که ما به آنها صادرات داریم و دلیل عمده آن کاهش ارزش ریال بوده و این کاهش منجر به صادرات پررونق به این کشورها شده است این مسئله را نمی‌توان به عنوان توسعه صادرات در نظر گرفت، این برای کوتاه مدت و رفع مشکل است	
---	---	---

حاوی ذغال سنگ، ولی امروزه دیگر کسی برای ذغال سنگ نمی جنگد .

فرزاد رمضانی : افغانستان در ماه های گذشته با به قدرت رسیدن طالبان وضعیت ژئوپلیتیکی اقتصادی و همچنین سیاسی این کشور تغییر یافته، نگرشی که ما در حوزه اقتصادی به افغانستان داریم نیز لاجرم باید تغییر کند . اگر جمعیت افغانستان را حدود ۴۰ میلیون نفر در نظر بگیریم در واقع در وضعیت کنونی حجم ۳ میلیارد دلاری صادرات گذشته به نظر می‌رسد بسیار کاهش پیدا کرده است . در خبری یکی از مسئولین اتاق بازرگانی افغانستان مبلغ یک و نیم میلیارد دلار را در حال حاضر اعلام کرده است . این به نظر می رسد که اگر روند تحولات به همین شکل پیش برود و طالبان قدرت را در این کشور در دست داشته باشند وضعیت روز به روز بدتر خواهد شد و اگر نگاه ژئوپلیتیکی و سیاسی دقیقی داشته باشیم مطمئنا انتخاب نخست طالبان در حوزه روابط خارجی، پاکستان خواهد بود نه ایران و رتبه دوم میتواند ایران باشد . پاکستانی‌ها امید بسیار زیادی به کسب بازار افغانستان از دست ایران دارند و مقامات طالبان نیز رویکرد حداکثری به پاکستان داشته و سهم حداقلی نیز برای ایران در نظر دارند .

لذا با این وضعیت پاکستان تلاش می‌کند که از حضور طالبان در افغانستان، کریدوری اقتصادی و ترانزیتی را با آسیای مرکزی و با دور زدن هند ایجاد نماید . این مسئله به نوعی می‌تواند دست ایران را در افغانستان کوتاه کند و بندر چابهار را نیز در این موقعیت به مهجوریت بکشاند . از سویی با توجه به جمعیت زیاد پاکستان و حجم تجارت ۶۰ میلیارد دلاری پاکستان، سهمی تقریباً یک درصدی را عاید ایران نموده است . در حوزه انرژی و در یک سال گذشته پاکستان تلاش کرده تقریبا با بی نتیجه مانند روند وضعیت واردات گاز از ایران عملاً قرارداد ۱۰ ساله ال‌ان جی را با قطر ببندند و پاکستان تمرکزش را در این حوزه گذاشته است . بحث دوم نیز واردات گاز از ترکمنستان که پاکستانی‌ها در آن حوزه کار می‌کنند و تلاش می کنند که بتوانند در این زمینه موفق شوند . خبرهایی که در ماه گذشته داشتیم به نظر می‌رسد که مقرر است و وضعیت روابط اقتصادی ایران و پاکستان تغییر کند و به

حجم ۵ میلیارد دلار افزایش باید .

امیرعباس امامی : به نظر می رسد ما با دو نگاه امنیتی و تجاری در برزخ میان این دو نگرش قرار داریم، در روابط با همسایه ها به طور مثال آیا در خصوص عراق و تغییر دولت‌ها در آن کشور، در روند صادراتی ما اوج و حضيض ایجاد شده و یا سیاست در عراق هیچ تأثیری در روابط تجاری ما با این کشور ندارد و آیا کوریدوری هست که از طریق عراق بتوانیم به سمت اردن، سوریه و لبنان نیز توسعه صادراتی داشته باشیم ؟

حسینی : خوشبختانه تجارت و صادرات و واردات در عراق در دست بخش خصوصی است و دولت نقشی در این زمینه ندارد، کاری که دولت عراق انجام می دهد، خرید گاز و برق است که پول آن را هم نمی‌دهد و در باقیی پروژه‌ها، دولت نقشی در روابط تجاری با ما ندارد و این خودش موفقیتی بزرگ است . دولت هر چقدر نقش پر رنگ تری داشته، وضعیت ما در عراق بدتر می شود . روزی که بتوانیم کالاهای مورد نیاز و رقابتی با قیمت مناسب در اختیار عراقی‌ها بگذاریم، قاعدتاً بازار خوبی خواهیم داشت . با توجه به اینکه از سال ۱۳۸۳ روند افزایشی صادرات به عراق داشتیم و علی رغم همه مشکلات به غیر از سال ۲۰۱۴ که حضور داعش در عراق بود و سال بعد از آن که صادرات مان کاهش پیدا کرد و سال ۲۰۱۵ نیز حجم صادرات ما را کرونا کاهش داد . ولی در مجموع روند ما روند افزایشی بوده است .

متأسفانه حدود۴ میلیارد دلار پروژه فنی مهندسی در عراق داشتیم و حداقل ۸۰ پروژه در زمینه های برق،فاضلاب، استادیوم جاده و طرح های آبرسانی داشتیم و در طی دو سال گذشته تقریباً پروژه ها به اتمام رسیده، پروژه های بعضا نیمه تمام مانده نیز به خاطر تحریم‌ها نمی‌توانیم به اتمام برسانیم .

اما از بازار عراق هیچ پروژه جدید را دریافت نکرده ایم و این می توانست از ظرفیت‌های بسیار خوبی باشد که به صادرات کالایی ما کمک کند . کشور چین نیز امروز سهم افزایشی خود را در بازار عراق متوجه کالاهای صنعتی خود نموده است و کشور ترکیه نیز بازسازی عراق را با صادرات پروژه های خدمات فنی مهندسی اجرامی کند.ماموقعیت‌های این چینی را از دست میدهیم و بخش مهم دیگر آن نیز به خاطر نگاه امنیتی ماست .

امامی : آقای زنگنه شما صحبتی داشتید در مورد

تراکم جمعیتی در استانها که می‌تواند در بحث صادرات تاثیرگذار باشد، می‌خواستم از شما سوال کنم آیا فدرالیته کردن استانها می‌تواند فضای صادراتی ما را گسترش دهد ؟ چرا که در این گونه حکمرانی ها به لحاظ عدم دستورگیری از مرکز، تراکم جمعیتی مناسب و بضاعت های تولیدی و صادراتی هر استان می‌تواند با کشور مجاور خودش ارتباط داشته باشد .

زنگنه : مسلماً با باز نمودن این حلقه بسته تمرکز تصمیم‌گیری‌ها در تهران، خیلی از مسائل می‌تواند حل شود و به توسعه صادرات منجر گردد . البته حجم زیادی از صادرات ما به دلیل ضعف ریال ایران در برابر ارزهای خارجی بوده است . این استان‌ها در صورت اختیارات بیشتر قطعاً می توانند حجم صادرات را بالا ببرند. اما مهمترین مسئله که به نظر می‌رسد باید بدان توجه کرد، کریدور ایران، عراق، سوریه و صادرات گاز و برق است که با حمایت و هدایت آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها دارند جایگزینی برای ایران تعریف می‌کنند. عراق با مشارکت اردن و مصر کانالی در دست احداث دارد که تجارت عراق با این کشورها را میسر کند و گازی که از ما می‌گیرند گاز مصرفی مصری، اسرائیلی خواهد بود و برقی که از ایران می‌گیرند برق اردن خواهد بود .در آینده عربستان اعلام آمادگی کرده که به عراق برق دهد تا اتکایش را به ایران کمتر کنند. همه معادلات را باید ملاحظه کرد و این نوسانات را با محاسبات جدیدی در یک ماتریس بزرگتر و وسیع تری پیش برد .

امامی : آقای دکتر فیروزی در خصوص اینکه شما در جایی صحبت کردید که آمریکا و روسیه عملاً می‌خواهد ایران را از بازار نفت جهانی خارج کنند، آیا تعامل روسیه و ترکیه از بعد سیاسی چگونه می‌تواند در بحث صادرات ما را دچار مشکل کند ؟

من نکته ای را خدمت آقای دکتر حسینی باید عرض کنم و آن کاهش ارزش لیر است که می‌تواند بخشی از بازار ایران را در عراق خارج کند چرا که لیر ارزان شده، در نتیجه بخشی از صادرات ترکیه به عراق توجیه‌پذیر خواهد شد و چون ما کالاهای سرمایه ای به عراق صادر نمی‌کنیم و کالاهای مصرفی صادر می کنیم، بعضی از کالاهای مصرفی که ترکیه صادر می کرد

به دلیل مسئله ارزش بهایش در مقابل ارز معتبر، گرانتر از ایران می شد . ولی حالا از این به بعد این اتفاق خواهد افتاد . برای پاسخگویی به سوالاتتان سخت بر این باورم که آمریکا و روسیه مشترکا این کار را انجام دادند به این دلیل که این دو کشور اراده کردند که ایران و ونزوئلا را از گردونه بازار نفت خارج کنند و با توجه به اینکه آمریکا بزرگترین وارد کننده نفت جهان در چند سال گذشته به یکی از صادرکنندگان گاز و نفت تبدیل شده است . هم اکنون ۵۱ درصد صنعت تجارت گاز جهان با ال ان جی است، ما در این زمینه تقریباً صفر هستیم چرا که به امید خط لوله نشستیم و مسلماً اجازه نخواهند داد که خط لوله ما وارد دریای مدیترانه شود . در حوزه میعانات گازی نیز قصد حذف ایران را دارند . آیا روسیه اجازه خواهد داد در مرزهای جنوبی خود یک کشور جدید با سلاح اتمی ایجاد شود و این غیر ممکن است . آمریکا و روسیه با هم در این زمینه مشترک هستند ولی یکی نقش پلیس خوب را بازی می‌کند و دیگری پلیس بد و به شخصه معتقدم اروپا و چین مواضعشان نسبت به مسائل نفت و گاز این منطقه به ما نزدیک تر است تا آمریکا و روسیه . قرارداد سوآپ کنونی نیز عدد بسیار بسیار کوچک دارد بین یک و نیم تا دو میلیون متر مکعب گاز، وقتی‌ما خود تولید ۲۵۰ میلیون متر مکعب را داریم و ۲۳۰ میلیون متر مکعب آن را مصرف می‌کنیم، این عدد سوآپ بسیار کوچک است ولی البته گام مثبتی است .

امامی : در بحث صادرات به افغانستان باید یک جریان برد برد بین دو کشور حاکم باشد، در صورتی صادرات به خوبی محقق شود که واردات خوبی از آن کشور داشته باشیم وقتی هیچگونه وارداتی از افغانستان نداریم به نظر شما چه شرایطی باید ایجاد شود تا سهم بزرگی از صادرات در افغانستان را داشته باشیم ؟

رمضانی : در واقع نگاه یکطرفه ایران به صادرات و افغانستان برای حل این مسئله با توجه به وضعیت و تحولات سیاسی امنیتی آن نمی‌توان چشم انداز دقیقی در این زمینه تعریف کنیم . هرچند به نظر می‌رسد که برای تبیین رابطه دقیق‌تر اقتصادی با افغانستان و رویکرد سیاسی آن باید با دقت بیشتری پیش رفت . ما در خصوص این کشور به یک جمع بندی کامل نرسیده ایم و در واقع



متغیرهای گوناگون سیاسی، امنیتی ژئوپلیتیکی و اقتصادی در این زمینه نقش داشته اند و هنوز طالبان را به عنوان یک واقعیت پذیرفته یا نپذیرفته ایم . ما این پتانسیل را با افغانستان به لحاظ همسویی زبانی، فرهنگی و تمدنی دو کشور داریم که می تواند حجم گسترده صادرات به افغانستان داشته باشیم . در واقع آینده رویکرد راهبردی ایران و افغانستان باید بازتعریف جدیدی در این زمینه انجام شود که به نظر می‌رسد با ابهامات بیشتری در نوع نگاه تاکتیکی راهبردی طالبان و ایران روبرو هستیم .

امامی : در خصوص انتقال گاز به هندوستان از طریق پاکستان که محقق نشد، رابطه ما با توجه به اینکه هند پتانسیل زیادی در زمینه خرید نفت برای پالایشگاه های خود دارد، آیا می توانست این روند شرایط دیپلماسی اقتصادی خوبی را ایجاد کند؟

زنگنه : هند کشور بزرگی است که اقتصاد سوم یا چهارم دنیاست و نیاز هند به گاز نیاز بسیار جدی است . همچنین به نفت ایران هم نیاز دارد ما نتوانستیم یک پروژه با هندوستان به نتیجه برسانیم، هندوستان با راهنمایی‌های آمریکا دارد در منطقه جولان می دهد . اینکه منطقه چابهار با چراغ سبز آمریکا معاف از تحریم میشود و هند به اندازه ای پیش می‌رود که منافع خودش تامین گردد و مسیر مطمئنی را برای ورود به افغانستان

پیدا کند و از آنجا به جمهوری های شوروی سابق، فهم این مسئله به فسفر زیادی نیاز ندارد که هندوستان با چه زنجیره ای دارد عمل میکند، این زنجیره اگر کامل دیده نشود همچنان درجا خواهیم زد . انتقال گاز به هندوستان از طریق زیر دریا یک راهکار دیگری بود و البته خیلی پرهزینه و نیاز به سرمایه‌گذاری زیادی دارد و این کشور حاضر به سرمایه‌گذاری به تنهایی در این حوزه نیست، باید شرکت‌های بزرگ نفتی و گازی بیایند که بتوانند در این پروژه عظیم و جدی سهیم باشند . پاکستان هم تا احزاب گوناگونی سهمی از این کیک نفت و گاز و برق به دست نیاورند، مانع تحقق این پروژه ها خواهند بود کاری که فعلاً پاکستان انجام میدهد همکاری با چین است و این تبعات، ضد زنجیره هند، آمریکا و ژاپن در منطقه است . از سوی دیگر عربستان چند نیروگاه در پاکستان احداث کرده اما هر حزبی که می‌آید و نخست وزیری را به دست می‌گیردشروع به اخلال در آن نیروگاه‌ها می‌کند. در خصوص افغانستان هم اضافه کنم که این کشور به شدت به برق و همچنین به گاز و نفت ایران نیاز دارد و ما هم متقابلاً به آب و منابع آبی این کشور نیاز داریم برقراری یک معادله درست بین منابع دو کشور می‌تواند برای ما راهکارهای تاکتیکی و راهبردی مناسبی فراهم کند .

امامی : بحث سرمایه گذاری در بورسهای جهانی

اگر در سال هایی که دچار تحریم نبودیم انجام می پذیرفت، شاید الان بخش خصوصی فربهی داشتیم.ودر بحث صادراتی هم این‌بخش می‌توانست کمک مفیدی بکند . در این خصوص چه نظری دارید؟

فیروزی : من بر این باورم که ما اصلاً بخش خصوصی بزرگ نداریم که بتواند وارد این فضا بشود، بخش‌های خصوصی ما هم که در دولت مرحوم هاشمی در حال رشد بودند متعاقب آن در دولت‌های بعدی تبدیل به شرکت‌های خصولتی شدند و سهام های بزرگ را نیز در اختیار گرفتند و این در اقتصاد آزاد جهانی فضایی را باز نمیکند . ما از نظر علمی و عملی عقب مانده ایم و در مورد مسائل بانکداری هم به همین شکل . هم اکنون بانکداری ما بسیار غیر کارآمد و غیر علمی نسبت به بانکداریهای دنیاست . اما در مورد صحبت آقایان که در خصوص پاکستان و افغانستان ذکر کردند، بهترین کار شاید برای ما این بوده که ما گازمان را که بسیار به صرفه اقتصادی است آن را در کشور خودمان تبدیل به برق می کردیم و برق را صادر می کردیم، تفکراتی مثل خط لوله در زیر دریا نمی تواند ما را به توسعه صادرات برساند باید روی ال ان جی سرمایه‌گذاری می‌کردیم و مثل قطری‌ها می‌توانستیم ال ان جی را صادر کنیم . هند در حال جهش بسیار بزرگی است هندی‌ها همیشه مورد تهاجم کشورهای دیگر از

جمله ایران واقع شدند و در زبان انگلیسی هم مشکلی ندارد لذا بعد از بوش پسر قراردادهای استراتژیک بسیار مهمی با آمریکا بسته شد و امریکا مربعی را با حضور استرالیا، ژاپن و هند در منطقه ایجاد کرد . این مربع خواهد توانست در مقابل امپریالیسم تازه برخاسته چین و در حال رشد، ایستادگی کند . ولی ما به دلیل اینکه در وسط این معادل ایستاده‌ایم و سیاست نه غربی و شرقی داریم ما می‌توانیم با اتکا به گاز خودمان هم به هندی‌ها و هم به چینی‌ها صادرات داشته باشیم.

امامی : سرمایه‌گذاری‌های مادر طرح‌های توسعه‌ای همگی سرمایه‌گذاری های زودبازده بوده است و عضو تجارت جهانی هم نیستیم، سوال من این است که اگر بتوانیم یک شرایط ترانزیتی در کشور ایجاد کنیم و شمال را به جنوب و غرب به شرق به طریق ریلی، جاده‌ای و هوایی و زمینی متصل کنیم،به نظر شما ایران می‌تواند کريدورصادراتی و هاب انرژی برای کشورهای دیگر باشد ؟

حسینی : من معتقدم همسایگان فراوان و مرز مشترک با کشورها برای ایران قطعاً یک فرصت است و از سویی نیز به ضرر ما هستند، چراکه ما از این فرصت فوق العاده روابط با همسایگان به دلیل سیاست‌های غلط که در داخل داریم به نفع خودمان استفاده نمی‌کنیم، از قبیل اعطای یارانه‌های انرژی، یارانه‌های کالا و دارو این کشورها هم به یک نحوی دارند از ایران تغذیه می کنند . از روزی می توانیم بازار داخل را تنظیم کنیم که بازار کشورهای همسایه را هم تامین کنیم، ما از مزیت داشتن همسایگان فراوان استفاده نکردیم و امتیاز کسب نکردیم بلکه در مواقعی برای ما خطرات امنیتی نیز داشته است . دولت یکی از پروژه‌هایی که می تواند سرمایه گذاری کند و جهش اقتصادی ایجاد بکند راهسازی است، ما زیرساخت‌های مناسبی را در این زمینه نداشتیم . اخیراً دولت اجازه داده است شش هزار کامیون به کشور وارد شود و این شاید یک مقداری در موقعیت حمل و نقل ما امتیاز ایجاد کند .

امامی : مادر بحث حاکمیت و قانونگذاری و اجرای مصوبات چه حلقه مفقوده ای داریم که اگر آن بازگشایی شود می‌تواند در بحث قوانین هم تسریع ایجاد کند و هم اینکه طرح های توسعه صادراتی را بتوانیم پیش ببریم ؟

زنگنه : میتوانم عنوان کنم که ما حلقه مفقوده نداریم ما «زنجیره مفقوده» داریم، برای همه مواردی که در این میزگرد ذکر شد ما حکمرانی درستی نداشتیم . متأسفانه طرح های بسیار موثر در جهت تامین منافع ملی در قالب پروژه های راهسازی داشتیم که به بایگانی راکد سپرده شد و یا در مثالی بارزتر، یک شرکت آمریکایی که متخصص در ال ان جی بود، ۲۰ سال پیش طرحی آورد و آمادگی آن را داشت یکی از میداین گازی را به صورت قرارداد ۱۵ الی ۲۰ ساله در اختیار بگیرد، تمام تجهیزات را نیز خواهد آورد و سرمایه‌گذاری‌ها را هم کاملاً خود انجام خواهد داد و پول گاز را نیز تحویل ایران می دهد، از عملیات استخراج گاز و تبدیل آن به ال ان جی ۵۰ درصد نیز سود خالص به ایران ارائه خواهد کرد، آب و برقی هم که از این پروژه تولید می‌شد باز هم نصیب ایران می شد و در آخر کار هم کل تجهیزات را به ایران واگذار می‌کرد، تمامی طرح‌های تفصیلی مطالعاتی و فنی خود را در ده زونکن به رئیس‌جمهور و وزیر نفت ارائه دادند، ولی متأسفانه هیچ اتفاقی نیفتاد . این نگاه بدبینانه و امنیتی به سرمایه‌گذاری ها ما را دچار یک زنجیره مفقود نموده است .

امامی : ما برای اینکه توسعه صادرات داشته باشیم، متولی مناسبی نداریم، اتاق بازرگانی، وزارت صمت و وزارت بازرگانی به نظر شما تشکیل یک نهادی که متشکل از بخش خصوصی مقتدر و احیاناًبخش دولتی ناظر، با توجه به تعاملاتی که در روابط بین الملل داریم و تجربیاتی که کسب کرده ایم می تواند در طرح های توسعه ای صادرات ثبات قدم ایجاد کند ؟

فیروزی : ما کشور نفتی هستیم و قادر به رقابت نبوده ایم و در جاهایی هم که رقابت می کنیم، رانت بوده است . الان بار ارزی کشور را پتروشیمی‌ها، فولاد و سیمان می کشند که همه این ها با گاز ارزان و رایگانی که دولت می‌دهد فعالیت می کنند . پالایشگاههای ما بین ۲۸ تا ۳۲ درصد فرآورده ای که به دست می آورند، مازوت و قیر است . باورم بر این است که ما یک مشکلی هم در بعد اقتصاد داریم و آن این است که اقتصاددانی در سطح جهانی نداریم . اقتصاددان های ما بزرگ‌ترین شان حداکثر از یک دانشگاه بسیار متوسط فارغ التحصیل شده اند .

به نظر من هیچ اشکالی ندارد که ما دانشجویهایی در دانشگاه‌های معتبر خودمان به دانشگاه‌های معتبر جهان بفرستیم . متأسفانه سیطره سیاست بر اقتصاد برای ما فاجعه درست کرد، اما در عین حال هم اقتصاددان های بزرگی نداریم چرا که نظریات اقتصاددان های ما را خیلی هم مورد قبول مجامع بین المللی قرار نمی گیرد .

حسینی : فکر می‌کنم اگر دیپلماسی اقتصادی و تجاری را به وزارت خارجه واگذار کنیم، با توجه به شرایط داخلی وزارت صمت مسئولیت های بسیار زیادی دارد و هر وزیری که می‌آید درگیر تنظیم بازار و هزار مشکل دیگر است و اصلاً فرصتی ندارد، لذا دیپلماسی تجاری را به وزارت خارجه متمرکز کنیم شاید بتوانیم از ظرفیت سفارتخانه‌ها و دیپلماتها بیشتر استفاده کنیم . اتاق‌های بازرگانی را هم باید سر خط بیاوریم، اتاق بازرگانی وظیفه شان باید بر این مبنا باشد که بر روی خصوصی سازی کار کنند و بخش خصوصی را توانمند کنند. در وهله دوم بازاریشناسی، بازاریابی و جمع‌آوری اطلاعات بازار را در روابط کاری خود داشته باشند . باید در این خصوص اتاق بازرگانی و وزارت خارجه همکاری کنند و به طور جدی تجدیدنظری در وظایف و مسئولیت‌ها و کارکردهای اتاق‌های بازرگانی انجام شود .

زنگنه : باید یک رویکرد جدیدی در هر قسمت داشته باشیم با ایجاد چند تارازین بازرگانی در وزارت خارجه یا چند طرح جدید در اتاق بازرگانی خیلی مشکلات حل نخواهد شد.وزارت خارجه و کل دولت باید یک تمرکززدایی در روابط اقتصادی باخارج به وجود بیاورند که دستشان نیز باز باشد و الگوانتخاب کنند . به نظرم الگوی ترکیه در حمایت از اقتصاد و صادرات کشور خود الگوی بسیار موفقی است . دولت ماحمایت‌چندانی از صادرکننده‌می‌کندولی ترکیه برعکس عمل می‌کند و شرکتهای صادراتی را حمایت‌سیاسی،مدیریتی وهدایتی می‌کند.یکی از موفق ترین شرکت های ما در عراق شرکت کاله است که توانسته در این کشور به صورت مشارکتی و حضور در میدان عراق، کار خود را شروع کند و به نوعی به عراقی‌ها این احساس را تزریق کرده که این شرکت مال خودشان است، شرکتی نیست که صرفاً می‌خواهد کالایی بفروشد و پول ببرد . باید به بخش خصوصی میدان جدی‌تری داده شود.وزارت خارجه هم باید رویه‌ها و ساختار خود را عوض کند .

درفقدان حکمرانی مطلوب

همه سرگردانیم!

غلامحسین حسن‌تاش، کارشناس ارشد انرژی



■ به نظر می‌رسد وزارت نفت با توجه به منابع درآمدی اندک از فروش نفت به رقابت با بخش خصوصی در تولید و صادرات نفت افتاده است. نظر شما در خصوص این رقابت ناسالم چیست و چرا وزارت نفت اعتقادی به تملک بخش خصوصی در این حوزه ندارد؟

اگر منظور تان نفت خام باشد باید عرض کنم که به نظر من مطلب اینگونه که طرح فرموده اید نیست. تولید و صادرات نفت خام از دیرباز در دست شرکت ملی نفت ایران بوده است و طبق سیاست های ابلاغی اصل ۴۴ واگذاری بخش بالادستی صنعت نفت که تولید کننده نفت خام و گازطبیعی است قابل واگذاری به بخش خصوصی نیست. در سال های اخیر که شرکت ملی نفت ایران به دلایل تحریم با مشکل صادرات نفت خام مواجه شد به نوعی مجبور شدند که با وارد کردن بخش خصوصی به صادرات نفت خام، فرصت هایی را برای دور زدن تحریم ها بوجود آورند که البته به نظر من خوب مدیریت نشد و مفاسدی بوجود آمد. به نظر من وزارت نفت باید در شرایط عادی بر صادرات نفت خام کنترل کامل داشته باشد، چراکه به اندازه کافی رقیب در بازار جهانی نفت خام داریم و اگر بخواهیم به هر صورتی در سطح ملی با خودمان رقابت کنیم ممکن است فرصت ها را از دست بدهیم و فساد هم گسترش یابد . البته داستان صادرات فرآورده های نفتی متفاوت است .

■ چالش‌های داخلی یا خود تحریمی و قوانین دست‌وپا گیر بخش خصوصی این صنعت را از پا انداخته است و یا چالش‌های بین‌المللی؟

همه اینها که گفتید موثر هستند اما به نظر من مشکل اصلی تر این است که دولتهای ما در حکمرانی بسیار ضعیف هستند و این ضعف در بخش انرژی و پایین دست نفت آن بسیار ضعیف تر است. منظورم از حکمرانی ترجمه Governance است به معنای سیاست‌گذاری و رگولاتوری و کنترل و نظارت که کار اصلی دولت هاست . در همه دولتها و خصوصا در صنعت نفت و در وزارت نفت، تصدی گری و بنگاه داری بر حکمرانی که وظیفه اصلی دولت و یک وزارت خانه است غلبه دارد و لذا شاهدیم که به نوعی رقابت با بخش خصوصی دارد در صورتی که دستگاه حکمران حامی بخش خصوصی و حامی رقابت سالم باید باشد .

■ برای سامان‌دهی به مشکلات تولید و صادرات فرآورده‌های نفتی نیازمند پایه‌گذاری رگولاتوری در این صنعت هستیم که مخالفان معلوم الحال خود را دارد، نظر شما در این مورد چیست؟

رگولاتوری یا تنظیم مقررات دقیقا یکی از مهمترین وظایف حکمرانی است که در پاسخ قبلی

به آن اشاره کردم. رگولاتوری مسیر و چارچوب فعالیت ها را شفاف و روشن می کند و طبیعتا رانت خواران مخالف شفافیت هستند. چنانچه اشاره کردم اصولا وزارت نفت به هیچ وجه نباید تصدی گری داشته باشد. به نظر من اگر دستگاه حکمرانی قوی عمل کند می تواند حیظه فعالیت بخش خصوصی و نیز بنگاه های دولتی رامشخص کند و سامان دهد و جلوی انحصارات را بگیرد اما در فقدان حکمرانی مطلوب، همه سرگردانند.

■ با توجه به صادرات فرآورده‌های نفتی به کشورهای همسایه، وضعیت توسعه تجارت با کشورهای همسایه را چطور ارزیابی می‌کنید؟

به نظر من برای توسعه تجارت خارجی چه با همسایه ها و چه غیر از آن، اصلی ترین مشکل فعلی وضعیت روابط خارجی ایران و تحریم ها و رابطه ایران با نهادهای اقتصادی و مالی بین المللی است که تا حل نشود به هر حال تجارت را محدود و غیر شفاف می کند و در قدم بعد توسعه تجارت با کشورهای همسایه مستلزم نقشه راهی است که در سطح ملی و با کمک همه ذی نفعان طراحی شود و با حمایت دولت پیش برود.

■ صادرات فرآورده‌های نفتی با روند افزایش تحریم‌ها، رشد و توسعه مناسبی داشته است. آیا می‌توان به بخش خصوصی واقعی درروند تجارت بین‌الملل اعتماد کرد؟
اعتماد به مفهوم سنتی آن به تعبیر نهادگراها

یک عرف اجتماعی و قدیمی است که با پیچیده شدن و متکثر شدن جوامع و اقتصاد و تجارت دیگر کاربرد ندارد و در دنیای امروز کار با ضوابط و مقررات و چارچوب های حقوقی محکم و قرارداد پیش می رود . ضوابط مشخص می کند که چه شرکتی با چه صلاحیت ها و سوابق و توانائی هایی چه کارهایی را می تواند انجام دهد و چه کسی نمی تواند، اما اگر منظور تان از اعتماد، توانائی و صلاحیت بخش خصوصی باشد به نظر من قطعا این توانائی و صلاحیت وجود دارد و می تواند در چارچوب هائی که اشاره کردم به فعلیت در آید .

■ تجمیع آراء و هم‌اندیشی تشکل‌های خصوصی چه تأثیری در پیشبرد اهداف توسعه‌ای خواهد داشت؟

طبعاً همکاری جمعی سینرژی ایجاد می کند . مطالعات نشان می دهد که ما در کشور در ایجاد رقابت در بعضی جاها چه در تولید کالا و چه خدمات افراط کرده ایم مثلاً کمتر کشوری به اندازه ما نوشابه ساز، یا خودروساز یا شرکت هواپیمائی یا تولید کننده فرش ماشینی دارد و این به نظر من به دلیل ضعف و ناکارائی دستگاه حکمرانی بوده است و یکی از مشکلات کشور است . حالا فعالان بخش خصوصی باهمکاری های خودو تجمیع توانائی های خود برای رقابت با رقبای خارجی می توانند تا حدودی این نقیصه را جبران کنند.

■ نظرتان در خصوص خام‌فروشی نفت و یا تولید محصولات با ارزش افزوده چیست و حضور بخش خصوصی چه میزان در طرحهای توسعه ای این بخش حایز اهمیت خواهد بود.

قطعا عقل سلیم ایجاب می کند که تا جائی که می توانیم ارزش افزوده را به کشور برگردانیم، اما دقت کنید ارزش افزوده، یعنی تبدیلاتی که افزوده داشته باشد که این بستگی به برنامه توسعه صنعتی در سطح کلان و مطالعات فنی- اقتصادی در سطح خرد دارد. گاهی یک برداشت سطحی از اجتناب از خام فروشی وجود دارد، مثلا ما برای اجتناب از خام فروشی نفت خام می توانیم عمده آن را تبدیل به نفت کوره کنیم و دل خوش باشیم که خام نفروخته ایم، اما این که ارزش ندارد. همین تفکر سطحی باعث توسعه نوعی از صنعت پتروشیمی در کشور شده است که محصولات پایه با ارزش افزوده بسیار کم تولید می کند که بعضاً اگر هزینه های زیست محیطی

ما برای اجتناب از خام فروشی نفت خام می توانیم عمده آن را تبدیل به نفت کوره کنیم و دل خوش باشیم که خام نفروخته ایم، اما این که ارزش ندارد. همین تفکر سطحی باعث توسعه نوعی از صنعت پتروشیمی در کشور شده است که محصولات پایه با ارزش افزوده بسیار کم تولید می کند که بعضاً اگر هزینه های زیست محیطی یا جانبی آن را در محاسبات ملی وارد کنیم ممکن است ارزش کاهنده یا منفی هم داشته باشد

یا جانبی آن را در محاسبات ملی وارد کنیم ممکن است ارزش کاهنده یا منفی هم داشته باشد باید نگاه را در این مورد عمق ببخشیم.

■ اتاق‌های بازرگانی در فرآیند تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم سازی های دولت چه میزان نقش دارند؟

در این سوال شما یک فرض ضمنی وجود دارد که گویا فرآیند تصمیم گیری و تصمیم سازی در دولت وجود دارد، اما به نظر من این فرض غلط است تجربه من نشان می دهد که در دولت خصوصا فرآیند تصمیم سازی منظم و منسجمی وجود ندارد تصمیم سازی مقدم بر تصمیم گیری است . تصمیم گیری باید بر مبنای داده های تصمیم سازان باشد در فرآیند تصمیم سازی باید تمام گزینه های تصمیم گیری مشخص شده باشد و آثار و تبعات آنها از جهات مختلف اجتماعی و اقتصادی و زیست محیطی و غیره ارزیابی شده باشد و اثر آن بر ذی نفعان بررسی شده باشد که متاسفانه چنین چیزی وجود ندارد و اگر هم بصورت ناقص وجود داشته باشد تصمیم گیران نه بر مبنای آن بلکه بر مبنای دانش محدود و سلابق خود اتخاذ تصمیم می کنند و لذا در ساختار فعلی بیشتر لابی گری موثر است و هر که مرتبط تر باشد و بیشتر و زودتر لابی کند تاثیرگذار تر است نه لزوما کسی که کارشناس و خبره است . در چنین سیستمی به نظر من شانس تاثیر گذاری منطقی بسیار کم است .

■ بخش خصوصی، در زنجیره حذف بسیاری از بنگاه‌های اقتصادی کوچک کشور که تحت مخاطرات سیاسی و تحریم‌ها به تعطیلی رسیده‌اند چه عملکردی باید داشته باشد و از چه امکانات و سیاست های اجرایی محروم است .

البته توجه داشته باشید بنگاههای اقتصادی کم بازده و ناکارآمد باید ورشکست شوند و از دایره فعالیت های اقتصادی خارج شوند، مگر این که زیان دهی و مشکلاتشان به دلیل سوء مدیریت یا ضعف عملکرد اقتصادی یا غلط بودن طرح سرمایه گذاری و تجارت اولیه شان نباشد، بلکه ناشی از اعمال دولت و نظام حکومتی باشد .یعنی همانطور که اشاره کرده اید ناشی از تحریم و وضعیت سیاست خارجی کشور باشد . و به نظر من در این مورد نقش اتاق های بازرگانی باید بگونه ای باشد که مانع خلط مبحث در این مورد شود، یعنی مانع سوء استفاده

بنگاه‌ها از تحریم و امثال آن بشود و طبعاً بنگاه‌هایی که مشکلاتشان صرفاً از ناحیه تحریم و بحران‌های سیاسی کشور است باید حمایت شوند.

■ به نظر شما برای هم‌اندیشی و هم‌افزایی بخش خصوصی در معاملات اقتصادی چه اقداماتی باید انجام داد؟
بخش خصوصی در شرایط فعلی ایران از نظر اندازه اقتصادی و مالی در بسیاری از موارد، توانایی سرمایه‌گذاری‌های بزرگ ملی را ندارند و به نظر من باید بتوانند با تشکیل کنسرسیوم‌ها و مشارکت‌های مدنی توانایی‌های خود را جمع کنند و در بعضی موارد که دولت بعنوان یک کارفرمای بزرگ این مساله را بهانه می‌کند، بهانه را از دولت بگیرند و تشکیل چنین مشارکت‌ها و کنسرسیوم‌هایی از یک سو مستلزم تدوین قراردادهای متناسب و دقیق و از سوی دیگر مستلزم تمرین و ممارست در انجام کارهای جمعی است.

■ شرکت‌های دانش‌بنیان و استارت‌آپ چه تأثیری در فرایند تجاری داخلی و بین‌المللی دارند؟
استارت‌آپ‌ها به نظر من زمانی موفق خواهند بود که بتوانند یک ایده را با چابکی به یک محصول تبدیل کنند که این محصول می‌تواند اعم از کالا یا خدمت باشد و اگر این کالا یا خدمت با بهره‌وری مناسب تولید شود و قیمت تمام شده رقابتی داشته باشد طبعاً جای خود را در بازار چه داخلی و چه خارجی (صرفنظر از شرایط تحریم) باز خواهند کرد و این موجب توسعه تجارت می‌شود.

■ ساختار اقتصادی با حضور خصولتی و دولت فعال اقتصادی و نه ناظر و مهبجوریت بخش خصوصی به کدام سو خواهد رفت و چه راهکاری دارید؟
من ریشه این مشکل را هم در ضعف ساختار حکمرانی دولت می‌دانم، دولتی که در کار اصلی خود یعنی حکمرانی شامل سیاست‌گذاری، مقررات‌گذاری، کنترل و نظارت مقتدر باشد و حیطه‌های حکمرانی را از تصدی‌گری به خوبی تفکیک کند، نسبت متعادل‌تری میان بنگاه‌های دولتی و خصوصی برقرار خواهد کرد.

■ دلایل ناکامی اجرای سیاست‌های خصوصی‌سازی و ظهور شرکت‌های خصولتی چیست؟
به نظر من روشن نبودن دقیق اهداف خصوصی‌سازی، مدون نبودن مکانیزم واگذاری‌ها، در کنار وجود فساد گسترده عامل این وضعیت شده

است. خیلی سال پیش و قبل از این که خصوصی‌سازی شروع شود در مقاله‌ای نوشتم که به نظر من ما قبل از خصوصی‌سازی نیاز به دولت‌سازی داریم و در آنجا توضیح دادم که ما در ایران عملاً فاقد یک دولت کارآمد حکمران هستیم و در چنین شرایطی، خصوصی‌سازی خطرناک است، چراکه یکی از وظایف دولت‌ها این است که با ابزارهایی که در اختیار دارند، منافع بنگاه‌های خصوصی را با منافع ملی هم راستا کنند و در شرایط فقدان دولتی که قادر به انجام این وظیفه

باشد منافع ملی آسیب خواهد دید. علاوه بر این در آنجا نوشتم که یک دولت حکمران و توانا می‌تواند فرایند خصوصی‌سازی را بطور صحیح جلو ببرد و حالا شاهد هستیم که آن حرف‌ها درست پیش بینی شده بود.

■ تقابل جهانی با نفت ایران و ونزوئلا چه آینده‌ای را در معاملات نفتی ترسیم خواهد نمود.
اگر منظورتان تأثیر این تقابل بر بازار نفت باشد پاسخ این است که این تقابل به نفع سایر صادرکنندگان نفت است و در شرایط رکود اقتصادی مانع سقوط زیاد قیمت جهانی نفت می‌شود و البته در شرایط رونق اقتصادی در جهان موجب می‌شود که قیمت‌ها خیلی بالا برود. این تقابل به نفع تولیدکنندگان سایر حامل‌های انرژی و خصوصاً انرژی‌های تجدیدپذیر نیز هست، چون در قیمت بالای نفت خام، این انرژی‌ها اقتصادی‌تر می‌شوند و توسعه می‌یابند و از این جهت این تقابل به نوعی به نفع محیط زیست جهانی نیز هست. رکود اقتصادی جهانی ناشی از فراز و نشیب موج‌های پاندمی کرونا نیز به این تقابل کمک کرده است.

■ عملکرد سه دولت اخیر را در توسعه اقتصادی و انرژی چگونه ارزیابی می‌کنید.

اگر منظورتان سه دولت موسوم به سازندگی، دولت احمدی‌نژاد و دولت موسوم به تدبیر و امید باشد به نظر من عملکرد همگی آنها در موضوع انرژی بسیار بد و البته عملکرد دولت احمدی‌نژاد از همه بدتر بوده است اما در زمینه توسعه اقتصادی، تمام شاخص‌ها نشان می‌دهد که عملکرد دولت سازندگی بطور نسبی بهتر بوده است.

■ تقارن سیاست با اقتصاد کشور چه پیامدهایی خواهد داشت؟ و آیا فرجام اقتصادی کشور با این شیوه حکمرانی به توفیقی خواهد رسید؟

کشور با بحران‌های بسیار بزرگی روبرو می‌باشد، بحران محیط زیست، آب، انرژی، بحران‌های گوناگون اقتصادی و اجتماعی، بحران ناکارآمدی، بحران فقر فزاینده، بحران عدالت اجتماعی، بحران سیاست خارجی و روابط بین‌المللی و غیره. به نظر من فائق آمدن بر این بحران‌ها نیازمند تحول اساسی و در پارادایم‌های سیاست‌ورزی و حکمرانی در کشور است که متأسفانه شاهد آن نیستیم.



دنیای انرژی

ماهیانه صادرکنندگان فراورده‌های نفتی، گاز و پتروشیمی ایران

ماهیانه دنیای انرژی دیده می‌شوید!

جدیدترین اخبار، رویدادها و تحلیل‌های انرژی

جهت دانلود نسخه الکترونیکی به سایت OPEX.IR مراجعه فرمایید

جهت سفارش آگهی و اشتراک مجله با روابط عمومی تماس بگیرید

OPEX.IR





■ کمیسیون انرژی اتاق تاکنون به چه دستاوردهایی در حوزه انرژی دست یافته است؟

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای که این کمیسیون توانسته است به آن دست یابد، ممانعت از حضور افرادی خارج از حیطه انرژی به عنوان نماینده در جلسات حاکمیتی و دولت‌ها بوده است و در موضوعاتی نظیر ال ان جی، پتروشیمی، نفت و برق و تجدیدپذیر ها که در هیئت دولت مطرح می‌شد و نظر بخش خصوصی حائز اهمیت بود، کمیسیون انرژی اتاق حضوری فعال داشت . دستاورد بعدی نظرات تجمیع شده و بسته پیشنهادی مشخص با راهکار کمیسیون انرژی بود که از طریق اتاق بازرگانی به کمیسیون انرژی مجلس ارسال شده و در بودجه ۱۴۰۰ نیز منتشر گردید . این نظرات شامل ۵۲ پیشنهاد و راهکار بود که ۲۷ موضوع آن در دفترچه مربوط به لایحه بودجه چاپ گردید . دستاورد مهمی که باید به منصفه ظهور می رسید، تجمیع صدهای واحد از کمیسیون انرژی اتاق بود که از قول رئیس کمیسیون جاری می‌شد و این آرای واحد توانسته وزن و ضریب نفوذ خوبی را در حاکمیت ایجاد نماید .

■ طرح های کوتاه مدت مدیریت جدید کمیسیون انرژی اتاق بر مبنای چه موضوعاتی است؟

بحث طرح های کوتاه مدت نیست و ما در مقطعی به سر می‌بریم که دستاوردهای گذشته را باید حفظ و بهره‌برداری کرده یکپارچگی و ارتباطات را بیشتر نموده و اختلاف ها و اشکالات مربوطه را حل و فصل نماییم . مهم‌ترین طرح‌های انرژی کشور را می‌توان در اصلاح قیمت‌های حامل‌های انرژی و تصویب نهاد تنظیم‌گری برشمرد که مدیریت جدید، اوراق سلف صرفه‌جویی را نیز در برنامه‌های کاری خود پیگیری می نماید که بر اساس آن وزارت نفت بودجه تخصیص می‌دهد و سرمایه گذارانی که با روشهای بهینه سازی و مدرن باعث کاهش مصرف سوخت می‌شوند حمایت مالی می گردند . چالش اصلی ما در انرژی بحث اقتصاد انرژی است که اگر راهکاری برای بهبود آن نشود سرمایه‌گذاری در آن تحلیل و از بین خواهد رفت . چرا اصرار به ارزان بودن حامل‌های انرژی داریم، باید متغیرهای اقتصادی به گونه‌ای نهادینه شوند که همه منتفع گردد نه اینکه منابع انرژی را از بین برده و در مصرف گاز، دو سوم مصرف اروپاییان را به خود اختصاص دهیم .

■ آیا در گذشته متولی هشدار دهنده ای در خصوص مشکلات کنونی نداشتیم؟

همه به نوعی مقصرند، ما هم در بدو ورود به کمیسیون انرژی، کمیته تغییر اقلیم و کاهش کربن را ایجاد کردیم و پیوندی نیز با محیط زیست داشتیم که متولی نهاد حکومتی است . همزمان بخشی از وظایف این سازمان را بر عهده گرفتیم و اجلاس GCF را که فاند مالی کمک به کاهش کربن است در اتاق بازرگانی و با حضور ۱۲۴ کشور به صورت آنلاین برگزار کردیم . این اجلاس با ۱۲ میلیارد دلار دارایی وظیفه ارائه وام به کشورهایی که در جهت کاهش کربن تلاش می‌کنند دارد و سازمان محیط زیست ایران نیز تاکنون ۴۰۰ هزار دلار از آن خود نموده است. در این اجلاس بانکهای جهانی نیز نقش اساسی دارند و حضور بخش خصوصی و بانک های ایرانی به لحاظ تحریم عملاً مقدور نشد که با پیگیری کمیسیون در دو سال گذشته توانستیم جایگاه خود را به عنوان بخش خصوصی در آنجا تثبیت نماییم و شرکتهای خصوصی را در آن رجیستر نماییم . متأسفانه تولید کربن ایران به موقعیت اضطرار رسیده است، ایران جزو ۱۰ کشور تولید

کننده کربن با تولید ناخالص ملی پایین است . ما ۸۶ میلیارد دلار یارانه پرداخت می کنیم و کشوری بزرگ مانند چین کمتر از نیمی از این مقدار و معادل ۳۲ میلیارد دلار یارانه پرداخت می‌کند. اگر فضا برای نخبگان فراهم گردد و این قشر از جامعه فرصت مدیریتی داشته باشند، می‌توانند انرژی ها را تبدیل به درآمد ملی با ارزش افزوده نمایند و امتیازات آن نیز به بدنه آحاد جامعه تزریق گردد. در تحلیلی نیز عده ای می گویند اگر انرژی با قیمت واقعی عرضه شود، پول آن به جیب مردم نمی رود و بی اعتمادی مردم به حاکمیت افزایش می یابد، به نظر می‌رسد این گونه لجاجت در اصلاح قیمت‌های واقعی انرژی نمی تواند راه حل قلمداد شود و بخش خصوصی باید مطالبه گر بوده و هنر دولت نیز این باشد که به کمک بخش خصوصی بتواند در ارائه این طرح به معیشت جامعه کمک نماید.

■ هدفمندی یارانه ها هم الگوی بدی برای این ساختار شد و برای واحدهای تولیدی و قشر پایین جامعه نیز کمکی ایجاد نکرد چرا ما باید همیشه با آزمون و خطا مواجه باشیم؟

در خصوص هدفمندی یارانه‌ها مقرر بود ۳۰ درصد منابع درآمدی به تولید اختصاص یابد که عملاً اتفاق نیفتاد و چیزی به جز تورم عاید مردم نشد. اصل موضوع هدفمندی یارانه ها می‌توانست تحولی در حوزه انرژی ایجاد کند، برنامه سوم توسعه یکی از مترقی ترین برنامه ها در این زمینه بود و اگر این برنامه در مسیر خود به خوبی حرکت می‌کرد و رشد قیمت حامل‌های انرژی را به تدریج شاهد بودیم، افزایش توری را نیز نداشتیم. وقتی برنامه این‌چنینی را اجرا می‌کنیم و هزینه می‌کنیم نباید متوقف شود و برنامه سوم توسعه هم خوب اجرا شد و ما در آن سال ها رشد اقتصادی ۶.۸ درصد با اشتغال زایی ۶۵۰ هزار نفر در سال را شاهد بودیم، تورم ما یک رقمی شد، ارز تثبیت گردید و خیلی از شاخص‌های اقتصادی خوب شده بود و اجرای آن نیز اقتصادمان را متحول می توانست بکند، اما در مجلس هفتم آمدند و اظهار داشتند که به مردم می خواهیم عیدی بدهیم، طرح تثبیت قیمت‌ها را در مجلس تصویب کردند و جلوی این روند را گرفتند و دولت نهم و دهم هم این طرح را متوقف کرد. اگر اجرای کامل می شد، شیب قیمت ها به تدریج بالا می رفت،

قیمت بنزین، برق و دستمزدها نیز واقعی می شد. همچنین اگر دلار ۴۲۰۰ تومانی نیز در اقتصاد ما جایی نمی یافت، کیک اقتصادی ما بزرگ‌تر می‌شد و به همین نسبت اداره آن نیز به دست نخبه‌های افتاد.

■ وقتی چنین گلوگاه بزرگی قابل شناسایی است، چرا به قهقرا می‌رویم و چرا این طرح‌ها را متوقف کردند؟

به نظر من موضوعات پوپولیستی باعث عدم دستیابی به طرح‌های توسعه‌ای این چنین شده است. دیدگاه نمایندگان مجلس منطقه‌ای بوده و ملی نیست و در طی زمامداری خود در مجلس به طرح های لوله کشی آب روستاها و محل‌های مورد نظر خود می‌پردازند و مسائل کلان کشور و حامل‌های انرژی را نادیده می‌گیرند و برای آنها مهم هست که چند دکل توزیع برق در روستاها و شهرهایی که از آنجا رای گرفته‌اند احداث کنند و این چرخه نامناسب به منافع کشور ضربه وارد نموده است.

■ اگر بخواهیم ماکتی از اصلاح یارانه های انرژی را در شرایط کنونی ارائه بدهیم با چه مشکلاتی مواجه خواهیم شد؟

واقعی سازی قیمت حامل‌های انرژی یک الزام است نه یک انتخاب! و مهم آن است که بررسی کنیم که در واقعی سازی به دهک‌های پایین آسیب وارد نشود و پوشش مناسبی را به این قشر از جامعه ارائه بدهیم. در صورت واقعی

دیدگاه نمایندگان مجلس منطقه‌ای بوده و ملی نیست و در طی زمامداری خود در مجلس به طرح های لوله کشی آب روستاها و محل‌های مورد نظر خود می‌پردازند و مسائل کلان کشور و حامل‌های انرژی را نادیده می‌گیرند و برای آنها مهم هست که چند دکل توزیع برق در روستاها و شهرهایی که از آنجا رای گرفته‌اند احداث کنند و این چرخه نامناسب به منافع کشور ضربه وارد نموده است

شدن قیمت حامل‌های انرژی شاهد یک جوشش و تحرک منجر به کسب و کار خواهیم بود و رقابت پذیری باعث شکل‌گیری کسب و کارهایی چون بهینه‌سازی نیز خواهد شد. طبقات پایین جامعه نیز به طبقات متوسط خواهند پیوست و این رویکرد با حمایت دولت از این قشر انجام خواهد پذیرفت. دهک های متوسط نیز حقوق و درآمدها افزایش پیدا می‌کند و افزایش حامل های انرژی نیز یک شبه اتفاق نمی افتد و باید حامل های سوختی که قاچاق پذیرترند زودتر و طی سه سال واقعی گردند و سوخت های دیگر نیز در شیب پنج ساله می‌توانند با قیمت‌های واقعی عرضه گردند. این یک گذار طبیعی و جهانی است، ما تا ابد نمی توانیم سوبسید بدهیم و اگر به کشورهای اطراف خود و یا کشورهای موزی با خودمان نگاه کنیم آنها درگیر چنین موضوعاتی نبوده و طرح‌های پیشرفته انرژی های تجدیدپذیر و افزایش جی دی پی خود را در سر دارند و فاصله خود را نیز هر روز از ما بیشتر می‌کنند. طبیعی است با تحریم و سیاست های غلط وامانده شده ایم و نسبت به رقبای منطقه نمی‌توانیم رقابت‌پذیری داشته باشیم، آنها در شرایط آسانتری رشد کرده اند. در حوزه انرژی تجدیدپذیر فقط توانستیم یک درصد در حوزه برق قدمی داشته باشیم اما کشورهای توسعه یافته مرز ۲۰ درصد را پیموده اند که علت آن هم در ارزان بودن حامل‌های انرژی ما بوده و نگرشی نیز به انرژی های تجدیدپذیر پیدا نکردیم.

■ در معاهده پاریس هم هیئت نمایندگان ما تعهداتی دادند و مذاکراتی شد که در صورت رفع تحریم ۸ درصد و اگر تحریم ها کماکان باشد ۴٪ بتوانیم در حوزه کاهش کربن اقداماتی انجام دهیم نظر شما چیست؟

اگر در حوزه تجدیدپذیر سرمایه‌گذاری می‌کردیم، می‌توانستیم به این ارقام برسیم، خاموشی نیروگاههای فسیلی کمک می‌کرد نیروگاه های بادی و خورشیدی ایجاد شود که عملیاتی نشد در کاپ کنونی گلاسکو نیز نماینده ایران مجدداً بر رفع تحریم ها اصرار ورزیده و عدم کاهش کربن را به تحریم‌ها نسبت داد. برای این موضوع باید به طور جد سرمایه‌گذاری‌های خارجی را فعال کنیم. در حوزه انرژی تجدیدپذیر در ماهان کرمان آلمانی‌ها فعال بودند و در یزد نیز فرانسوی ها



کار می کردند و صاحب نیروگاه‌ها بودند که در بحران ارزی بانک مرکزی اجازه ندادیم ارزی به کشورهایشان بازگردانند و با توجه به تعهدات که داده بودیم آنها را اذیت کردند و هم اکنون هم چند نیروگاه برای فروش گذاشته اند و در این سرمایه‌گذاری سختی های زیادی کشیدند. اگر برای سرمایه گذاری های زیر ۱۰۰ میلیون دلار چنین شرایط دشواری برای سرمایه‌گذاری خارجی ایجاد می کنیم، نباید انتظار سرمایه‌گذاری‌های بالاتری داشته باشیم. کمبود برق تابستان و گاز در زمستان علت بیشتر آن به خاطر سیاست های دستوری و مداخله گرایانه دولت ها هست و هنوز هم دولت خود را مالک و ارباب بخش خصوصی نگاه می کند اگر این مشکلات از اقتصاد انرژی خارج شوند ما در چند سال می توانیم کاستی های خود را از بین ببریم.

■ **نظرتان در خصوص این عبارت یک اقتصاددان چیست: اتاق بازرگانی یک جمع ناکارآمد از آمه‌های کارآمد است!**

نگاه دستوری دولت ها، باعث عدم طرح‌های توسعه اقتصادی شده است. اتاق های بازرگانی اگر ساختار ناکارآمدی هم داشته باشند، باید درست شوند این جمله در شان و شایسته اتاق بازرگانی نیست، اتاق بازرگانی در همه جای دنیا ظرفیت بزرگی است که هر زمان دولت ها در حوزه اقتصاد عقب کشیدند، اتاق‌های بازرگانی رشد کرده‌اند و

و همچنین باید از ظرفیت های همدیگر استفاده کرد. باید لوایچی که به مجلس می‌رود بخش خصوصی نیز در آن نظر بدهد در غیر این صورت هزینه ها افزایش می یابند.

■ **یک بروکر بزرگی به اسم قرارگاه ها داریم که واسط میان دولت‌ها و بخش خصوصی است نظر شما در این خصوص چیست؟**

آنها بروکر نیستند و به نوعی تراست محسوب می‌شوند. همین طور در کشور‌های دیگر ما شاهد ظهور شرکت های خصولتی بوده‌ایم، ولی چون در کشور ما خصوصی‌سازی واقعی صورت ن‌گرفت، منجر به پیدایش آنها با هدف عدم توانایی بخش خصوصی گردید و مگاپروژه ها نیز در دسترس آنها قرار گرفت. اما در شرایط کنونی نیز شاهدیم که پروژه‌های کوچک نیز در چنبره آنها قرار دارد، انحصار و تمامیت خواهی به طور نگران کننده‌ای دارد رایج می شود برای ساماندهی اقتصاد باید از ظرفیت‌های آن‌ها نیز استفاده کنیم چراکه امکانات آنها متعلق به کشور است و باید با رویکرد جدید طی چند سال آینده اصلاحاتی در خصوص همکاری بخش خصوصی، دولت و خصولتی ها انجام شود.

■ **در محث بدهکاری دولت به شرکتهای پیمانکاری متاسفانه مسیر غلطی پیموده می شود . در تهاتر بدهی به پیمانکاران به طور مثال بحث قیر تهاتر، نظر شما چیست؟**

نگاه کاملاً اشتباه دولت این است که فکر می‌کند خزانه ای دارد و از این خزانه می‌تواند به هر نحوی استفاده کند. در پالایشگاه ها دولت نفت خام را می دهد و با قیمت‌های دستوری از آنها سوخت و فرآورده می‌گیرد و صاحبان پالایشگاه‌ها نیز نقشی در تعیین قیمت گذاری ندارند. درباره قیر و مازوت هم همین‌طور انجام می‌شود. این‌که بدهی پیمانکاران را با دادن مجائی خوراک قیر بتوان رد مال کرد، به نوعی به‌هم زدن سازگار صنعت قیر است و بخاطر یک مشکل کوچک، اقتصاد یک صنعتی مانند قیر را نابود می‌کنیم. باید آن را به طریق حرفه‌ای و رقابتی حل نمود و سازگاری ایجاد کرد. همه این عوامل نشان دهنده این است که ما اصرار داریم اقتصاد ما دولتی باشد. در تعیین بودجه نیز باید نقش بخش خصوصی مشخص شود و رقابت پذیری آسیب نبیند و منجر به تعارض منافع نگردد

■ **نظرتان در خصوص بودجه سال آینده دولت که به مجلس ارائه شد چیست؟**

بودجه کشور عملاً یک رگولاتوری در اقتصاد است، اگر در این بودجه به‌طور ناشایست منابعی را برای اهداف غیر خرج نماییم، عملاً نگاه‌های اقتصادی را دچار آسیب نموده ایم. مسائل را با حرف‌های سنسجیده و به طور عامیانه و با روش‌های منسوخ شده پیش می‌بریم و فرصت ها را به تهدید تبدیل می‌کنیم. متاسفانه دولت اختیارات خود را واگذار نمی‌کند، نهاد نظارتی قوی نیز نداریم و به طور مثال در وزارت نیرو، مجلس لایحه ای در باب رگولاتوری تصویب کرد و چون در اجرای این لایحه، دبیرخانه رگولاتوری در وزارت برق نبود، دولت جدید آن لایحه را پس گرفت و برنفتند از اینکه دبیرخانه در وزارت نیرو نباشد. دولت همه جا می‌خواهد مالک باشد.

■ **قرارداد سوآپ نفتی اخیر به نظر شما با توجه به اینکه در دوره دولت احمدی نژاد این قرارداد لغو شد و سازو کارها معلق ماند، با چه تمهیدی می‌شود در این خصوص بازسازی نمود؟**

باید فرقی بین داشتن سواپ و هاب منطقه‌ای شدن داشته باشیم، با توجه به انرژی که در اختیار ما است ما می‌توانیم متولی گری هاب انرژی در منطقه باشیم و به عنوان کنترلر انرژی ارزان بخریم و به خاطر موقعیت های شمال، جنوب و غرب و شرق کشور قیمت ها را کنترل کرده و بازاریابی و

فروش انجام دهیم. ظرفیت ما بیش از یک سواپ کننده است، در سواپ سالی ۲۰۰ میلیون متر مکعب مبادله می‌گردد، ما کنترل کننده و تعیین کننده قیمت نیستیم و درآمد ما ۵ الی ۱۰ درصد است که چیزی حدود ۵۰۰ هزار متر مکعب از محل سواپ به دست می‌آید که با توجه به درصد پایین، عواید آنچنانی نصیبمان می‌شود.

■ **شاید جنبه تبلیغی اجرای قرارداد سوآپ باشد که عنوان گردد در این بخش مهجور نیستیم؟**

باید درآمدها را نیز بررسی کرد، مشکل زمستان شمال کشور را این سواپ تامین نمی‌کند، ما رتبه دوم گاز دنیا را داریم و باید متولی گاز منطقه بشویم، ما نیازمند نگاه کلان اقتصادی هستیم، سوآپ نفتی کنونی امتیازی برای ما نخواهد داشت و پشت این قضیه ترکیه است و با این وضع ترکیه می‌تواند هاب انرژی منطقه شود، چرا که خط نورد استریم دو را کشیده و مسیرهای دیگر را نیز شروع نموده است.

■ **فضایی که برای بخش خصوصی در این حوزه قائل هستیم چه می‌تواند باشد؟**

اگر بخش خصوصی را در این ماجرا دخیل می‌کردیم، خصوصاً در حوزه انرژی بهتر می‌توانست صادر کند. با توجه به اینکه دولت در صادرات گاز به‌هند تحریم است و کشور‌های همسایه نیز به خاطر تحریم نمی‌توانند با دولت مذاکره کنند، دولت می‌تواند تا لب مرز انرژی را انتقال دهد و بخش خصوصی با کنسرسیوم های مشترک با کشور‌های هدف می‌تواند تامین کننده انرژی به آن سوی مرزها باشد. متاسفانه دولت خودش کاسب و تاجر است و از این موضوع کوتاه نمی‌آید.

■ **تمایل اتاق بازرگانی به واردات بیشتر از صادرات بوده است، تحلیل شما در این خصوص چیست؟**

اصولاً کشور‌های نفتی رویه واردات را به صادرات ترجیح می‌دهند. اگر قوانین گمرک ها را نیز مطالعه کنید، تعریفی که از مبادی آورده‌اند، مبادی ورودی است نه مبادی ورودی و خروجی و کشور ما به دلیل ساختار نفتی خود بیشتر واردکننده بوده است. در تمام اسناد گمرک نیز این موضوع است و واردات جذابیت بیشتری داشته و اتاق بازرگانی را هم

در این موضوع همراه نموده است. اما در کنار موضوع توجه به واردات اتاق بازرگانی، مرحوم عسگر اولادی نیز صادر کننده خوبی از اتاق بازرگانی بوده است.

اتاق بازرگانی می‌تواند یک پارلمان بخش خصوصی بسیار موثر و بسزا در توسعه اقتصادی قلمداد شود، به طور مثال وقتی نوری مالکی نخست وزیر عراق به آمریکا می‌رود بعد از دیدار با رئیس‌جمهور به دیدار رئیس اتاق بازرگانی می‌رود. متاسفانه جایگاه اتاق بازرگانی ما خیلی با این مراتب فاصله دارد، زیرساخت‌های کلان ما معیوب است و ارز چند نرخ‌ی و نیمایی صدمات زیادی نیز به اقتصاد ما زده است، دولت فرصت های طلایی را از بین می‌برد، افزایش ارز ما چرا در توسعه صادرات ما نقشی ایفا نکرد، پس ایراد از جاهای دیگر است که اقتصاد ناکارآمد می‌شود. چرا که ساختار‌های علمی اقتصاد را نمی‌خواهیم بپذیریم و اقتصاد یک علم است.

■ **توجه به حضور رمز ارزها و نسل کنونی که توانسته‌اند اقتصادی فراتر از دولت ها ایجاد کنند، چه رویکردی را در این خصوص می‌طلبد؟**

همه نوآوری های اقتصادی جدید می‌توانند یک فرصت باشند، متاسفانه ما برای توسعه فناوری‌های نوین مقاومت داریم و در زمانی که این ها می‌توانند به اقتصاد ما ارزش بدهند بار منفی را بیشتر تقویت می‌کنند تا بار مثبت آن را. زمین بازی ما مساعد رشد چنین اقتصاد‌های نوینی را ندارد و حضور جوانان فعال و نخبه در این حوزه در کشور، با توجه به اینکه رضایت آنها فراهم نمی‌گردد، طرح های نوین اقتصادی را به خارج از کشور عرضه می‌کنند. ما از لحاظ نوآوری کمتر از اروپایی‌ها و آسیا نیستیم، چرا نوآوری در ایران انجام نمی‌شود، موضوع دیجی کالا و اسنپ و فضای کسب و کار این چنینی نوعی نوآوری نیست و به نوعی کپی از شرکت های خارجی است، کپی خوبی هم هست چرا چنین نوآوری هایی در ایران انجام نمی‌شود با توجه به اینکه جوانان ما خلاق هستند و علت آن در این است که سازوکار‌های مناسبی را برای ظهور و توسعه چنین اقتصادی فراهم نکرده‌ایم.

بررسی نشست

آب و هوایی

گلاسکو

گفتگوی مجازی سردبیر

ماه‌نامه دنیای انرژی با

”محمدابراهیم‌رئِیسی“

کارشناس اقتصاد انرژی و

محیط زیست در خصوص

نتایج نشست آب و هوایی

گلاسکو که در نوامبر ۲۰۲۱

برگزار شد:



کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای را نداشتیم و در واقع پروتکل کیوتو سه ابزار اصلی بازار محور را در مبادلات تجاری گواهی های کاهش کربن قرار بود ایجاد کند و این مبادلات در بازاری اتفاق می افتد که بر اساس آن گروه ها باید میزان انتشار خود را کم می کردند، گروه انکس یک و دو که این دو گروه متعهد به این جریان نبودند، لذا مبادلات عضو پیوسته یک در قالب مکانیسم ایجاد اتحاد اتفاق می افتاد و یا بین کشورهای عضو انکس ۱ و غیر انکس ۱ در قالب مکانیسم توسعه پاک اتفاق می افتاد.

■**درباره انکس توضیح دهید**

پروتکل کیوتو کشورها را دو گروه تقسیم نمود : کشورهای ضمیمه یک و کشورهای غیر ضمیمه یک، کشورهای ضمیمه یک یا انکس یک متعهد به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای بودند و در پروتکل کیوتو توافق شده بود بین سال ۲۰۰۸ و ۲۰۱۲ یک گروه از کشورها میزان انتشار خود را به ۵ درصد کمتر از مقداری که در سال ۱۹۹۰ داشتند کاهش دهند این کشورها اکثراً کشورهای صنعتی بودند . در آن دوره کشورهای چین و هند به این گروه نپیوستند و بدون اینکه مشارکتی در کاهش انتشار گاز های گلخانه ای خود داشته باشند، از مزایای پروتکل کیوتو استفاده کردند. توافقنامه پاریس که در سال ۲۰۱۵ اتفاق افتاد، تمام کشورها برنامه خودشان را برای کاهش گازهای گلخانه‌ای که در آن زمان داوطلبانه بود ارائه دادند، به هر صورت قرار بود در پنج سال آینده تصمیمات گرفته شود، یکی از مهمترین آنها منابع مالی بود . یک صندوقی به نام صندوق سبز اقلیم ایجاد شود که ۱۰۰ میلیارد دلار در آن پول جهت تامین مالی پروژه ها به نسبت مساوی برای کاهش انتشار و تطبیق دادن با این شرایط ذخیره گردد، که متاسفانه این اتفاق نیفتاد. یکی دیگر از دستاوردهای این توافقنامه، پروتکل کیوتو بود که در سال ۲۰۲۰ تمام می شد . و کشورها به دو گروه متعهدها و غیرمتعهدها تقسیم نمی شدند و از سال ۲۰۲۰ همه کشورها متعهد به کاهش انتشار ولی با میزان های مختلف شدند . پس از آن در این

■**لطفاً یک نقبی به کنفرانس پاریس بزنیم و**

اینکه چه اتفاقاتی افتاد و قرار بود در کاپ ۲۶ چه بازخوردی از کنفرانس پاریس حاصل شود؟

بعد از کنفرانس پاریس اتفاقاتی ازجمله کرونا افتاد که بر روی تغییرات اقلیم در جهان تاثیرات زیادی داشت و فعالیت های اقتصادی نابسامانی حاکم شد . مسئله این بود که آیا این یک جریان دائمی خواهد بود یا نه، پیش بینی ها این را نشان می داد که این اتفاق دائمی نیست، همیشه در هر جریانی که یک رکود شدید اتفاق می افتد، وقتی آن رکود برطرف می شود، طبیعتاً آن موضوع با شدت بیشتری ادامه پیدا خواهد کرد . یعنی اگر روند کاهش انتشار تولید گازهای گلخانه‌ای را در این مدت داشتیم بعد از عادی شدن جریان کرونا انتظار این افزایش را داشتیم . لذا آن چشم‌اندازی که فکر می کردند این اتفاق بدون حتی یک معاهده بین المللی ایجاد می‌شود به نظر می آمد که فکر درستی نبود . نکته خیلی مهم این بود که کنفرانس ۲۰۱۵ پاریس پنج سال فرصتی را ایجاد کرده بود که پروتکل کیوتو تا سال ۲۰۲۰ تمدید شود و این به معنی این بود که بعد از سال ۲۰۲۰ مکانیزم های بازارمحور کنترل کننده

هم تقریباً به تعهدات خود عمل نکردند . البته چین با ایجاد یک سری بازار محلی توانست میزان انتشار خود را کم کند، چون مسئله تغییرات اقلیم برای چین خیلی خیلی جدی است و هند هم در این مدت روی توسعه انرژی های تجدیدپذیر سرمایه گذاری کرد ولی هنوز ۲/۲۷ درصد ازانتشار گازهای گلخانه‌ای به چین مربوط می شود و ۸/۶ به هند مربوط می شود و آمریکا هم که ۶/۱۴جمعاً حدود ۵۰ درصد از انتشار گازهای گلخانه‌ای را به خود اختصاص داده اند . قول هایی که در گلاسکو داده اند، رسیدن به کربن صفر در افق‌های مثل ۵۰ تا ۲۰۶۰ بود .چون این دو کشور(هند و چین) بسیار وابسته به زغال سنگ هستند، این موضوع باعث شد که در تصمیم نهایی کنوانسیون که محدود کردن استفاده از زغال سنگ بود نفوذ کنند و مخالفت خود را اعلام کنند و متن نهایی کنوانسیون که در مورد حذف زغال سنگ و یارانه‌های سوخت فسیلی بود را به حذف تدریجی مصرف زغال سنگ و کاهش یارانه های ناکارآمد تبدیل نمایند. مخالفانی هم داشت از جمله عربستان، استرالیا، چین، ایران، آفریقای جنوبی، هند و نیجریه که ادعا می کردند استفاده از سوخت فسیلی حق ماست .

■ **آیا این درصدهایی که در مورد انتشار گازهای گلخانه‌ای در مورد کشورها گفته شد به مساحت جغرافیایی آن ها هم بستگی دارد؟**

این یک بحث اساسی بین کشورهای جهان است که عدالت انتشار گازهای گلخانه ای باید به چه شکلی باشد، عددی که من عرض کردم توتال است به طور مثال اگر کل انتشار گازهای گلخانه‌ای جهان را ۵۰ میلیارد در نظر بگیریم ۲۷ درصد آن برای چین است، اما چین یک بحث دارد اگر سرانه حساب کنیم گروهی دیگر به مساحت اعتقاد دارند . اینها همه بحث هایی است که اختلاف نظر بین کشورهای مثل هند و چین و کشورهایی مثل آمریکا ایجاد می کند در صورتی که آمریکا سرانه تولید گازهای گلخانه‌ای بیشتری به مراتب نسبت به سرانه تولید هند و چین دارد . این بحث بسیار مهمی است که آیا عدالت انتشار گازهای گلخانه‌ای باید بر چه اساسی باشد، اما جهان هر روز گرم تر می شود و ما ضررهای بسیاری را از این موضوع متحمل می شویم، کشورهایی مثل چین، ایران، آمریکا و کشورهای آفریقایی به شدت تحت تاثیراین موضوع قرار می گیرند و خسارت های اقتصادی بسیار زیادی به آنها وارد خواهد شد ولذا اینکه منتظر باشیم چه کسی دست به کار می شود مثل این است که منتظر باشیم که این کشتی چه زمانی غرق می شود. یک مثل معروفی است که سرنشینان تایتانیک فکر می کردند که این کشتی هیچ وقت غرق نمی شود ولی تایتانیک غرق شد و ما فکر می کنیم جهان امروز هم در واقع اگر توجه نکنند به این مسائل دچار مشکل خواهیم شد این مسئله فارغ از هر داستانی باید جدی گرفته شود.

■ **راجع به جان کری که به عنوان نماینده بایدن حضور داشت چه صحبت هایی داشت که مورد توجه قرار گرفت، چون اوباما هم سخنرانی داشت ولی به عنوان شخصیت سلبریتی دعوت شده بود نه به عنوان یک مقام دولتی از آمریکا**

آقای بایدن یکی از کارهایی که بلافاصله بعد از قرار گرفتن در مقام ریاست جمهوری انجام داد، بازگشت به توافقنامه پاریس بود. یکی از شعارهای انتخاباتی او هم همین بود بلافاصله جان کری را به عنوان نماینده ویژه خود در این کار قرار داد . جدیتی که از دوره آقای اوباما در توسعه انرژی های تجدیدپذیر بود باعث شد آمریکا گام‌های بلندی در این قضیه بردارد . آقای جان کری در سخنرانی خود جدیت آمریکا را در مورد این قضیه نشان داد، آقای اوباما هم به عنوان فردی که باعث شد در دوره ای جهان در کنار هم قرار بگیرند و چینی ها را هم وارد این چالش کرد مطرح بود . مسئله اساسی این است که آمریکا دوباره به صورت جدی می خواست به دور از اهمال کاری های رئیس جمهور قبلی خواستار گسترش انرژی های تجدیدپذیر بود و به عنوان یک سیاست جدی به این موضوع ورود نموده است .

■**بازار خرید کربنی که قبلاً هم صحبت شده است مکان داد و ستدی شده برای کشورهایی که کم کربن تولید می کنند و گواهی خود را در آنجا می فروشند . این بازار الان در چه جایگاهی قرار دارد و آیا قرار است به همین شکل ادامه پیدا کند، به نظر می‌آید شرکت‌ها و کشورها از این جریان سوء استفاده می کنند ؟**

در دوره ای چین و هند با استفاده ازبازار کربنی، تقلباتی به خصوص توسط چین انجام شد و همین باعث شد که این بازار با مشکل مواجه شود، اما به نظر می آید بازارهای کاهش کربن، راه حل مهمی به عنوان

یکی از روش هاو ابزار برای کاهش انتشار است . علت این صحبتم این است که بازار کربنی که برای پروتکل کیوتو بود، سهم کوچکی از بازار کربن جهان را به خود اختصاص داده و بازارهای محلی زیادی هم وجود داشته است . در سال های اخیر که همه آنها به این روش که در نیروگاه‌های تجدیدپذیر جدا از انرژی که تولید می کنند باعث میشوند کاهش انتشار هم داشته باشند و درآمد جدیدی را به ازای هر تن کربن دارند، فارغ از اینکه این سیستم در قدیم چگونه استفاده می شده که البته موفقیت های خودش را هم داشته، درتوافقتانه پاریس داوطلبانه بود و بعد از آن به عنوان تعهدات در نظر گرفته شد . در حال حاضر هم که با هم صحبت می کنیم روش های بازاری یکی از روش های مفید کاهش انتشار کربن است در خیلی از کشورها پاسخ داده و مطمئنا باعث گسترش انرژی های تجدید پذیر می شود .

■ **در کاپ۲۶ راجع به ایران چه صحبتی شده است ؟**

یکی از مشکلات اصلی که برسر کنوانسیون های جهانی داریم تاخیر در پیوستن به این ها است در مورد پروتکل کیوتو هم همین کار را انجام دادیم، پروتکل کیوتو شروع شد ما در مجلس خودمان تصویب کردیم تا شورای نگهبان آن را تصویب کند، سال ها گذشت و ما فرصت های مهم را از دست دادیم . یکی از لازمه های استفاده از این تشویقات برای کاهش کربن پیوستن به این پروتکل ها است. تعداد کسانی که توافقتنامه پاریس را امضا کردند از ۱۹۷ کشور جهان ۱۹۲ کشور امضا کردند . پنج کشور جهان هستند که به آن به طور رسمی نپیوستند که یکی از آنها ایران است در این صورت ما چطور می خواهیم از مزایای آن استفاده کنیم . این مسئله هنوز در شورای نگهبان باقی مانده و نتوانسته اند ثابت کنند که پیوستن به آن به نفع کشور ماست . کشوری که مقام رهبری فرمودند میزان شدت انرژی باید تا ۵۰٪ کاهش پیدا کند و این به این معنی است که بدون آن که ما تعهدی داشته باشیم میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای را که عمده آن از بخش انرژی می آید کاهش دهیم .اما ما این را امضا نکردیم دوستانی که در آنجا بودند گفتند که ما عضو ناظر هستیم در مورد رای دادن ها هم نمی‌توانیم دخالت داشته باشیم . به نظر می‌رسد اقدام عاجلی برای پیوستن به توافقتانه لازم‌است تا بتوانیم از مزایای آن استفاده کنیم. صحبت ما در مورد مزایای روش‌های این توافقتنامه نباید حول محور عدم پیوستن ما باشد، چرا نمی‌توانیم از منابع صندوق سبز اقلیم استفاده کنیم، چرا وقتی خود ما متضرر هستیم نمی‌خواهیم مشارکت کنیم چرا وقتی ادعا می کنیم ۱۰۰۰۰ مگاوات نیروگاه تجدیدپذیر ایجاد کنیم به آن نمی‌پیوندیم . برای انجام این کارها منابع نیاز است که باید تامین شود تا وقتی که به توافقتنامه پاریس نپیوندیم هیچ کدام از کارهای ما جزء تعهدات ما نمی تواند قرار گیرد . این یک فرصت کوتاه است، مسئله این است که چرا ما نمی‌توانیم از این سد بگذریم اما متاسفانه نمی‌توانیم هیچ سهمی از این مشوق ها داشته باشیم به علت اینکه به طور رسمی به آن نپیوستیم .

■ **البته ما همه بهانه ها را را به گردن تحریم می‌اندازیم آیا این مسائل در کاپ مورد توجه قرار می گیرد یاخیر ؟**
سخنرانی که آقای سلاجقه نماینده ایران در کاپ گلاسکو انجام داد یک سخنرانی سیاسی بود تا یک سخنرانی محیط زیستی، حتی بدون توجه به داستان توافقتنامه پاریس، کشور ما با مصرف انرژی بالا،

یارانه های سوخت بالا و مصرف بی رویه انرژی منجر به تولید گازهای گلخانه ای می شود . در اسناد رسمی کشور ملزم به کاهش شدت انرژی هستیم . بحث من این است که اصلاً تعهدی که دادیم چه با تحریم باشد چه بدون تحریم، اصولاً مانعی در اجرای آن نمی شود . یادمان باشد که عدم پیوستن به این چنین معاهداتی معنی آن این است که ما از ضررهای تغییر اقلیم متاثر می شویم بدون اینکه بتوانیم از منافع تلاش های جهانی برای کاهش گازهای گلخانه‌ای استفاده کنیم و این باعث می شود کشوری که منابع مالی محدودی دارد خیلی ضروری است که هر چه سریعتر به این معاهده‌پیوندد.

■ **آیا در این کاپ مشخص شده که میزان جرائم در کاپهای بعدی به چه شیوه ای است، نقدی است یا تحریم و از چه سالی آغاز می گردد؟**

هنوز در مورد تحریم‌ها و جرائم صحبتی نشده است، اما توافقتنامه پاریس این را مطرح کرده بود که در سال ۲۰۵۰ باید بالانس کربنی کشورها صفر شود . برای کربن یک اصطلاحی داریم به نام سینک و یک اصطلاح به نام سورس داریم اولی چیزهایی که کربن را جذب می کند و دومی منابعی است که کربن را تولید می کنند . مسئله این است که این دو با هم در هر کشوری برابر شود، یعنی همان اندازه گاز گلخانه ای تولید می کند، باید همانقدر هم جذب شود . در حال حاضر هم لزومی به پرداختن به این موضوع نیست . بحث کربن به شکلی که در کنوانسیون ها است شامل جریمه نمی شود ، در این زمان برچسب ردپای کربن در خیلی از کشورهای اروپایی به استاندارد تبدیل می شود که برای صادرات آن کشور اهمیت دارد و از یک میزانی این کربن باید کمتر باشد.اگر کشورها تولیداتی داشته باشند، میزان کربن داخلی در آن زیاد باشد عملاً امکان مبادلات تجاری نخواهد داشت . این خود نوعی جریمه است و ایران نمی‌تواند کالایی را تولید کند که میزان کربن آن برابر استاندارد باشد، زیرا برای تامین انرژی سوخت فسیلی داریم، زنجیره تولیدمان سبز نیست و به این ترتیب صنعت ما نیز سبز نیست . در این صورت کربن محصول بالا می رود و نمی‌توانیم صادرات انجام دهیم . اتفاق که برای مازوت در سال ۲۰۲۰ افتاد . بر اساس کنوانسیون مارپل باید میزان استاندارد گوگرد ها یک اندازه باشد که برای کشور ما شش برابر آن استاندارد بود و یا حتی بیشتر که عملاً ما نمی‌توانستیم مازوت به کشتی

های داخل دریا بفروشیم زیرا درصد مازوت کشور ما بالاتر از درصدی بود که در استانداردها اعلام شده است و به این گونه است که بدون اینکه جریمه شویم بازارهای جهانی را از دست می‌دهیم .کربن بازاریش همیشگی خواهد بود مبادلات تجاری بر اساس کربن کمتر خودش به نوعی یک جریمه است .

■ **درباره کشورهایی که قول دادند کربن خود را به صفر برسانند، به طور مثال عربستان، در فاینشنال تایمز ادعا کرده ما در سال ۲۰۵۰ میزان کربن خود را به صفر می‌رسانیم، اما کارشناسان پیش بینی کردند احتمال این جریان خیلی کم است و تا سال ۲۰۶۰ این امکان پذیر است .**

عربستان یکی از کشورهایی است که در این زمینه جدی است، عربستان کشوری است که در مورد سوخت های هیدروژن سرمایه گذاری کرده است .مهمترین منبع هیدروژن سوخت‌های فسیلی هستند به این صورت درمورد کشورهایی که سوخت فسیلی زیادی دارند راه حل این است که به جای صادر کردن کربن، سوخت‌های هیدروژنی تولید کنند و صادر کنند و کربن را ذخیره کنند. عربستان هم به دلیل اینکه روی سوخت هیدروژنی تمرکز کرده این ادعا را داشته است . مهم این است که این برنامه را دارد که این در ایران اصلاً وجود ندارد . جالب است که بدانید که کاپ بعدی در مصر و به بعد از آن در امارات متحده عربی برگزار می‌شود، اینها کشورهایی هستند که به شدت در این زمینه کار می‌کنند به دنبال این هستند تا جایی که می شود همگام با جهان به سمت سبز شدن حرکت کنند و البته که این به سود خودشان هم‌هست.

■ **در این کاپ راجع به انرژی های تجدیدپذیر و اینکه استارت‌اپ ها بیایند فعالیت کنند چه زمانی حدس زده می شود برای اینکه توسعه انرژی های تجدیدپذیر حداقل در بحث ساخت و به کار گیری با هزینه های خیلی کمتری انجام شود؟**

انرژی های تجدیدپذیر به شدت در حال کاهش قیمت هستند، روند کاهش قیمت پنل های خورشیدی در این دهه اخیر نشان می دهد که در حال جا افتادن است . استفاده از سیستم های بپو گاز (زیست گاز) در حال رشد است ولی من عدد دقیق ندارم که خدمت شما عرض کنم در اینکه چه زمانی این اتفاق رخ خواهد داد .

■ **این کاپ ۲۶ به نظر شما یک پروژه شکست خورده می تواند اطلاق شود یا امیدوار کننده است ؟**
باید منتظر بمانیم ببینیم که همکاری، مشارکت و تلاش کشورها برای اینکه این اجرا شود چقدر است . توافق ها توافق های بدی نیست، حرفهای خوبی زده شده است اما اینکه یک اجماع جهانی ایجاد شد و جهت دهی ای را ایجاد کردند در شرایط بحرانی چه کاری انجام دهیم و مصرف سوخت های فسیلی را کاهش دهند و به سمت انتشار صفر بروند خیلی خوب است، این نقطه عطف است اما بسیار به عملکرد کشورهای توسعه یافته برای تامین منابع مالی توجه می شود . کشورهای در حال توسعه رشد و توسعه اقتصادی خود را حق می‌دانند میگویند ما فقیر هستیم باید رشد کنیم، اگر کشورهای توسعه یافته این مسئولیت را به عهده نمی گیرند و منابع مالی را رفع نکنند دچار مشکل می شویم .

■ **آیا کرونا در تغییر اقلیم تاثیر گذاشته یا نه ؟**

در کوتاه مدت بله و اینطور بوده و دوره فعالیت های اقتصادی جهان کاهش پیدا کرده، نبود مسافرت‌های هوایی، دریایی و زمینی و کاهش تولید و مصرف غذا منجر به تغییرات خوبی در اقلیم شده است ولی بعد از مدتی با بهبود وضعیت کرونا این روند افزایش پیدا کرده و تاثیر مقطعی داشته است .

■ **آیا در کاپ ۲۶ بیانیه‌ای صادر شد و محتوای آن چه بود ؟**

بیانیه که حتماً صادر شده و در زمینه های مختلف هم صحبت کردند و درهشت محور اصلی نتایج را اعلام کردند . دانشمندان از افزایش ۱/۱ درجه گرمایش جهانی ابراز نگرانی کردند و اهمیت استفاده از مسائل علمی در جهت اقدامات موثرتر را مورد تاکید قرار دادند . همچنین تاکید شد که تامین مالی انتقال فناوری و ظرفیت سازی برای تقویت تاب آوری و کاهش آسیب پذیری اقلیمی باید با اولویت کشورهای در حال توسعه باشد . همچنین مقرر گردید کاهش انتشار جهانی کربن تا سال ۲۰۳۰ باید به میزان ۴۵ درصد نسبت به سال ۲۰۱۰ و انتشار صفر خالص تا ۲۰۵۰ اتفاق افتد . اعتبارات مالی

The World Of Energy

و سرمایه‌گذاری برای اجرایی کردن هدف ۱۰۰ میلیارد دلاری هم مورد بحث قرار گرفت که به طور کامل و فوری تا سال ۲۰۲۵ برای کشورهای در حال توسعه که دچار ضرر و زیان افزایش دما در جهان می شوند خسارت داده شود . همکاری های بین المللی در زمینه اقدامات نوآورانه محور های اصلی بیانیه ای بود که در گلاسکو منتشر شد. در حاشیه این اجلاس نیز توافقاتی بین کشورها صورت گرفت برای کاهش جنگل زدایی و توافق محیط زیستی چین و آمریکا برای تقویت و تسریع اقدامات همکاری های اقلیمی در کوتاه مدت، همینطور توافق برای کاهش متان، توافق ائتلافی ۱۹ کشور جهان برای ایجاد مسیرهای عاری از کربن مسیرهای کشتیرانی، بحث شفافیت و سختگیری در اهداف ملی و بحث های دیگری در زمینه های مختلف که مورد توجه رسانه ها قرار گرفت .

■ **اجلاس جی سی اف چقدر متاثر از کاپ است و آیا اعتباراتی که به صورت وام به کشورهایی که می خواهند کاهش کربن داشته باشند به چه شیوه ای خواهد بود ؟**

در مورد این صندوق از همان توافقتنامه پاریس صحبت شده که مبلغ موجود در این صندوق وام هایی به کشورهای مختلف داده شده و خواهد داد . اما کشورهای در حال توسعه برای بازپرداخت وام هایی که داده شده است اعمال فشار می کنند و به دنبال کمک‌های بلاعوض هستند. بخش عمده‌ای از بودجه‌های جی سی اف بیشتر به بحث کاهش داده شده است تا سازگاری. زیرا قرار بود به طور مساوی بین این دو تقسیم شود . گزارش‌های سازمان ملل می گوید برای اینکه به اهداف خود برسید، باید بودجه موردنیاز برای سازگاری اقلیمی پنج تا ده برابر آن چیزی باشد که الان وجود دارد قرار شد در برنامه کاری دو سال تا سال ۲۰۲۴ در مورد این که چگونه می‌توانند منابع مالی مورد نیاز کشورهای آسیب پذیر را افزایش دهند، صحبت کنند و کشورهای توسعه یافته موافقت کردند بودجه‌های سازگاری را تا سال ۲۰۲۵ دو برابر افزایش دهند .

■ **صحبت پایانی**

تاکید براین است که از این فرصت برای ایران استفاده بکنیم و روند پذیرش توافقتنامه پاریس را دولتمردان ما به طور جدی پیگیری کنند تا بتوانیم از منافع این موافقت نامه استفاده کنیم چون کشور ما به شدت نیازمند این موضوع است .

بی‌کوشش، انتظار ندارد ثمر، بلی این باغ گردد از اثر پشتکار، سبز

هیئت مدیره اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی ایران

۱۴۰۰ - ۱۴۰۲



هیئت رئیسه کمیسیون‌های تخصصی بترتیب از راست

فرآورده‌های قیر، بازرگانان، پتروشیمی، فرآورده‌های روغن، فرآورده‌های پارافین، شیمیایی و گاز، سوآپ، ترانزیت و بانگرینگ



هم افزایی تشکلهای خصوصی

رضا فخاری نائب رئیس هیئت مدیره

در بررسی شرایط اقتصادی کشور در دو دهه گذشته، فراز و نشیب‌های بسیاری مشاهده شده است که در سال‌هایی، منجر به رشد اقتصادی و فعالیت فضاهای کسب و کار اجتماعی، تولیدی و صادراتی گشته است. بخش خصوصی حوزه نفت و فرآورده‌های نفتی که در زمینه‌های مختلف تجهیزات، مهندسی، تولید و صادرات، منشا و مرجع تامین کننده منافع ملی نیز بوده است، همسو با دیگر بدنه اقتصادی کشور، با مخاطرات و مشکلات بسیاری در این حوزه روبه‌رو بوده است. از سویی ظهور پاندمی کرونا و ادامه تحریمها، عملاً در طی دو سال گذشته، فضایی مملو از رخوت، بی‌انگیزگی و توقف فعالیت ایجاد نموده است. به نظر می‌رسد برای برون‌رفت از شرایط نابسامان چند سال اخیر، بخش خصوصی صنایع نفتی کشور در وهله نخست باید پایش و بازسازی را از بدنه خود آغاز نماید در نتیجه اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت و گاز و پتروشیمی ایران میتواند با بررسی گلوگاه‌های کنونی و کارشناسی نسبت به هم افزایی و تقویت روابط اعضای خود و اولویت بخشی به حل مشکلات این اعضا اقدام نمایند. همچنین تشکل‌های بخش خصوصی نفت و اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفتی که به عنوان بزرگترین تشکل خصوصی صادراتی کشور محسوب می‌گردد، میتوانند اجماع و هم‌اندیشی مناسبی را پس از بازسازی و پایش بدنه خود ایجاد نمایند.

فضای رقابتی نابرابر در تولید، عرضه و صادرات صنایع نفتی بین شرکتهای بالادستی و بخش خصوصی پایین دستی بوجود آمده است، باید از تضييع حقوق شرکتهای خصوصی احقاق حق نموده و در تصمیم‌گیری‌های بالادستی‌ها که به نظر می‌رسد با این تصمیمها باعث حذف بخش خصوصی از این عرصه خواهند شد، فضای همکاری، تعامل و تصمیم‌ساز را

وزارت نفت، وزارت صنعت معدن و تجارت و حتی دیگر وزارتخانه‌ها، آنقدر مشکلات مختلف دارند که عملاً یادشان رفته که باید در جهت منافع بخش خصوصی واقعی حرکت کنند و تلاش‌ها باید برای روان‌سازی اقتصاد باشد نه مسدود سازی

برقرار ساخت. در همین راستا تجارب گذشته و به خصوص تجربه خصوصی سازی کشور در سالیان اخیر نشان داد که تضاد منافع سازمانها و دولت با بخش خصوصی واقعی، شرایط را بر مهجوریت بخش خصوصی مضاعف نموده است. با توجه به شرایط و تحریمها و عدم استفاده از سیستم بانکی برای انتقال پول، شرکتهای خصوصی با مشکل فراوان در جهت صادرات محصولات خود روبه‌رو هستند و رقابت ایجاد شده بین شرکتهای بالادستی و تامین‌کننده خوراک با صنایع پایین دستی و همچنین عدم تخصیص مناسب خوراک به صنایع، باعث تعطیلی بسیاری از فعالان اقتصادی بخش خصوصی واقعی شده است. به نظر می‌رسد اگر چه تحقق تمامی خواسته‌های بخش خصوصی در شرایط کنونی امکانپذیر نیست، اما هم‌افزایی تشکلهای خصوصی می‌تواند منجر به اخذ تصمیمات بزرگ شود، تصمیماتی چون ایجاد یک نهاد تنظیم‌گر (رگلاتور) که زمینه‌ساز شفافیت، مبارزه با رانت، جلوگیری از تصمیمات خلق‌الساعه، تسری امتیازات از صنایع میانی به صنایع پایین دستی و در نهایت شکوفایی اقتصادی و تامین منافع ملی خواهد بود.

تقویت جایگاه اتحادیه اوپکس

حسین منیری عضو هیئت مدیره

یکی از اولویتهایی که هیئت مدیره اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفتی در مراحل آغازین فعالیت خود به طور معمول به انجام می‌رساند، دیدار با نهادها و سازمانهای مرتبط اعم از وزارت صمت، گمرک، ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، محیط زیست و ... می‌باشد و در این نشست‌ها مشکلات اعضا را مورد بررسی و پیگیری قرار داده و همچنین ارتباطات تنگاتنگی را جهت روان‌سازی صادرات انجام میدهد. به غیر از تحریم که طی سالها گریبانگیر بخش خصوصی صادرات فرآورده‌های نفتی بوده است، خودتحریمی و شرایطی که این نهادها در تصمیمات خلق‌الساعه، قیمت‌گذاری دستوری و صدور مجوزها ایجاد کرده‌اند، نیز از جمله مشکلاتی هست که باید پیگیری نموده و نگاه حمایتی این نهادها را با اعضا هموار نمود. در طی دو سال گذشته با توجه به شرایطی که برای اتحادیه اتفاق افتاد و عملاً جایگاه این اتحادیه را دچار تزلزل نمود، لزوم بازسازی و پاکسازی اتحادیه پیش از پیش احساس شده و باید اتحادیه را به جایگاه واقعی خود رساند. با توجه به تخطفاتی که ایجاد شده باید اعضای پاکدست را تقویت نماییم و مشکلات این اعضا را در ارتباط با نهادهای دولتی و شرایط صادراتی هموار نماییم. یکی از مشکلاتی که به طور مثال باید به آن عنوان کرد، مشکلات انباشت سوخت‌های تقطیری است که ضمن اینکه سرمایه بزرگی را بلااستفاده نگه داشته، خطر آتش‌سوزی نیز آن را تهدید می‌کند، و از سویی

واردات مواد افزودنی غیرمجاز نیز مشکلاتی برای بازار ایجاد کرده که لازم است با هماهنگی با سازمان استاندارد نسبت به حل این مشکلات اقدام نمود .

نقش محوری بخش خصوصی در تولید و صادرات میعانات گازی

احمد معروفخانی عضو هیئت مدیره اوپکس

میعانات گازی یا کاندنسیت، شامل ترکیبات سنگین تر از بوتان است که در شرایط اتمسفر دارای حالت مایع است. این ترکیبات با ارزش که محصول جانبی گاز طبیعی است و هنگام بهره‌برداری از مخازن گاز طبیعی، به ناچار تولید می‌شود، پس از تثبیت فشار بخار و تنظیم نقطه شبنم به مخازن انتقال یافته و پس از ذخیره سازی بصورت ماده خام توسط شرکت ملی نفت به بازارهای جهانی عرضه می شود. از این ماده اولیه پس از انجام فرایند تفکیک در برج های تقطیر به راحتی مقادیر بسیاری نفتا و نفت سفید و گازوئیل از آن استخراج میشود. در حال حاضر مطابق آمار ظرفیتی قریب به بیش از یک میلیون بشکه در روز ظرفیت استحصال میعانات گازی ما در میادین پارس جنوبی میباشد. ناگفته نماند که ما میادین بسیاری دیگری از جمله پارسین، مارون خامی، فجر جم، سراج، خانگیران و ایلام نیز در کشور داریم که جدای از این آمار میباشد.

قریب به دوازده سال پیش بصورت رسمی و از صدقه سر تحریم های دور قبلی امریکا علیه جمهوری اسلامی، زمینه ورود بخش خصوصی به این صنعت فراهم گردید تا با احداث پالایشگاه های کوچک اقدام به دریافت این میعانات گازی کرده و آن را تفکیک نمایند و محصولات خروجی را به کشورهای همسایه از جمله افغانستان پاکستان عراق، امارت،ارمنستان و... صادر نمایند. در سال‌های گذشته که به‌دلیل تحریم‌ها در برخی مناسبات ایران و اقتصاد جهانی شکاف ایجاد شد، کاهش رشد اقتصادی و صنعتی، افزایش نرخ تورم، تضعیف تولید داخل، افزایش واردات کالاهای بی‌کیفیت و کم کیفیت، کاهش صادرات نفت و کالاهای غیرنفتی، مشکلات و تحریم بانک‌های ایرانی از سوئیفت یا سیستم انتقال ارزی جهانی و به تبع آن افزایش هزینه نقل و انتقال وجوه مالی، همچنین محدودیت حضور و فعالیت شرکتهای بین المللی در ایران و همینطور اختلال در وضعیت بیمه و حمل‌ونقل، این دسته از پالایشگاه های کوچک توانستند نقش بسزایی را ایفا کنند و اهمیت وجود خود را بیش از پیش در کشور نمایان سازند، چرا که بخش خصوصی با چابکی و تعاملات مناسبی که دارد می تواند به راحتی در این شرایط سخت تحریمی و اقتصاد مقاومتی نسبت به ارزآوری و انجام صادرات این فراورده ها موفقیت بسیاری بدست آوردند.

متأسفانه در هشت سال دولت قبلی به هیچ وجه به این صنعت پایین دستی پالایشگاهی توجهی نشد و نه تنها بشدت با توسعه یافتن و تامین خوراک این دسته از پالایشگاه ها مقاومت شد بلکه شرکت پخش و پالایش را نیز مستقیم به رقیب جدی این شرکت ها در بازار هدف شان تبدیل کرد که این سیاست و برخورد، لطمه سخت و بعضا جبران ناپذیری به این صنعت وارد ساخت . ولیکن اکنون با تغییر دولت و تغییرات صورت گرفته در وزارت نفت بنظر می رسد که رویکرد دولت در قبال این صنعت پایین دستی پالایشی تغییر پیدا کرده و هم اینکه پس از ۸ سال دعوا بر سر حذف این صنعت و تولیدکنندگان آن، دولت رویکرد حمایت از این صنعت را در پیش

گرفته و عزمی برای مرتفع کردن مشکلات زیرساختی و فرآیندی آن از خود نشان می دهد که این دیدگاه فرصت مناسبی است تا دولت و وزارت خانه های مربوطه با همفکری تشکل های تخصصی و فعالین این صنعت، با ایجاد زیرساخت های لازم جهت توسعه و ارتقاء ظرفیت برداشت زمینی میعانات گازی و سپس بازنگری در فرآیندهای انجام صادرات این دسته از محصولات، زمینه افزایش صادرات و ارزآوری بیشتر و همینطور ایجاد زنجیره اشتغال زایی به واسطه این صنعت مولد را فراهم سازند. سخن آخر اینکه، نگرانی‌های عمیق و هشدارهای جدی نسبت به کمبود یک برنامه جامع اقتصادی بلندمدت با محور استفاده حداکثری از ظرفیت‌های صنعتی داخلی احساس می شود. باید بدانیم که توسعه پایدار اقتصاد ملی همچنان از مسیر خلق ارزش‌های بومی و مزیت محور و با الگوگیری از اقتصاد مقاومتی است. جلوگیری از خام فروشی مواد اولیه و پیرو آن توسعه تولید صادرات محور با نقش آفرینی بخش خصوصی مبتنی بر زنجیره ارزش در صنایع مختلف پایین دستی نفت گاز و پتروشیمی در سایه حمایت‌های دولتی از طریق برداشتن موانع تولید و تسهیل شرایط با اصلاح فرایند ها باید مورد توجه دولت جدید باشد.

برنامه استراتژیک ده ساله

علیرضا کریمی رحمت آبادی عضو هیئت مدیره

در راستای حفظ هدف اولیه اتحادیه صادر کنندگان فرآورده های نفت، گاز و پتروشیمی ایران، اهداف و برنامه هایی که باید اولویت قرار بگیرند به قرار ذیل می باشد :
اگر بتوانیم نسبت به ایجاد یک پایانه ترانزیت و فروش کالا برای اعضای اتحادیه در یک منطقه که تمامی محصولات صادراتی اعضا برای بازارهای هدف از آن نقطه ارسال می گردد، اقدام نماییم کمک به سزایی به کلیه اعضاء بالاخص شرکت های کوچک فعال عضو اتحادیه خواهد بود تا در کنار شرکت های بزرگ، فروش و کیفیت محصولات خود را ارتقا داده و هم محصولات تولیدی خود را با ارزش افزوده بیشتری به بازارهای جدید عرضه نمایند .
از دیگر سو، اعضای اتحادیه هر کدام به صورت جداگانه بمنظور تهیه مواد اولیه مورد نیاز خود از بورس کالا خرید دارند و این خریده‌ها از طریق شرکت های کارگزاری متفوقتی انجام می شود، باید بتوانیم برای اتحادیه کد کارگزاری تهیه کنیم تا اعضا از این کد استفاده نموده و منبع درآمدی نیز برای اتحادیه خواهد بود .
و یا با یک شرکت معتبر که در این زمینه فعال است مذاکره داشته باشیم و شرکت های عضو اتحادیه را ترغیب کنیم تا در زمان خرید از بورس با این کارگزاری معتبر همکاری نمایند .
طراحی یک برنامه استراتژیک ده ساله برای اتحادیه با کمک سایر اعضای هیأت مدیره و همه اعضای اتحادیه، هدف دیگری است که این طرح می تواند وحدت رویه ای در اتحادیه ایجاد نماید و موجب گردد اعضای هیأت مدیره منتخب بعد از ما نیز بر اساس همان برنامه و هدفمند در راستای برنامه استراتژیک حرکت داشته باشند.
امید است با پشتکار و قاطعیتی که در هیئت مدیره کنونی‌می بینیم، بتوانیم به یکی از اتحادیه های قدرتمند کشور تبدیل شده و با تولید و صادرات فرآورده های نفتی در تامین مطلوب منافع ملی تاثیرگذار باشیم .

از تصمیم سازان بخش دولت خواهان افزایش گفتگوی بیشتر دولت و بخش خصوصی می باشیم که منافع دولت و ملت از هم جدا نیست. هر کدام مورد ظلم واقع شود آن دیگری ضرر خواهد کرد

بازسازی و نوسازی جایگاه اتحادیه

صدیقه سعیدی شندی / عضو هیات مدیره

اولویت اول هیئت مدیره جدید، بازسازی و نوسازی جایگاه اتحادیه است که طی دو سال گذشته از باب تخلفات بعضی از شرکت ها در حوزه هیدروکربن و سوخت تقطیری ضربات سختی خورده است. در اولویت های بعدی هم پیگیری و رفع چالش های اعضاء در حوزه تعلیق کارت های بازرگانی، تامین خوراک، روانسازی صادرات و غیره و همچنین مسائلی مانند گسترش اتحادیه از طریق جذب تعداد بیشتری از فعالان این صنف، اصلاح اساسنامه، ایجاد سامانه معاملاتی مخصوص اوپکس، پیگیری ایجاد نظام رگلاتوری و ... می باشد. آنچه بیش از همه برای اینجانب مهم است اینکه برای رسیدن به این اهداف و قبل از هر امری؛ تعاملی سازنده مابین تشکل های صنفی ایجاد شود تا برای دستیابی به این اهداف وقت و انرژی بی مورد و اضافه مصرف نگردد.

بسیاری از تشکل های موجود در کشور از جمله انجمن قیر ایران ، انجمن صنایع بازیافت ، تعاونی پارافین و به همراه این اتحادیه ؛ در بسیاری از امور بطور موازی عمل می کنند و وقت و انرژی ها بی جهت به هدر می رود. اگر بتوانیم نقاطی را که این تشکل ها با هم همپوشانی دارند و منافع آنها در یک راستاست را تشخیص بدهیم می توان با ایجاد سینرژی، پرقدرت تر عمل کرد و منافع حداکثری برای جمع ایجاد نمود . در بخش هایی هم که گروه های مختلف با هم اختلاف نظر دارند می توان با پیدا کردن منافع متضاد و گفتگو و تعامل اقدام به حل معضلات کرد. اما یک نکته را نباید فراموش کرد : باید حواسمان به این باشد که همه با هم سود کنیم . قرار نیست یک تشکل منافع حداکثری داشته باشد و دیگری حداقلی، قرار نیست بخاطر زیاده خواهی یک گروه، دیگری را فدا کنیم. به همین دلیل و برای دستیابی به این هدف بود که هیئت مدیره اتحادیه جلسه ای متشکل از چندین تشکل مرتبط را در اتحادیه دعوت کرد تا در این خصوص گفتگو کنند.امیدوارم این قدم از طرف اتحادیه بازخوردی مناسب از طرف دیگر تشکل ها هم داشته باشد و با همراهی همه مشکلات پیش روی صنف فرآوردهای نفت و گاز و پتروشیمی تا حد زیادی مرتفع گردد. واقعیت اینست که ما نباید خیلی امید به بخش بالادست داشته باشیم .

وزارت نفت، وزارت صنعت معدن و تجارت و حتی دیگر وزار تخانه ها، آنقدر مشکلات مختلف دارند که عملاً یادشان رفته که باید در جهت منافع بخش خصوصی واقعی حرکت کنند و تلاش ها باید برای روان سازی اقتصاد باشد نه مسدود سازی . امروزه همه در هر صنفی که فعالیت می کنند در انجام امور با مشکل روبرو می شوند و چرخ ها به سختی در حرکت است . لذا چاره ای جز همگرایی نیست ؛ باید با هم باشیم در غیر این صورت بخش خصوصی حذف خواهد شد.

حفظ انگیزه تولید و تجارت

احمد صرامی رئیس کمیسیون بازرگانان

در شرایط حال و بدور از هرگونه سیاه نمائی و البته مبتنی بر واقعیت حاکم بر اقتصاد و بازار بخش خصوصی و با علم بر بی ثباتی بازارهای مالی (پولی و سرمایه)گمان می رود اتفاقات داخلی و خارجی برگرفته از شرایط برجامی – حفظ انگیزه تولید و تجارت – تنها راهی است که می تواند اهداف عالی تشکل ما را حفظ کند. هدف از تمرکز بر تشکل اوپکس، بی تفاوتی به دیگر تشکل ها ایدا و اصلا نیست ،اما گره گشائی شرایط اقتصادی بنگاه ها و اصولا اقتصاد نابسامان، ابزارهائی میطلبد که شاید میسور نباشد. از این رو به نظر می رسد در آستانه بیست سالگی اوپکس، و با حفظ جایگاه ملی و بین المللی اتحادیه، شرط ابقاء را در بازار به جا بیاوریم .کمیسیون بازرگانان با درک صحیح از شرایط حال و با افتخار اعلام می دارد، منافع تولید کنندگان با بازرگانان جدا شدنی نیست و تمامی دغدغه ها مشترک است. در عین حال عدم برخورداری از استراتژی مناسب و ساختار صحیح در تصمیم سازی ها در رویارویی با مشکلات و عدم استقرار نظام مندی، قطعا ما را به مقصود غائی که همان اهداف عالیه توسعه صادرات کشور است، نخواهد رساند .

این کمیسیون با تمام توان و آنچه در پیشینه تجارت و حتی تولید خود دارد، وظیفه ملی می داند با دیگر دست اندکاران حوزه صادرات؛ تعامل سازنده، خیرخواهانه و البته بر اساس احترام و منافع مشترک داشته باشد. امید است با همفکری، همدلی و تسهیم منافع با نردبانی از تفاهم و فنوت به اعتلای بیشتر ناثل آئیم. در این خصوص مشارکت بخش خصوصی در تدوین سیاست ها و استراتژی توسعه صادراتی کشور، پیگیری و رفع مشکلات بنیادی در حوزه مالیات، پیگیری و رفع مشکلات ریشه ای حوزه بیمه و تامین اجتماعی، جلوگیری از نوسانات نرخ ارز، تلاش در جهت رفع تحریم های بین المللی و تاثیرات منفی آنها بر محیط کسب و کار، حذف موانع موجود در فرآیندهای اداری و اخذ مجوزهای کسب و کار در دستگاه های اجرایی، ایجاد الزام برای اجرای مصوبات ستاد تسهیل فضای کسب و کار کشور و شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی، نظارت بر اجرای مناسب قانون بهبود محیط کسب و کار، بازنگری و اصلاح قوانین و مقررات بازدارنده صادرات مخصوصا در حوزه بازرگانی و بویژه در رفع حذف ضمانت سپاری و احترام ویژه به جایگاه رفیع بازرگانان از خواسته های شفاف و بیواسطه ایشان می باشد. تصمیمات حکمران در سطح کلان در ارتباط با جهان خارج و تثبیت جایگاه بین المللی می بایست به گونه ای هدفمند و بدور از هرگونه سیاست زدگی و تنها در مسیری روشن و سازنده حرکت

نماید.بازرگانان ارتباط با دیگر کشورها را در چارچوب قواعد بازرگانی و تجارت بین الملل تعریف می کنند و اتاق های بازرگانی و سازمان توسعه تجارت ایران راتنها مراکزی می شناسند که دارای هویت صرف تجارت ونقش آفرینی بین المللی است. و خود را به حرمت تجارت سالم و تعریف شده از آلوده شدن به فساد اداری، رانت و دیگر خصوصیات ناهمگون میراء می داند.

شرایط تحریم به هیچ وجه من الوجوه برای بازرگان واقعی کارساز نمی باشد مگر برای آن دسته که در شرایط تحریم سوداگری می کنند و این از شان و منزلت بازرگان واقعی بدور است که اگر ادامه یابد بخش خصوصی واقعی از چرخه تجارت سالم خارج می شود که البته مصادیقی نیز وجود دارد. ایستادگی بر حذف بازار به جهت سیاسی نمی تواند فرصت های از دست رفته را به این جامعه معتبر برگرداند که خواسته این قشر تنها باز شدن درهایی برای مبادله کالا و حمل ونقل آسان و انتقال پول به روش درست است. و چنانچه حکمران علاقمند است مسیر مذاکرات در قالب کوچک عمر بازرگانان بگنجد، خیالی باطل است . به گونه ای شفاف هزینه های تحریم بر بازرگانان تحمیل شده است.مشوق های صادراتی نه تنها قطع شد که هزینه های تحریم نیز بر گرفتاری ها و مشکلات زایدالوصف بازرگانان اضافه شد و چه کسی می بایست این هزینه ها را پرداخت کند و چرا دیواری کوتاه تر از بازرگانان نیست.این بازرگانان شامل تولید کننده دارای کارت بازرگانی نیز می شود.در این راستا واردات مواد اولیه به طور موقت و صادرات کالای تمام شده خود جریانی مفصل دارد.و تمام این گفته ها در شرایط بدور از فساد بیان شد که اگر فرآیند تولید و صادرات دچار فساد اداری، رانت، رشوه و دیگر معضلات شود که دیگر هیچ چیز نمی ماند . ارزش آفرینی در قشر بازرگان تبعاتی بسیار مثبت دارد که اولین آن هدایت نقدینگی به سوی تولید و بازرگانی است اما نظام اقتصادی موجود که دخالت بخش خصوصی را در مدیریت زنجیره ارزش تولید و ارگانیک بودن نظام تولید و تجارت را نادیده می گیرد، نمی تواند اقتصاد را به جایگاه واقعی برساند . همچنین

دوری از نظام اطلاعاتی شفاف و اثربخش از اتفاقات همسایگان و رها کردن بازارهای اقتصادی با مرزهای خشکی، ضربه ای جبران ناپذیر است که می بایست تصمیم جدی و ملی اخذ شود. درحال حاضر که شیب تند کرونا از دوسال گذشته با همکاری تمامی گروه های کاری فروکش کرده است و شاهد مدیریت کلان آن در سطح ملی و بین المللی بوده ایم، بهانه ای دیگر بر دوری نمی ماند کما اینکه تولید کننده و صادر کننده ایرانی دهه ها است که بازار را رها نکرده و اگر هم توقفی داشته اصولا ناخواسته بوده است. فلذا از تصمیم سازان بخش دولت خواهان افزایش گفتگوی بیشتر دولت و بخش خصوصی می باشیم که منافع دولت و ملت از هم جدا نیست. هر کدام مورد ظلم واقع شود آن دیگری ضرر خواهد کرد.

تقویت تشکل‌های بخش خصوصی

فریدون اسعدی دبیر کل اتحادیه اوپکس

منابع ثروت کشورها به منابع طبیعی(شامل معادن، منابع نفت و گاز و ...) منابع فیزیکی(شامل زیرساختهای تولیدی نظیر بنادر، کارخانه ها، راهها و ..) و منابع نامشهود(شامل منابع انسانی، سرمایه های اجتماعی و نهادهی نظیر سازمانها، قوانین، تشکله‌ها و ...) دسته بندی می شوند. از منابع طبیعی و منابع فیزیکی به عنوان منابع مشهود ثروت کشورها هم یاد می شود. در برآوردی که توسط بانک جهانی برای بیش از ۱۵۰ کشور انجام شده است از حدود ۷۰۸ هزار میلیارد دلار کل ثروت جهان، ۵۴۲ هزار میلیارد آن را که دود ۷۷ درصد است را منابع نامشهود یا همان منابع انسانی، سرمایه های اجتماعی، سرمایه های نهادی، سازمانها و قوانین تشکیل می دهند و ۴۴ هزار میلیارد دلار آن را منابع طبیعی تشکیل می دهد. در ۶۶ کشور ثروتمند که ۷۸درصد ثروت دنیا را در اختیار دارند، به طور متوسط ۸۰درصد ثروت آنها به منابع نامشهود و منابع فیزیکی و طبیعی به ترتیب ۱۶ و ۳درصد در ثروت سهم دارند. کشورهای کم درآمد فقط یک درصد از ثروت جهان



را در اختیار خود دارند و در این کشورها وضعیت به گونه ای دیگر است و سهم منابع نامشهود، منابع فیزیکی و منابع طبیعی از این ثروت به ترتیب ۵۰درصد، ۱۴درصد و ۳۶ درصد است. این وضعیت در ایران به شیوه دیگر است. در ایران منابع طبیعی، ۵۴درصد و منابع نامشهود، ۱۲درصد از سهم تشکیل ثروت را به خود اختصاص دادند. نکته فابل تأمل این است که سهم ۱۲درصد از میانگین کشورهای کم درآمد که ۵۰درصد است، بسیار کمتر است. لذا باید اذعان کرد که منابع نامشهود در ایران ضعیف هستند و ارتقاء و تقویت منابع نامشهود می تواند ثروت ایران را به میزان زیادی افزایش دهد.

تشکله‌ها در زمره ثروتهای نامشهود قرار می گیرند. این وضعیت می تواند برای کشور شکنندگی و آسیب پذیری بسیار زیادی ایجاد کند. نکته بسیار مهم و ارتباط بسیار مهم این موضوع با توسعه کشور و وضعیت توسعه ایران است. زیرا مطالعات نشان می دهد که عوامل و ارکان توسعه کشور شامل اهداف، سیاستها، منابع و سازمانها هستند. اگر هر کدام از این ارکان و عوامل ضعیف باشند، توسعه میتواند دچار اشکال و اختلال شود. اتحادیه صادرکنندگان فرآوردههای نفت، گاز و پتروشیمی ایران تشکلی فراگیر است که بخش زیادی از نیازهای کشور را در حوزه ارزی و... را تأمین می کند. این تشکل در عرصه فعالیت اقتصادی و محیطی خود با مشکلاتی مواجه است که حل آنها باید در دستور کار نهادهای متولی کشور قرار گیرد. برای برون‌رفت از شرایط نابسامان چند سال اخیر، بخش خصوصی فعال در عرصه بالادستی و پایین دستی نفت، گاز و پتروشیمی کشور در گام نخست باید پایش و بازسازی را از بدنه خود آغاز نمایند و با بررسی گلوگاه‌های کنونی نسبت به هم افزایی و تقویت روابط اعضای خود و اولویت بخشی به حل مشکلات این اعضا اقدام نمایند. اتحادیه به مثابه سیستمی زنده است و در دوره جدید فعالیت خود بدنبال این است تا با نگاهی سیستمی به «خود اصلاحی» اقدام کند. در گام بعدی بدنبال این است تا با برقراری تعامل با تشکلهای موازی و هم صنف، هم افزایی لازم را ایجاد کند هیئت مدیره کنونی اتحادیه صادر کنندگان فرآورده‌های نفتی نیز سعی نموده است به دغدغه‌های اعضای فعال خود در تولید و صادرات فرآورده های نفتی رسیدگی و پیگیری نماید . اگرچه اعضای فعال اتحادیه در تولید و صادرات، مرارت های بسیاری را در طی سالها همراهی با سیاست‌های تبعیض‌آمیز دولت ها تحمل نموده است، اما می تواند با همگرایی و هم‌افزایی، آرا و صدای یگانه ای را به منظور دستیابی به کمال مطلوب اتخاذ کند. هیئت مدیره کنونی در نظر دارد با افزایش اعضای خود خصوصاً در حوزه پتروشیمی و دیگر فرآورده ها، ضمن ساماندهی و تقویت بدنه بزرگترین تشکل خصوصی صادراتی کشور، با توجه به دسترسی به فضاهای رسانه‌ای مطلوب و ارتباطات گسترده با نهادهای موازی، مشکلات مشترک کمیسیون های تخصصی اتحادیه را آسیب‌شناسی نموده و سمت و سویی اجرایی در جهت حل این معضلات ترسیم نماید . امیدواریم با ارائه راهبردهای قابل اجرا، مسیر فعالیت اعضا را بدور از هرگونه تعارض منافع، رانت و رقابت‌های ناسالم پایدار نماییم.

تنوع بخشی به مقاصد صادراتی

حسن فتحی رئیس کمیسیون فرآورده های روغن

تسریع و تسهیل در انجام امور مربوط به صادرات یکی از نکات کلیدی در کاهش هزینه‌ها و مقولات مربوط به رقابت‌پذیری است . اجرا نشدن مواد (۵) و (۶) قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب سال ۱۳۹۲ و عدم استفاده از سامانه‌های هوشمند در تعیین ماهیت فرآورده‌های نفتی صادراتی و زمانبر بودن نتایج آزمونها و نمونه‌ها و اجازه اعمال نظرات شخصی و سلیقه‌ای توسط کارشناسان در کارگروه‌های تعیین ماهیت از مشکلات اساسی واحدهای تولیدی روغن و سوخت تقطیری می باشد . همچنین نابسامانی بازار عرضه روغن های پایه در بورس کالا، منجر به کمبود عرضه‌ها و قیمت‌های بسیار بالاتر از پایه در نتیجه رقابت به دلیل محدودیت عرضه‌ها است. در حالی که بخش قابل توجهی توسط دولت و یا خصولتی‌ها با ارزش افزوده کمتر صادر می شود. زمان‌بر بودن بازگشت مالیات بر ارزش افزوده کالاهای صادراتی، از دیگر مشکلات شرکت‌های تولیدی است که زمینه استفاده بخشی از نقدینگی را از شرکت‌ها سلب نموده است. ضمن این‌که نوسانات نرخ ارز و تورم در چند سال اخیر بسیار به تأمین نقدینگی شرکتها ضربه زده است و ارزش همان مبالغ استردادی هم بدلیل تورم کاهش یافته است. همچنین مسأله بازگشت ارز به سامانه نیما یکی از چالشهای اساسی صادرکنندگان است که در واقع به شکل رانت به جیب واردکنندگان میرود. اکنون تفاوت نرخ ارز نیمایی و آزاد بین ۲۰ الی ۲۵ درصد است. صادرکنندگان در این فرآیند به شدت متضرر میشوند و بانک مرکزی ترجیح میدهد در این خصوص جانب واردات را بگیرد که ضربه سنگینی به تولید داخل زده است و حتی حاضر به تعدیل ۲۰ درصدی ارزش گمرکی یا هر نوع بسته حمایتی مشابه برای صادرکنندگان نبوده است.

حمل‌ونقل حلقه واسط ایجاد ارزش افزوده در بخشهای اقتصادی است. با اعمال تحریم به بخش حمل‌ونقل باعث شده است واردات مواد افزودنی انواع روان کننده ها با هزینه های زیادی انجام شود . و در آخر تحریم نیز باعث شده‌است هزینه مبادله زیادی به کشور تحمیل شودو برخی از بازارهای صادراتی کشور در حوزه پتروشیمی، نفت‌خام و فرآورده های نفتی نظیر کشورهای اروپایی از دست برود و این بازارها در اختیار رقبای سنتی ایران قرار گیرد که بازگشت به این بازارها به سهولت امکان‌پذیر نیست. با توجه به مشکلاتی که ارائه شد،راهکارهایی بشرح ذیل برای افزایش صادرات پیشنهاد میشود:
تشکیل کارگروه تعیین ماهیت استانی و اعلام نتیجه کارگروه نهایتاً ظرف مدت ۲ الی ۳ هفته، اجرای مجدد رویه خوداظهاری، دریافت تعهد به جای ضمانت‌نامه بانکی از صادرکنندگان برای محموله‌های زیر ۱۰ درصد، نظارت سازمان امور مالیاتی بر تسریع در استرداد مالیات بر ارزش افزوده صادرات، عدم الزام صادرکنندگان بخش خصوصی به بازگشت ارز به سامانه نیما و ایجاد فضای عرضه با نرخ سنا، دسترسی به نهاده‌های تولید با قیمت رقابتی و تنوع بخشیدن به مقاصد صادراتی(این امر به فعالیت تخصصی رایزنان بازرگانی و هماهنگی سیستماتیک مجموعه رگلاتوری با دیپلماسی اقتصادی وزارت امورخارجه نیازمند است)

در این جلسه که با حضور مدیرانی از انجمن های پالایشگاه های روغن سازی، بازیافت، روغن، قیر، کارفرمایان پالایشگاهی و پتروشیمی، فدراسیون صنعت نفت، صندوق توسعه صادرات فرآورده های نفتی، هیئت مدیره و هیئت رئیسه کمیسیونهای اتحادیه صادرکنندگان فرآورده های نفتی برگزار گردید، رئیس هیئت مدیره اتحادیه اوپکس بر لزوم استفاده متقابل از ظرفیت های تشکل های فعال صنعت نفت تاکید کرده و گفت: با توجه به شرایط کنونی نیازمند بازنگری و بازسازی روابط با تشکلهای همکار و نهادهای دولتی هستیم.

■ نگاه افراطی به تولید، صادرات در محاق

”سید حمید حسینی“ با اشاره به رقابت سال گذشته پالایش و پخش با بخش خصوصی که زمینه ساز قاچاق در هیدروکربن گردید، گفت: به همین ترتیب در حوزه روغن های کارکرده و قیر، شرایط و تنگناهایی به وجود آمد که نگاه دستوری دولت منجر به تبعات سوء استفاده و قاچاق نیز شد. در همه جای دنیا روال معمول تجاری به این شکل ترسیم می گردد که تولید کننده کار تولیدی انجام می دهد. تخصیص ثبت سفارش به وارد کننده واگذار می گردد و تاجر نیز به صادرات مشغول است، اما شیوه غیرمعارف در کشور ما، تولید کننده را مکلف کرده است که مجاز به صادرات باشد، در نمایشگاه های خارجی حضور به هم رساند و تخفیفات را نیز شامل حال تولید کننده می کنند. نگاه افراطی به تولید، تجارت و صادرات را به محاق برده است. با توجه به ظرفیت مضاعف صادرات ما نسبت به وضعیت فعلی، باید صادرات کشور به حداقل ۷۰ میلیارد دلار در سال برسد که زمینه ساز کاهش تورم، اشتغال زایی، روابط حسنه با همسایگان و شکوفایی

اقتصادی باشد.

رئیس هیئت مدیره اتحادیه اوپکس افزود: ظرفیت صادرات به کشورهای همسایه به میزان ۱۳۶۰ میلیارد دلار است و ایران می تواند سهم بیش از ۱۰ درصدی را از این بازار به دست بیاورد و صنعت فرآورده های نفتی کشور نیز می تواند با ایجاد اتاق فکر، رویکردهای جدید بازسازی و استفاده از ظرفیت اعضای فعال، سهم ۵ میلیارد دلاری را به دو برابر افزایش دهد.

■ تنظیم گری در تشکل های نفتی

”ابوالقاسم هاشمی“، بازرس اتحادیه نیز در ادامه گفت: با توجه به تلاش اتحادیه و تشکل های نفتی جهت تصویب نهاد رگولاتوری و عدم همکاری دولتها، به نظر می رسد تشکل های صنعت نفت و فرآورده ها می توانند از مواهب تنظیم گری در قیمت های مرضی الطرفین تامین خوراک واحدهای تولیدی بهره مند گردند. لذا پایداری

همگرایی در صورتی امکان پذیر خواهد بود که شاخص های اندازه گیری در آن لحاظ گردد. همچنین در جلسات خصوصی نیز دستورات درون گروهی باعث می گردد توان مطالبه گری بخش خصوصی افزایش یابد.

■ رانت یارانه ای دولت

”حسین منیری“، عضو هیئت مدیره اتحادیه اوپکس، با اشاره به رقابت ناسالم شرکت های دولتی و خصولتی با بخش خصوصی واقعی گفت: باتوجه به دریافت یارانه این نهادها، عملا بخش خصوصی در تولید و صادرات دچار مشکل شده است، که باید شرایط را تقویت نموده تا در شرایط مساوی فضای تولیدی و تجاری مناسبی برای بخش خصوصی فراهم گردد.

■ حذف نفتی ایران و ونزوئلا از بازار جهانی

رئیس کمیسیون سوآپ، بانکرینگ و ترانزیت اتحادیه اوپکس نیز در ادامه از خطرات جدی که صنایع بالادستی نفت را تهدید می کند، پرده برداشته و گفت: شرکتهای حوزه نفتی باید انعکاس دهنده آثار مخرب تحریم باشند، چرا که کشور ما با تولید ۲۵۰ میلیارد متر مکعب تولید گاز خود کمتر از ۱۰ درصد آن را صادر و مابقی را مصرف می کند. در حالی که پارس جنوبی ۹ درصد گاز کل جهان در آن متمرکز است، در اثر تحریم به راحتی همکاری توتال را از دست دادیم و قطر، گاز و میعانات گازی را از این حوزه برداشت می کند.

”مرتضی فیروزی“ با اشاره به اینکه توافقات پنهان روسیه و آمریکا بر این مبنا قرار گرفته که ایران تامین کننده گاز نباشد ادامه داد: ونزوئلا بزرگترین منابع نفتی دنیا را دارد و با تحریم ایران و ونزوئلا سعی دارند این دو کشور را از گردونه بازار نفت خارج کنند. همچنین حجم صادراتی ایران را تقلیل داده و در نبود گاز نیز صنایع ارزآور پتروشیمی فولاد و معدن نیز در این چرخه معیوب دچار فرسایش خواهند شد. فیروزی در پایان گفت: فرآیند سوآپ دولت خاتمی که زمینه ساز امنیت ملی و مالی با کشورهای همسایه شمالی و جنوبی شده بود، باخردستیزی دولت بعدی لغو گردید و متأسفانه اینگونه خرد ستیزی و عدم ایجاد فضای

خردورزی، کشور را دچار بحران های متعددی قرار داده و خواهد داد.

■ چالش های صنعت قیر داخلی

در ادامه ”داوود محمدی“، رئیس انجمن قیر سازان با اشاره به این که انجام یک یا دو کار صنفی نوعی موفقیت محسوب می شود گفت: در حوزه قیر با توجه به چالش های به وجود آمده در خوراک و تولید قیر داخلی و رقابت ۲۵ درصدی در خرید خوراک واحدهای تولیدی، این موضوع را از طریق نایب رئیس مجلس و رئیس پالایش و پخش پیگیری کردیم و هم اندیشی ذی نفعان حوزه قیر در این زمینه می تواند از قیمت گذاری دستوری و خودتحریمی دستگاه های ضابط دولتی جلوگیری نماید.

■ بالادست تصمیم به حذف بخش خصوصی گرفته است.

افسارگسیختگی نقدینگی بخش خصوصی را تضعیف نموده است، حجم نقدینگی در مسیرها و نتایج دیگری هدایت می شوند.

رئیس هیئت مدیره فدراسیون صنعت نفت

با بیان جمله فوق افزود: تاسیس تشکل های موازی، بخش خصوصی را در نگاه حاکمیت تضعیف نموده است. این نگاه هدفمند باعث شده است تا بخش خصوصی تکثیر داده شود و عمق و کارایی آن نیز تقلیل یابد.

”رامین خسرو خاور“ در ادامه افزود: زایش تشکل های کوچک، منجر به واگرایی بخش خصوصی خواهد شد، لذا باید همگرا باشیم و از تشکیل تشکل های موازی جلوگیری نماییم. خسروخاور در ادامه به ظهور و بسط نهادهای خصولتی و حکومتی در امور کارفرمایی صنعت نفت اشاره کرده و گفت: این نهادها به عنوان قرارگاه ها، نقش واسطه با دولت را ایفا می کنند و سهمی را نیز در آینده برای بخش خصوصی قائل نخواهند شد. به طور مثال از IPC ۱۷ به غیر از سه تای آنها الباقی با خصولتی یا حاکمیتی هستند. این ترتیبات منجر به نحیفی بخش خصوصی و حذف آن در آینده خواهد شد. خسروخاور در پایان به تلاش سه ساله فدراسیون صنعت نفت در تنظیم اساسنامه رگولاتوری اشاره کرده و گفت: برای تحقق نهاد تنظیم گری در صنایع نفتی، حاضر به همکاری با اتحادیه صادرکنندگان فرآورده های نفتی هستیم تا موازی کاری و فرسایشی در تصویب آن صورت نگیرد.

■ لزوم همگرایی بخش خصوصی با خصولتی ها

عضو هیئت مدیره انجمن پالایشگاه های روغن سازی، سخنان بعدی این نشست نظری متفاوت ارائه داد: چهار پالایشگاه روغن سازی به عنوان نهاد خصولتی نفع شخصی نداشته و در کنار بخش خصوصی می باشند. ”رامین حیدری“ با اشاره به اینکه مشکلات بخش خصوصی و خصولتی ها باید در چنین نشست هایی بررسی و حل و فصل شود، افزود: پیشنهاد می کنم با هماهنگی وزیر صمت، از واردات روغن موتور و گریس جلوگیری شده و انجمن روغن سازی با توجه به پذیرش بازار و شرایط مورد قبول تولیدکنندگان روغن، در خصوص واردات اظهار نظر و تصمیم گیری نماید. انجمن پالایشگاه های روغن سازی در کنار بخش پایین دستی بوده و تاکید دارد، به دنبال رانت و امتیاز از هم نباشیم، این انجمن تعهد می کند، اسلک و کس

فرآیند سوآپ دولت خاتمی که زمینه ساز امنیت ملی و مالی با کشورهای همسایه شمالی و جنوبی شده بود، باخردستیزی دولت بعدی لغو گردید و متأسفانه اینگونه خرد ستیزی و عدم ایجاد فضای خردورزی، کشور را دچار بحران های متعددی قرار داده و خواهد داد





واحدهای تولیدی را تامین کند به شرطی که هر یک از واحدها، بر طبق ظرفیت درخواستی خود و در زمان مورد تعهد، آن را برداشت کنند، پول خرید خوراک را بدهند و صادرات خام نداشته باشند.

■ رقابت خصولتی ها با بخش پایین دستی نفت

گفته آقای حیدری با واکنش رئیس هیئت مدیره انجمن تولیدکنندگان پارافین مواجه شد. "حیدر ذوالفقاری" پیشنهاد نمود جلسه هم اندیشی با انجمن پالایشگاه‌ها برگزار گردد، چرا که قیمت اسلک و کس رشد ۸ برابری در طی یک سال داشته و پالایشگاه‌های روغن سازی به عرضه هفتگی ۱۵۰۰ تن خود در بورس متعهد نیستند و حتی دو پالایشگاه روغن سازی، خوراک را در رینگ صادراتی عرضه می‌کنند و رینگ داخلی منجر به رقابت ناسالم و عرضه قطره چکانی شده است. ذوالفقاری، مقررات دست و پا گیر، بازگرداندن فرسایشی ارزش افزوده را نیز به عنوان موانع توسعه صادرات ارزیابی کرده و گفت: امیدواریم جلسات هم اندیشی بتواند فضای کسب و کارمان را بهبود ببخشد.

■ تقویت خام فروشی

نائب رئیس اتحادیه صادر کنندگان فرآورده‌های نفتی هم با تایید سخنان رئیس انجمن پارافین ادامه داد: امتیازاتی که برای پالایشگاه‌های روغن سازی در تامین خوراک داده شده است به صنایع پایین دستی تسری نشده و ظرفیت مناسبی نیز ایجاد نکرده است. همچنین بحث خام فروشی را نیز تقویت نموده است. "رضا فخاری" اظهار امیدواری کرد با ایجاد بسترهای جدید در هم اندیشی بتوان پیشبرد مناسبی در تامین رضایت واحدهای پایین دستی روغن و پارافین ایجاد کرد.

■ برگزاری مرتب جلسات هم اندیشی

عضو هیئت رئیسه کمیسیون قیر اتحادیه اوپکس: تضاد منافع واحدهای تولیدی فرآورده‌های نفتی با نهادهای دولتی و خصوصی در صورتی می‌تواند به افزایش تعاملات منجر گردد که این نشست ها و جلسات هم اندیشی، به طور مرتب برگزار گردد. "وحید شیخی" همچنین گفت: شاید در صنایع بالادستی نتوانیم دستاوردی داشته باشیم، اما می‌توانیم در موضوعاتی با این نهادهای همگرایی داشته

وی با اشاره به سودآوری غیر قابل تصور کارگزاری های بورس ادامه داد: فعالیت های پنهان و غیر شفاف بورس کالا نیز از جمله معضلات نبود نهاد تنظیم‌گری می باشد.

■ ارائه راه حل نه بیان مشکلات!

"صدیقه سعیدی" عضو هیئت مدیره اتحادیه اوپکس، نیز تشکل های موازی را بسان چوب های نازکی تشبیه نمود که به راحتی شکسته خواهند شد. همچنین انجمن ها به امید دست یافتن به حل مشکلات خود دارای یک تیم همکاری واحد نیستند و هیئت مدیره کنونی اتحادیه از کلیه تشکلهای خصوصی، برای ارائه راه حل ها دعوت به هم‌اندیشی می نماید.

■ اثربخشی بیشتر در افزایش تشکل ها

رئیس انجمن بازیافت، تشکیل متعدد تشکل ها و انجمن ها را باعث حداقلی نقاط تعارض و عدم اشتراک منافع دانسته و تشکل‌های کوچک را فرزندان تشکل‌های بزرگ دانست. "فرزان گلچین" همچنین نتیجه مطالبات مثبت را در منافع جمعی و عقب‌نشینی از منافع صنفی ارزیابی کرد.

■ مدلسازی رفتار های تشکل ها

"محمدرضا مجلل" عضو کمیسیون بازرگانان بر مدل سازی رفتارهای تشکل‌ها اشاره داشت و گفت: راهکار عملی جلسات هم اندیشی در این است که کارگروه هایی با حضور نمایندگان دو تشکل تشکیل دهیم و با توجه به اینکه هر یک از طرفین، منافع حداکثری میخواهند، نقاط اشتراک و تلاقی را اهمیت داده و قاعده بازی تجاری را به درستی انجام دهیم.

■ درآمد تعدای از مدعوبن نیز به بیان نظرات خود پرداختند:

"سیدمحمد حسینی" رئیس صندوق توسعه صادرات فرآورده‌های نفتی گفت: باید کارآفرین ها را که منبع اشتغال‌زایی کشور هستند، در راهروهای قضایی گرفتار نکنیم و از بضاعت تشکل‌های بخش خصوصی در صنایع بالادستی استفاده کنیم.

"احمد معروفخانی" عضو هیئت مدیره اتحادیه، از تهاتر میعانات گازی دولت به ارگانها در قبال کسری بودجه خبر داد که می‌تواند بازار

معاملات اقتصادی فردی خوب عمل می کنند ولی متاسفانه در فرایند همکاری با تشکل ها و تضاد منافع دچار مشکل هستند. "علیرضا کریمی" عضو دیگر هیئت مدیره اتحادیه اوپکس، بر لزوم استفاده از پتانسیل‌های صادراتی کشورهای همسایه تاکید کرد و گفت: مطمئناً یکی از سرفصل‌های جلسات هم اندیشی تشکل های نفتی باید بررسی صادرات پایدار به کشورهای همسایه و کمک به صنایع بالادستی توسط بخش خصوصی باشد.

■ در پایان این جلسه، رئیس هیئت مدیره اتحادیه اوپکس پیشنهاد نمود، برای تبادل نظر بیشتر تشکل‌ها و اعضا دبیرخانه مشترکی شکل گیرد.

حمیدحسینی درخواست نمود برای توانمندسازی اعضای اتحادیه صادرکنندگان فرآورده های نفتی در مباحثی چون نمایشگاه‌ها و سفرهای خارجی همفکری ایجاد گردد و تشکل‌های حمل و نقلی، بورسی، صرافى و دیگر فضاهای کسب و کار در اتحادیه عضو گردند. تعاملاتی نیز با نهادهایی چون ستاد، استاندارد و وزارت های صمت و نفت خواهیم داشت، تا مشکلات و مسائل جاری مورد حل و فصل قرارگیرد.

حسینی طرح‌های مشترک پژوهشی با اتاق‌های بازرگانی را از دیگر موضوعات فعالیت اتحادیه برشمرده و از تشکل‌های توانمند درخواست نمود، نظرات خود را ارائه نمایند. همچنین هم اندیشی روابط عمومی‌های تشکل های موازی و استفاده از رسانه‌های اتحادیه از جمله ماهنامه دنیای انرژی، همایش های سالانه و نمایشگاه صنایع پایین دستی نفت خواهد توانست، فضای رسانه‌ای و تجاری مناسبی برای دیگر تشکل ها محسوب گردد.

رئیس هیئت مدیره اتحادیه همچنین از ایجاد یک سامانه معاملاتی به نام «اوپکس مارکت» جهت سازوکاری برای بازاریابی و بازاریابی فعالان پایین‌دست خبر داد که می تواند برای خریداران خارجی نیز جذاب باشد. حمید حسینی در پایان از امکانات کانتینری اتحادیه در پایانه گمرکی بندرعباس سخن به میان آورد که در فضای ده هکتاری، با کلیه امکانات آماده خدمات صادراتی فرآورده‌های نفتی برای کلیه تشکل‌ها ایجاد شده است.

همراه با خصوصی‌سازی، هرج و مرج اقتصادی هم ترویج داده شد و برای تغییر این وضع، نهاد رگولاتوری می‌تواند نقش آفرینی نماید. در تنظیم گری نیازی به لابی گری و خواهش نبوده و مکانیسم ها جریانات را هدایت می‌کنند

مناسبی را برای صنایع پایین دستی هیدروکربنی ایجاد نماید.

"رضا جزایری" از انجمن صنفی پتروشیمی نیز متذکر شد که این انجمن درصدد ایجاد تشکل های جدید نبوده و یگانگی خود را حفظ می نماید. "فریدون اسعدی" دبیرکل اتحادیه اوپکس: پیشنهاد می کنم یک کمیته کارشناسی تشکیل دهیم و در این کمیته از نظرات کارشناسی حوزه کسب و کار استفاده نمایم.

"احمد احسانی" مدیرعامل شرکت پترو موند نیز معتقد است همه فعالین اقتصادی در

حمایت پالایش و بخش از صنایع پایین دستی نفتی



اعضای هیئت مدیره اتحادیه صادرکنندگان فرآورده های نفتی در دیدار با رئیس پالایش و پخش، بر لزوم همکاری بیشتر این شرکت با صنایع پایین دستی نفتی تاکید کردند .

حمید حسینی رئیس هیئت مدیره در ابتدای این نشست گفت : اتحادیه صادرکنندگان با نوزده سال سابقه و ۳۶۰ عضو صنایع پایین دستی به عنوان بزرگترین تشکل خصوصی صادراتی کشور، سالیانه ۶ تا ۷ میلیارد دلار صادرات فرآورده‌های نفتی دارد، اتحادیه دارای امکانات صندوق همچنین پایه ای صادراتی در بندرعباس جهت صادرات فرآورده‌های نفتی نیز داراست و انجمن های بازیافت، روغن، هیدروکربن و قیر را جهت پیگیری امور صنفی اعضای خود در زیرمجموعه اتحادیه تاسیس نموده است . در سال ۸۶ با راه اندازی بورس انرژی امیدوار بودیم مسئله تنظیم‌گری صنایع نفتی به نوعی حل و فصل گردد و برای این امر بیشترین همکاری را با بورس انجام دادیم، اما متأسفانه اهداف بورس خواسته یا ناخواسته نتوانست نقش تنظیم گری را ایفا نماید و به دنبال منافع خود پیش رفت . خوشبختانه عملکرد بورس انرژی مناسب تر از بورس کالا بوده است و پیشنهاد کردیم بخشی از کالاهای صادراتی در بورس انرژی عرضه شود که فضای رقابتی بهتری ایجاد کرده است . چرا که در بورس کالا عرضه ها قطره‌چکانی بوده و حداکثر سوددهی را برای عرضه کننده خوراک فراهم نموده است . سود سالیانه ۸۰ هزار میلیارد تومانی پالایشگاه‌ها هم از محل ۱۵ درصد فرآورده‌های ویژه تامین می گردد که عمدتاً اعضای اتحادیه خریدارانش می باشند و نبود تنظیم‌گری باعث شده تخفیفات پالایشگاه‌ها به بخش پایین‌دستی تسری پیدا نکند . در همین راستا نیز پالایشگاه‌های روغن سازی هر ساله سود دوبرابری دارند و با آنکه عضو ما هستند اما در رقابت با اعضای تولید و صادرات فرآورده‌های

در تولید سه الی چهار لیتر روغن حدود ۱۶۰ لیتر نفت خام باید تصفیه گردد، اگر برای روغن های کارکرده شرایط و امکانات تولید ایجاد شود، با چهار لیتر روغن می توان سه لیتر روغن پایه استحصال کرد که سرمایه بزرگی است که مغفول مانده است

روغن و پارافین می باشند . باید تعادل و عدالت و تنظیم گری ایجاد گردد تا حداقل منافع نیز به بخش خصوصی تسری پیدا کند . و ایجاد چنین فضاهای غیر رقابتی باعث شده است در مواقعی بخش خصوصی به سمت خلاف کشیده شود . همانطور که سال گذشته پالایش و پخش هم در صادرات گازوئیل به بخش خصوصی فشار آورد و عملاً هیدروکربنها را از بازار خارج کرد . تولیدکننده هیدروکربنی که در این بازار میعانات میخیرید و بنزین و گازوئیل تولید می‌کرد، بازار را از او ستانددیم و منجر به ایجاد خلافتکاری در این صنعت شد .

سال گذشته سال سختی بود و بازار افغانستان و عراق تجارت حداقلی ایجاد کرد . البته بازار عراق نیز به شدت گلایه مند است که در سال جاری چیزی به عنوان فرآورده عرضه نشده است و این موضوع برای شرکت ملی نفت و پالایش و پخش موقعیت خوبی را لحاظ نکرده است .

ما در مجمع عمومی سالیانه اتحادیه هم تعدادی از اعضا که پرونده محرز خلاف داشتند را از اتحادیه اخراج کردیم، خوشبختانه امسال دولت کنونی یک نگاه مثبت به شرکت های هیدروکربنی پیدا کرده و میعانات گازی را عرضه می کنند که بتوانند این واحدها آن را به فرآورده تبدیل کنند . اتحادیه کمیسیون های متنوعی را شامل پتروشیمی، شیمیایی گاز و یا هیدروکربن، فرآورده های روغن، قیر، بازرگانان، سوپ، ترانزیت و بانکرینگ دارد که متأسفانه طی دو سال گذشته شرایط سختی برای اعضای اتحادیه بود و همه اعضا از کمبود خوراک و بازار ناراضی بودند . انتظار داریم همانطور که صنایع پتروشیمی دارای پایین دست هستند پالایش و پخش نیز ترتیبی اتخاذ دهد تا دفتری به عنوان واحدهای تولیدی و صادراتی پایین‌دست تاسیس یابد و ظرفیت‌های این بخش را در بازار بررسی نماید .

از سویی بحث سوخته‌های تقطیری انباشت شده منجر به خطرات زیادی شده و مشکلات این واحدهای تولیدی نیز در ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز در حال بررسی است . در فرآورده های روغن هم انتظار می رود پالایش و پخش به پالایشگاه های روغن سازی گوشزد نماید که سهمیه پایین دستی را نیز تامین نمایند، متأسفانه این پالایشگاه ها روغن پایه را صادر می‌کنند و انتظار داریم عرضه هفتگی خود را متعهد باشند و در صورتی که خرید خاصی انجام نشد آن را در رینگ صادراتی عرضه کنند، اعضای اتحادیه هم تعهد می دهند که روغن پایه را صادر نکنند .

رضا فخاری نائب رئیس هیئت مدیره نیز ادامه داد : در تجميع نظرات اعضای اتحادیه به این نتیجه رسیده ایم که بیشترین مشکلات مشترک اعضا در حوزه تامین خوراک می باشد . با توجه به اینکه سهمیه هر پالایشگاه روغن سازی در بورس عرضه می‌شود و آنها خرید خود را انجام می دهند، این گونه مبادله به واحدهای پایین دستی تسری پیدا نمی کند و اعضای ما در هیچ برهه از زمان نتوانسته‌اند در تامین خوراک واحدهای روغن و پارافین به شیوه قانونمندی برسند و انتظار داریم پالایش و پخش زمینه را فراهم کند که عرضه های چهار پالایشگاه که با یک مزیت خاص به آنها ارائه می شود به همان شکل به واحدهای پایین دست تسری پیدا بکند . با توجه به اینکه کشورهای همسایه هیچیک تولید روغن و لوبکات ندارند، در صورت عرضه ۱۰۰ درصد، اعضای اتحادیه حاضر به رقابت هستند و کمیسیون تخصصی بازرگانان اتحادیه نیز می‌تواند در بازار رینگ صادراتی، خرید مازاد را انجام دهند .

حسین منبری عضو دیگر هیئت مدیره نیز گفت : صنعت بازیافت قدمتی ۶۰ ساله دارد و پسماند روغن های کار کرده که بسیار خطرناک می باشد توسط واحدهای پایین دست جمع آوری می شوند . با توجه به این که در همه‌جای دنیا برای این واحدها معافیت‌های مالیاتی داده و حمایت می‌شوند، انتظار بر این است که اعضای اتحادیه در صنایع بازیافت نیز مورد حمایت واقع شود . هم اکنون روغن کار کرده بشکه ای دو میلیون تومان است و ۷۰۰ هزار تن روغن کارکرده در سراسر کشور وجود دارد که می‌تواند خوراک چند واحد پالایشگاهی را تامین کند که عدم علاقمندی پالایشگاهها در این صنعت باعث ایجاد واحدهای کوچک در شهرک ها شده است که ضمن اشتغالزایی، نسبت به بازیافت و بسته بندی روغن های کارکرده اقدام می کنند . در خصوص سوخته‌های تقطیری نیز پیشنهاد می‌شود، با توجه به اینکه ستاد نزدیک به ۱۴ ماه است جلوی صادرات را سد کرده و باعث انباشت این سوخته‌ها شده است، اجازه دهند یا صادر شود و نقدینگی آنها آزاد گردد و اگر اجازه نمی دهند وزارت نفت این میزان از انباشت را با قیمت تمام شده بخرند و حتی در جلسه ای با وزارت صمت پیشنهاد فروش آنها را به قیمت پمپ بنزین کردیم و در خصوص خطرات روغن های کار کرده در کشور و آسیب به محیط زیست این روغن های کارکرده که کیفیت بالا و سولفور خوبی دارند و به عنوان سوخت در نیروگاهها، مرغداری ها و حتی صادرات به افغانستان می توان از آنها استفاده کرد هشدار دادیم .

صدیقه سعیدی نیز افزود : یکی از معضلات صنایع پایین دست به غیر از تحریم، خودتحریمی است . در سه سال گذشته تلاش کردیم قیر تهاتر را به بازار عرضه نگردد و با توجه به اینکه دولت نتوانست بدهی‌های خود را به پیمانکاران بدهد با ورود این قیر به بازار داخلی به نوعی بازار صادراتی را نیز تحت الشعاع قرار داده و باعث برهم زدن قیمت ها شده است و ادغام قیرهای عراقی که به وفور در بندرعباس یافت می‌شوند با قیر ایرانی نیز به تشتت قیمتی این بازار افزوده است . از سویی نحوه توزیع وکیوم باتوم به صورت قطره چکانی است و در جلسات مختلف خواستیم میزان عرضه ماهانه را بگویند تا از نوسانات قیمتی کاسته شود و با این شرایط اگر پالایشگاه ها برنامه ریزی نمایند و میزان عرضه ماهانه را عنوان کنند آنقدر نوسانات قیمتی نخواهیم داشت . همچنین کریمی عضوی دیگر از هیئت مدیره نسبت به حضور شرکتهای خصولتی فعال در فرآورده های نفتی که اجازه فعالیت موازی به بخش خصوصی نمی دهند و خام فروشی را به تولید ارزش افزوده ترجیح می دهند هشدار داده و گفت : در رقابتی ناسالم، روغن پایه ای که در بورس عرضه می کنند با تخفیف بیست درصدی به خریدار خارجی می فروشند .

فریدون اسعدی دبیرکل اتحادیه در پایان گفت : در تولید سه الی چهار لیتر روغن حدود ۱۶۰ لیتر نفت خام باید تصفیه گردد، اگر برای روغن های کارکرده شرایط و امکانات تولید ایجاد شود، با چهار لیتر روغن می توان سه لیتر روغن پایه استحصال کرد که سرمایه بزرگی است که مغفول مانده است . برای ساماندهی فرآورده‌های قیر در قالب یک کارگروه مشترک برای محاسبه و تغییر رویه کاری طرحی تهیه کرده ایم که با توجه به اینکه کل وکیوم باتوم کشور حدود ۶ میلیون تن می باشد، پالایش و پخش به تناسب ظرفیت پالایشگاه ها سهمیه در نظر بگیرد و فعالین این عرصه به دنبال خوراک نباشند و رقابت کاذب اتفاق نیفتد .



جلیل سالاری رئیس پالایش و پخش نیز ادامه داد : در خصوص سودآوری پالایشگاه‌ها می‌توان یکی از علل آن ها را نرخ تصعیر ارز دانست . در بحث سوخت های تقطیری به نظر من باید روی محصولات نهایی کار شود و زنجیره تامین درست گردد و امکاناتی ایجاد شود و شرایطی را هم دولت و ستاد در نظر بگیرند و بر اساس آن کار کنند و پالایش و پخش نیز در این خصوص حمایت های لازم را خواهد کرد . با همکاران در ستاد مبارزه با قاچاق کالا نیز درخصوص مخازن انباشتی سوخت های تقطیری تعیین تکلیف کردیم و امیدواریم گشایشی ایجاد شود و حداقل مشکلات سال قبل مرتفع شود . بورس کالا نیز معتقدم دارای ایراد و مشکل بوده و نوع عرضه و مدیریت آنها به طور صحیح نمی باشد و به مقوله کارمزد بیشتر توجه داشته و شرایط رقابت و عرضه مناسب را ندارند . عرضه سی هزار تن مسلماً باعث شیب نزولی می‌گردد و بازار و خریدار را دچار مشکل خواهد کرد، لذا باید عرضه های هفتگی و تدریجی را سرلوحه کار قرار دهد که بعضاً از این امر تخطی می کند . هیئت مدیره اتحادیه صادرکنندگان اگر در احکام و قوانین مواردی را می‌بیند که باید رایزنی شود و به عنوان حمایت صنایع پایین دست دیده شود به ما بگوید و هر کمکی از دستمان بر می آید دریغ نخواهیم کرد . در خصوص روغن و فرآورده های آن، شرکت بهران قصد ایجاد کنسرسیومی در منطقه را دارد که اگر بتوانیم بیس اوایل را در کشورهای همسایه مثل تاجیکستان عمان و عراق ببریم می توانیم بازار عرضه و صادرات را به نفع خودمان ایجاد کرده و برند سازی کنیم . همچنین می‌توان شرکت‌های روغن سازی و اعضای اتحادیه کنسرسیومی تشکیل دهند و پالایش و پخش در لجستیک، سرمایه گذاری و مشارکت نیز حضور خواهد داشت و هدف گذاری خواهد کرد. با مدیرعامل صندوق نفت و بنیاد مستضعفان که شرکت‌های روغن سازی را دارد صحبت می کنم تا در کنار یکدیگر و بدون رقابت کاذب بتوانیم بازار منطقه را بدست آوریم . همگی این ها نیاز به همت دارد و ما هر کمکی خواسته باشید انجام خواهیم داد . در پارافین مایع و جامد هم با همین هدف گذاری می‌توانیم با سپاهان صحبت کنیم و پیشنهادات را بررسی کنیم . پالایشگاه های روغن سازی هم با مشکلات عدیده‌ای روبرو هستند و طرف حساب آنها صندوق ها می باشند که اوضاع مالی بسیار نامناسبی دارند، حتی صندوق نفت نیز از لحاظ ذخیره دارایی خود در پایین ترین سطح ممکنه قرار دارد و گرچه ما در سال‌های گذشته به خیلی ها کمک کردیم اما وضعیت واگذاری ها به گونه ای پیش رفت

که به بحث توسعه مجالی نداد . ما باید در کنار ستاره خلیج فارس یک پالایشگاه دیگر افتتاح می کردیم و تاسیس اینگونه واحدها می‌تواند به توسعه کار بیانجامد . اتحادیه با توجه به ظرفیت خود و حجم سرمایه گذاری که می‌تواند به طور مثال با یک تاجر افغانستان معامله کرده مشارکت نماید و پالایش و پخش خط لوله به سمت افغانستان بکشد. با این کیفیت، هزینه حمل و نقل و حقوق گمرکی تقلیل می‌یابد. پالایش و پخش به دنبال تسهیل گری در تجارت می‌باشد و این نهاد امیدوار است که با تسهیل گری تجارت، قدرتهای اقتصادی را به سمت کشور وارد کند . در بحران های قاچاق و برق و گاز نیز می‌توانیم با همین شیوه عمل نماییم . برای بودجه سالیانه کشور نیز کارهای زیرساختی انجام داده ایم و پیشنهاد کردیم بخش خصوصی سرمایه گذار ۵۰، ۶۰ میلیون دلاری به عنوان مشارکت بیاورد و در حمل و نقل با توجه به اینکه نفتکش ها و ناوگان بسیاری داریم بتوانیم الگو را عوض نماییم و امکانات ریلی ایجاد کنیم و با این شیوه مشکلات امنیتی و محیط زیست ایران را نیز کم نماییم . انتظار می‌رود اتحادیه صادرکنندگان باید فضای کسب و کار را در خارج از کشور تغییر دهد، پالایش و پخش طرف های سرمایه گذاری و همکاری را به شما معرفی خواهد کرد اگر ارتباط به صورت برد برد باشد می‌توانیم پیشنهادات شما را در قالب یک قرارداد لانگ ترم دریافت و اجرا کنیم که با تغییر مدیریت ها نیز شرایط به ضرر شما تغییر نیابد .

نشست هم‌اندیشی هیئت‌مدیره اتحادیه با اعضای کمیسیون هیدروکربور

اعضای فعال در هیدروکربن در این نشست که در هتل اسپیناس برگزار شد به مشکلاتی چون کارگروه تعزیرات، شیرین سازی میعانات، استاندارد و محیط زیست، همچنین استاندارد سازی تعیین ماهیت، ساماندهی خوراک و میزان عرضه ها، بازگشت ارز، استرداد ارزش افزوده، فرایند خوداظهاری و.... اشاره کردند. هیئت مدیره اتحادیه با حضور حسینی رییس هیئت مدیره، معروف خانی و محی الدین عضو هیئت مدیره، هاشمی بازرس و اسعدی دبیرکل در ابن جلسه ضمن بیان اینکه بازسازی اعتماد و تقویت جایگاه اتحادیه هدف اصلی هیئت مدیره کنونی است، بر لزوم تعیین رویه فعالیت هیدروکربنها توسط اعضای این کمیسیون به دولت جهت اعتمادسازی و بروز از هر گونه تخلف تاکید کردند و خواستار تقویت این کمیسیون توسط اعضای فعال و خوشنام شدند. رئیس هیئت مدیره نیز افزود: با توجه به امکانات رسانه ای که اتحادیه در اختیار دارد و نهادهای دولتی و خصوصی نیز این اتحادیه را به عنوان مرجع قبول دارند می‌توانیم صدای واحده شما باشیم و مطالبات این کمیسیون را رسانه ای نماییم. برگزاری کلاسهای آموزشی، بازارسازی و شبکه سازی برای اعضا نیز از جمله برنامه های پیش روی هیئت مدیره کنونی می‌باشد.

اعتمادسازی و شفافیت

هیئت مدیره اتحادیه صادرکنندگان فرآورده های نفت گاز و پتروشیمی ایران در دیدار با رئیس ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز به بررسی مشکلات اعضای کمیسیون هیدروکربن پرداختند .

رئیس هیئت مدیره اتحادیه اوپکس با اشاره به اینکه خوشبختانه فضای خوبی برای هیدروکربن ها ایجاد شده و می‌توانند در محیط سالم کار کنند گفت : اتحادیه در صورت مشاهده هرگونه خلافی از سوی اعضای



خود با آنها برخورد می‌نماید و از ستاد مبارزه با قاچاق کالا انتظار دارد، هر تصمیمی که گرفته می‌شود در مسیر اجرا دچار چندانگی نشده و معاونت ها همکاریهای لازمه را با اتحادیه داشته باشند . منیری، عضو هیئت مدیره در ادامه در خصوص تبعات انباشت سوخت های تقطیری ادامه داد : سال گذشته تخلفاتی در حوزه سوخت های تقطیری ایجاد شد و کسانی که تخلف آنها محرز شده بود، پرونده های درخواست آنها را بررسی نکردیم . و تاسف بار اینکه در طی پانزده ماه گذشته پرونده سوخت‌های تقطیری که به عنوان سرمایه ملی در مخازن انباشت شده، معلق مانده است و نهادی نیز مسئولیت آن را قبول نمی‌کند، لذا انتظار داریم ستاد مبارزه با قاچاق کالا همکاری‌های لازم را جهت تعیین تکلیف واحدهای تولیدی داشته باشد. هندیانی، رئیس ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز با تاکید بر اینکه این ستاد وظیفه سیاستگذاری، هدایت و نظارت را دارد و کارشناس فنی نیز ندارد، گفت : برای سوخت های تقطیری کارگروهی در استان‌ها گذاشتیم که شرکت های متخلفی که بالاتر از میزان تناژ خود در طی سالیهای قبل کار کرده‌اند، توضیح ارائه دهند و متاسفانه ۶۰ الی ۷۰ درصد این شرکت ها خواسته یا ناخواسته شامل تخلف شدند . ستاد در این خصوص خیلی مدارا کرده است و تعداد ۲۵ شرکت را در لیست داریم که در فرآیند کلی، مشکلات زیادی برای دیگر کارخانجات درست کرده اند. خطر آتش سوزی سوختههای تقطیری در ده سال گذشته نیز امکان پذیر بوده است و محلی از اعراب برای تحت فشار گذاشتن ستاد ن دارد . ما هر کمکی بتوانیم میکنیم در صورتی که شفافیت میان اعضای اتحادیه باشد. اگر چه وظیفه انجمن بازیافت و اتحادیه صادرکنندگان، ساماندهی اعضا است و در فرایند شفافیت و همکاری دوطرفه نیز قرار نیست هر خواسته‌ای اجرا شود، لذا انتظارات همدیگر را باید بفهمیم و ستاد نیز رسالت خود را در امر تسهیل تجارت استوار نموده است باید زیرساختهای لازمه ایجاد شود تا موارد خلاف نیز از بین برود . از اتحادیه انتظار می‌رود لیست متخلفین را هر چه سریعتر به ستاد ارائه دهد تا بررسی گردد و اعتمادسازی را چند برابر نماید، ضمن اینکه به متخلفینی که در آینده چنین رویکردی خواهند داشت تذکر جدی بدهد و اگر لیست متخلفین ارائه نشود، پایش برای همه شرکت ها خواهد بود . باید روسای هیئت مدیره نشان دهند منافع اعضا مهم تر از منافع شخصی شان است . باید در فرایند امور جاری اتحادیه، اعضا را خوانده، شفافیت ها را عنوان کنند و در خصوص خطرات تخلف نیز به آنها هشدار دهند . این وظیفه هیئت مدیره اتحادیه یا انجمن می‌باشد. در صورتی که پیشگیری از سوی اتحادیه ایجاد گردد، پرونده ای نیز تشکیل نمی‌شود و اتحادیه نیز به کارگروه نیاز نخواهد داشت چرا که درصورت تایید استاندارد، صادرات به خودی خود انجام خواهد شد . یکی از موضوعات مهم دیگر برای اتحادیه، اقدامات پژوهشی و علمی درباره فرآیند کارکرد اعضا می‌باشد .

خدمات کانتینری اتحادیه اوپکس در گمرک شهیدرجایی



نایب رئیس هیئت مدیره اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفتی، از توانمندی های خدمات کانتینری این اتحادیه در گمرک شهید رجایی به اعضای محترم اتحادیه خبر داد .«رضا فخاری» در گفتگو با پایگاه اطلاع رسانی اوپکس، در خصوص تاریخچه تاسیس «پایانه صندوق توسعه صادرات فرآورده های نفتی ایران» گفت : هیئت مدیره اتحادیه اواخر سال ۱۳۸۳، پس از اخذ مجوزها، اقدام به تاسیس صندوق نموده و هیئت مدیره وقت صندوق جهت توسعه صادرات فرآورده‌های نفتی در سال ۱۳۸۷ تصمیم به احداث پایانه کانتینری در بندر شهید رجایی گرفتند. پایانه مزبور با مساحت ده هکتار و امکاناتی چون کفسازی پیوینگ، ساختمان اداری، سوله، نگهبانی، آتش نشانی، سالن تعمیرات، پمپ سوخت گیری و تجهیزات مورد نیاز در شهریور ۱۳۹۰ مورد بهره برداری قرار گرفت . این پایانه در حال حاضر منحصر به صادرات فرآورده‌های نفتی بوده و ظرفیت استافینگ کانتینری این پایانه ماهانه بین پنج هزار تا شش هزار TEU برای کانتینرهای ۲۰ و ۴۰ فوت جهت صادرات فرآورده‌های نفتی می‌باشد.» پایانه صندوق توسعه صادرات فرآورده‌های نفتی ایران» آمادگی خود را جهت ارائه خدمات صادراتی به اعضای محترم اتحادیه اوپکس اعلام میدارد و کلیه همکاران جهت دریافت اطلاعات بیشتر با دبیرخانه اتحادیه تماس حاصل فرمایند .

تعارض منافع، مانع تنظیم گری و شفافیت!



پانزدهمین همایش سالانه اتحادیه صادرکنندگان فرآورده های نفت، گاز و پتروشیمی ایران در تاریخ دوم اسفند سال جاری و در هتل اسپیناس پالاس برگزار خواهد شد .

سعید رفیعی فر دبیر همایش در گفتگو با دنیای انرژی گفت : شورای سیاست گذاری این همایش به ریاست پدرام سلطانی و با حضور اندیشمندانی از اعضای هیئت مدیره و کمیسیون های اتحادیه اوپکس، اتاق بازرگانی، بورس انرژی و در جلسات هفتگی خود، شرایط برگزاری بهتر این همایش را بررسی می‌نمایند . با توجه به شیوع کرونا، همایش سالانه در سال گذشته برگزار نگردید و با توجه به شرایط کنونی مقرر گردید که در ابتدای اسفندماه میزبان مدیران، کارشناسان و فعالین حوزه نفت و فرآورده های نفتی در پانزدهمین

دوره همایش سالانه اتحادیه باشیم . شورای سیاست گذاری همایش با جمع بندی نظرات کارشناسان، شعار امسال را که منطبق با موانع و مشکلات جدی صنایع پایین دستی نفت در تولید و صادرات فرآورده های نفتی با نهادهای تصمیم گیر و اجرایی دارد «تعارض منافع،مانع تنظیم گری و شفافیت !» انتخاب نمود . این شعار شمایی کامل از تمامی شرایط نابسامانی است که طی سالها گریبانگیر بخش خصوصی بوده و هست شورای سیاست گذاری در نظر دارد با دعوت از مدیران عالی رتبه و تصمیم گیر دولتی، مجلسی و تحلیل گران خبره، نسبت به واکاوی این شعار اقدام نموده و امیدواریم برگزاری این همایش منتج به تصمیمات بهینه و تغییر رویه حاکمیت در تعامل با بخش خصوصی گردد .

برگزاری روز ملی صادرات

مراسم روز ملی صادرات در ماه گذشته شاهد انتخاب سه شرکت از اتحادیه صادرکنندگان فراورده های نفتی بود : شرکت های صنایع رنگ اطلس فام سهند، قیر هرمز پارس و شرکت شیمی در سلف از اعضای این اتحادیه به عنوان صادرکنندگان نمونه سال ۱۴۰۰ برگزیده شدند .

دیدار هیئت مدیره با معاونت سیاستگذاری اقتصادی وزارت اقتصاد



اعضای هیئت مدیره اتحادیه، دبیر کل و مشاور هیئت مدیره بادکتر سیدمحمد سبحانیان، معاون سیاستگذاری اقتصادی وزارت اقتصاد دیدار کرده و به معرفی اتحادیه و مشکلات و ارائه پیشنهادها و راهکارهای لازم پرداختند. در این نشست با اشاره به مشکلات واحدهای فرآورده های روغن در تامین خوراک، تبعات قیر تهاتر در تولید و صادرات قیر، صدور ناهنجار مجوزهای بهره برداری در صنعت قیر و مشکلات واحدهای سوخت تقطیری، همچنین مشکلات پیش روی صنایع پایین دستی در بورس کالا و لزوم تصویب نهاد تنظیم گر، درخواست گردید مجوز کارگزاری به اتحادیه اعطا گردد. معاون سیاستگذاری وزارت اقتصاد نیز در این جلسه بر ارائه مکتوب مشکلات و راه حل های لازمه تاکید کرده و گفت: اگر درخواست ها و پیشنهادات و مشکلات در حوزه مالیات، گمرک وهریک از نهادهای مورد نظر هر چه سریع تر به ما ارائه گردد، زمینه بازگشایی گره ها بیشتر فراهم خواهد شد. این وزارتخانه جلسات متعددی را با فعالین اقتصادی و با حضور قوای دیگر نیز انجام داده و می‌دهد و می‌توانیم در حوزه انرژی نیز چنین جلساتی را با حضور وزیر برای بررسی درخواستهای اعضای اتحادیه برگزار کنیم. مدیر کل دفتر مقررات زدایی نیز در این نشست اظهار داشت: این وزارتخانه شرایط دریافت مجوز کارگزاری را به صورت شفاف ایجاد نموده و زیرساخت‌های آن آماده شده و به صورت الکترونیکی مجوزهای لازم را ارائه می‌دهد. امیر سیاح در ادامه گفت: اگر دلایل قانع کننده ای از طرف فعالین اقتصادی حوزه فرآورده های نفتی در تغییر یا حذف مقرراتی ارائه شود، امکان بررسی و حذف آن میسر خواهد بود



بررسی اجمالی صنعت پتروشیمی در شرایط سخت تحریم ها

”مزیت نسبی“ عبارتی ساده اما هم‌سو با صنعت پتروشیمی کشور

مریم میخانک بابایی

مقدمه: پس از خروج آمریکا از برجام و شروع تحریم های جدید، بویژه تحریم پتروشیمی ها، این تلنگر ضمنی بوجود آمد که باید پاشنه ها را ورکشید و با همین داشته ها و منابع موجود، کار آفرینی و خلق پول کرد؛ این قصه به مثابه زن خانه داری است که فقط با خلاقیت و مدیریت سید خانه می تواند خوراک مناسبی برای اهل خانه تدارک ببیند. شرکت های پتروشیمی در کشور طی این سال ها توانستند علاوه بر افزایش تولید و ارز آوری برای کشور اقدامات قابل توجهی در تکمیل زنجیره تولید به دست آورند و در برخی از شرکت های پتروشیمی و هلدینگ ها شرایط رقابتی هم مزید بر علت شد و محصولات جدیدی نیز در این صنعت خلق شده است و حتی گفته می شود این محصولات همچنان در حال متنوع سازی هستند، البته اینکه پتروشیمی ها خوراک ارزان و مناسبی در دسترس دارند و باید هم به این رشد مناسب می رسیدند گفته درستی است اما مصداقی بگوییم که ممکن است صنایع دیگری نیز چنین منابع ارزانی را هم در دسترس داشته باشند اما مهم مدیریت آن در شرایط سخت تحریم است، مهم ایجاد زمینه رقابت بین واحدها و مجتمع ها است که خوشبختانه بوجود آمده است. پتروشیمی ها توانستند با شرایط موجود رقم قابل توجهی از صادرات غیر نفتی ایران را به خود اختصاص دهند و... در گزارش پیش رو سعی شده است یک بررسی اجمالی از صنعت پتروشیمی کشور ارائه شود و جایگاه این صنعت در اقتصاد ایران را بویژه در شرایط سخت تحریم ها، مورد تحلیل و ارزیابی دهد.

■ صنعت پتروشیمی ایران از دیروز تا امروز

صنعت پتروشیمی کشور که بیشترین مزیت نسبی را در بین دیگر صنایع کشور دارد از ابتدا یکی از زیرمجموعه های وزارت نفت هدایت و مدیریت می شد اما با گذشت سال ها و رشد قابل توجهی که در تولید و توسعه این صنعت بوجود آمد بویژه سهام عدالت، خروج دولت از تصمیم سازی ها، سرمایه گذاری و ... باعث رشد چند در صدی تولید سالانه در این صنعت شد. هلدینگ های پتروشیمی در کنار این صنعت بسط داده شدند و شرکت هایی برای پروژه های جدید از درون شرکت های پتروشیمی تاسیس شدند و رفته رفته با گسترش و تعدد شرکت ها تبدیل به هلدینگ و یا به گروه صنعت پتروشیمی شدند. نمونه بارز آن هلدینگ خلیج فارس است که در درون خود مجموعه چند شرکتی پترول را دارد و هم اکنون علاوه بر تبدیل هلدینگ خلیج فارس به گروه صنایع پتروشیمی خلیج فارس، شرکت پترول نیز در صدد

سبدمحصولات بویژه توسعه پایین دست پتروشیمی کشور، اضافه کنند.

جهش اول پتروشیمی سرآغاز رشد چشمگیر این صنعت در اقتصاد کشور بود و جهش دوم و سوم با طرح ها و برنامه ریزی صورت گرفته چشم انداز روشنی را برای این صنعت ترسیم کرده است. مهم ترین اهداف توسعه صنعت پتروشیمی در یک قالب بنیادین با جهش ها استوار شد و با هدف جلوگیری از خام فروشی و تکمیل زنجیره ارزش در تولید محصولات جدید هدایت می شود. بدیهی است که داشتن چنین اهدافی نیازمند منابع مالی و مدیریت حساب شده دارد. زیرا در برهه ای از زمان با وجود منابع، اما ضعف مدیریت، این چرخه نتوانست به درستی به گردش درآید اما امروز با در دسترس بودن منابع گاز و مساعدت منابع مالی کشور و همت مدیران عرصه پتروشیمی شرایطی مهیا شد که محدودیت تحریم اندکی تبدیل به فرصت شد و این صنعت توانست رشد مناسبی را به دست آورد. هم اکنون ۶۷ مجتمع پتروشیمی در کشور فعال است که از این تعداد سه شرکت برای این مجتمع ها تامین کننده یوتیلیتی هستند. همچنین ۳۳۰ گرید پلیمری و ۴۰ نوع ماده شیمیایی از این صنعت به صنایع داخلی عرضه می شود و حدود ۱۵ هزار بنگاه کوچک و متوسط در زیرمجموعه این صنعت فعال هستند.

این مجتمع ها سال ۱۳۹۹ حدود ۴۰ میلیون تن معادل ۹۹۲ هزار بشکه نفت خام در روز سوخت و خوراک از بالادست دریافت کردند که حدود ۳۵ میلیون تن محصول نهایی تولید شده است. همچنین از این مقدار ۲۵ میلیون تن صادر و حدود ۱۰ میلیون تن در داخل عرضه شد. از سوی دیگر با گذر از جهش اول، طرح ها و برنامه ریزی هایی برای جهش دوم پتروشیمی همچنان در حال انجام است و بنابر گفته مدیران شرکت ملی صنایع پتروشیمی ۱۱ طرح باقیمانده از جهش دوم صنعت پتروشیمی، ظرفیت این صنعت را با ۱۰ میلیون تن افزایش به ۱۰۰ میلیون تن می رساند. عملیات اجرایی ۴۳ طرح موسوم به جهش دوم صنعت پتروشیمی از سال ۱۳۹۲ آغاز شده است و از سال گذشته تا ابتدای امسال ۱۷ طرح وارد مدار تولید شده اند و گفته می شود ۱۱ طرح باقی مانده در این جهش نیز تا پایان سال ۱۴۰۰ به بهره برداری برسند. در واقع میانگین پیشرفت ۱۱

بومی سازی و افزایش اشتغال نیز از نتایج مثبت این طرح هاست به طوری که با اجرای طرح های ۳۸ گانه جهش سوم پتروشیمی تا افاق ۱۴۰۴ نزدیک به ۱۰ شهر به هاب پتروشیمی تبدیل می شوند و این موضوع به اشتغالزایی و توسعه منطقه ای صنعت پتروشیمی در کشور کمک خواهد کرد. با برنامه ریزی های صورت گرفته، قرار است تا پایان ۱۴۰۰، بهره برداری از سه طرح پتروشیمی صورت گیرد و با مجموع طرح های فعال، تا پایان سال ۱۴۰۴ ظرفیت صنعت پتروشیمی از ۹۰ میلیون تن کنونی به ۱۵۰ میلیون تن و درآمد این صنعت راهبردی از ۲۲ میلیارد دلار به ۴۵ میلیارد دلار افزایش می یابد. و اما در مورد کل سرمایه گذاری صورت گرفته نیز گفته می شود که تاکنون حدود ۸۰ میلیارد دلار سرمایه گذاری در صنعت پتروشیمی از ابتدای برنامه ریزی ها صورت گرفته است و حجم سرمایه گذاری ها تا پایان ۱۴۰۰ به ۸۵ میلیارد دلار خواهد رسید.

طرح باقیمانده از جهش دوم صنعت پتروشیمی ۸۴ درصد است و با تکمیل این طرح ها، با سرمایه گذاری ۸۵ میلیارد دلار در مجموع سالانه ۴ میلیارد دلار به درآمدهای ارزی کشور افزوده می شود. بنابر گفته مدیران شرکت ملی صنایع پتروشیمی با پایان جهش دوم صنعت پتروشیمی، ظرفیت تولید تا پایان ۱۴۰۰ به ۱۰۰ میلیون تن و تا پایان جهش سوم صنعت به ۱۳۳ میلیون تن می رسد. در مجموع ۴۸ طرح توسعه ای در قالب جهش دوم و سوم صنعت پتروشیمی در دست اجراست. به طوری که این طرح ها ظرفیت این صنعت را ۴۵ میلیون تن افزایش خواهند داد. موضوع تامین مالی این طرح ها برای تکمیل جهش های دوم و سوم در حال انجام است و تامین مالی این طرح ها ۳۰ میلیارد دلار بوده است، البته مساعدت بانک ها در ارائه تسهیلات و کمک صندوق توسعه ملی نیز برای هدایت پروژه ها در تامین مالی پروژه ها همراه و همسو بوده است. و اما در جهش سوم پتروشیمی قرار است ۳۹ طرح با سرمایه گذاری ۲۰ میلیارد دلار احداث شود، که اقدامات اولیه برای برنامه ریزی و احداث آن صورت گرفته است به طوری که تاکنون ۵۶ میلیارد دلار برای اجرای این طرح ها نیز هزینه شده است. طرح های پتروشیمی با پیشبرد اهداف تکمیل زنجیره تولید در جهش دوم طبق برنامه و با شرایط سخت موجود رو به اتمام است و سال آینده آغاز جهش سوم پتروشیمی تا پایان ۱۴۰۴ است و بر مبنای برنامه ریزی ها در حدود ۱۰ میلیارد دلار به درآمد کشور ناشی از صادرات غیر نفتی

این محصولات افزوده خواهد شد. افزون بر آن بومی سازی و افزایش اشتغال نیز از نتایج مثبت این طرح هاست به طوری که با اجرای طرح های ۳۸ گانه جهش سوم پتروشیمی تا افاق ۱۴۰۴ نزدیک به ۱۰ شهر به هاب پتروشیمی تبدیل می شوند و این موضوع به اشتغالزایی و توسعه منطقه ای صنعت پتروشیمی در کشور کمک خواهد کرد. با برنامه ریزی های صورت گرفته، قرار است تا پایان ۱۴۰۰، بهره برداری از سه طرح پتروشیمی صورت گیرد و با مجموع طرح های فعال، تا پایان سال ۱۴۰۴ ظرفیت صنعت پتروشیمی از ۹۰ میلیون تن کنونی به ۱۵۰ میلیون تن و درآمد این صنعت راهبردی از ۲۲ میلیارد دلار به ۴۵ میلیارد دلار افزایش می یابد. و اما در مورد کل سرمایه گذاری صورت گرفته نیز گفته می شود که تاکنون حدود ۸۰ میلیارد دلار سرمایه گذاری در صنعت پتروشیمی از ابتدای برنامه ریزی ها صورت گرفته است و حجم سرمایه گذاری ها تا پایان ۱۴۰۰ به ۸۵ میلیارد دلار خواهد رسید.

■ جهش های پتروشیمی با طرح های پیشران

جهش های پتروشیمی با ارائه طرح های پیشران و اجرای آن تعریف می شوند. طرح های پیشران مکمل ادامه توسعه کل صنعت پتروشیمی است و یکی از برنامه های پیش بینی شده در کاهش واردات و تامین نیاز صنایع داخلی (پایین دستی) است. طرح های پیشران توصیفی بر تولید محصولات جدید و با رویکرد تنوع سازی و تکمیل زنجیره تولید دارد. شرکت ملی صنایع پتروشیمی برای تکمیل زنجیره اصلی مواد پایه پتروشیمی ۳۸ طرح پیشران با مجموعه ظرفیت ۳ میلیون تن تعریف کرده است. با اجرای طرح های پیشران ۲۲ محصول جدید در صنعت پتروشیمی تولید خواهد شد. بهزاد محمدی مدیرعامل اسبق شرکت ملی صنایع پتروشیمی در آخرین آمار اعلامی خود از سوی این نهاد مدیریتی با تشریح روند توسعه صنعت پتروشیمی بر مبنای تکمیل زنجیره ارزش، می گوید: حرکت در مسیر توسعه صنعت پتروشیمی با هدف تکمیل زنجیره ارزش از سال ۱۳۹۹ آغاز شده است و بر این مبنا اجرای ۳۸ طرح با عنوان "طرح های پیشران" تعریف شده که هدف اصلی این طرح ها، استفاده از خوراک های متنوع صنعت پتروشیمی در طول زنجیره ارزش و

با هدف فعال‌سازی صنایع کوچک و پارک‌های صنعتی و شیمیایی است. به گفته وی، براساس برنامه‌ریزی انجام‌شده با اجرای طرح‌های پیشران در ۶ زنجیره متنوع، حدود ۳.۵ میلیون تن خوراک به صنایع تکمیلی اختصاص می‌یابد. طرح‌های پیشران در زنجیره پروپیلن ۱۳ طرح، در زنجیره متانول ۶ طرح، در زنجیره اتیلن ۵ طرح، در زنجیره بنزن ۲ طرح و یک طرح زنجیره اوره، یک طرح زنجیره ملامین و یک طرح زنجیره بوتیلن تعریف شده‌اند. با توسعه طرح‌های پیشران در زنجیره‌های اصلی پروپیلن، متانول، اتیلن، بنزن، اوره و بوتادین، ۲۰ نوع محصول جدید پتروشیمی تولید می‌شود که ضمن ارزآوری از طریق صادرات، حدود ۷۰ درصد از واردات محصولات پتروشیمی نیز کاهش می‌یابد. گفتنی است که هلدینگ‌های پتروشیمی مانند هلدینگ خلیج فارس نقش کلیدی و تعیین کننده در طرح‌های توسعه ای صنعت ایفا می کنند، این شرکت ها بخشی ازدرآمد های خود را در طرح های توسعه ای در مسیر تحقق زنجیره ارزش سرمایه گذاری کرده و برخی نیز اقدام به تعریف طرح های جدید کرده اند.

■ **احداث پارک های زنجیره تکمیلی پتروشیمی**

از جمله اقدامات مهمی که صنعت پتروشیمی به دلیل نیاز به تکمیل زنجیره ارزش تولید محصولات ترتیب داده است اجرای طرح احداث پارک های شیمیایی بود. محصولاتی که گاها خود به عنوان مواد اولیه و خوراک دیگر مجموعه تولیدی به حساب می آید. در توضیح این پارک های پتروشیمی باید گفت که در دنیای امروز حجم تولید محصولات پایه متان، اتان محور و حتی محصولات پلیمری نظیر اتیلن، پلی اتیلن ها، پروپیلن، پی وی سی، پلی استایرن ها و ... با وجود پیشرفت های انجام گرفته و خلق دانش فنی، لایسنس و تکنولوژی برتر تولید، دیگر ملاک توسعه این صنعت قرار نمی گیرد؛ در واقع کشورهایی می توانند صاحب نام در حوزه پتروشیمی به حساب آیند که به جای افزایش ظرفیت تولید، حداکثرسازی ارزش افزوده از مواد خام را با تمرکز و احداث واحدهای شیمیایی در قالب پارک های شیمیایی و پتروشیمیایی فراهم کنند. احداث این گونه پارک ها با ایجاد بسترهای مناسب و مشوق های سرمایه گذاری برای مجموعه های مقیاس کوچک اما نوآورانه و دارای مزیت نسبی بالا ایجاد می شوند که علاوه بر کسب درآمد به اشتغال زایی و تولید پایدار نیز می انجامد. ایجاد چنین پارک هایی مدت هاست در دنیا تعریف و عملیاتی شده است و در ایران نیز با افزایش ظرفیت تولید و نیاز به تقویت محصولات پایین دستی نیاز به ایجاد چنین پارک های پتروشیمیایی ضروری به نظر می رسد. پارک شیمیایی پلی پروپیلن ایلام از جمله پروژه هایی است که با تامین سرمایه پترول و صندوق بازنشستگی وزارت نفت در دست بررسی و

اجرا قرار دارد و این طرح در سفر اخیر وزیر نفت دولت سیزدهم به ایلام مورد توجه قرار گرفت. در واقع با وجود محدودیت های تحریمی، پارک پلی پروپیلن ایلام به عنوان نخستین پارک زنجیره صنایع تکمیلی پلی پروپیلن کشور در دست بررسی عملیاتی است و ظرف دو تا سه سال آینده احداث می شود. اما این گونه پارک های شیمیایی نیازمند الزامات مورد نیاز جهت تشویق بخش خصوصی جهت سرمایه گذاری و تسریع در راه اندازی آن است.

■ **صادرات ۳۳ میلیون تنی محصولات پتروشیمی در ۱۴۰۰**

مجمعع های پتروشیمی در ۶ ماه نخست سال جاری ۳۲۸ میلیون تن انواع محصولات پتروشیمی را تولید و پس از رفع نیاز داخل به بازارهای جهانی عرضه کردند. با نگاهی به آمارهای سال گذشته این گونه تحلیل می شود که در سال ۱۳۹۹ بیش از ۶۱ میلیون تن محصولات پتروشیمی در کشور تولید شده است و از این میزان نزدیک به ۲۴.۴ میلیون تن صادر شده است در حالیکه در ۶ ماهه ۱۴۰۰ صنعت پتروشیمی بیش از این رقم صادر کرده است. علاوه بر آن نیز میزان تولید محصولات پتروشیمی نسبت به مدت مشابه سال ۹۹ رشد ۸ درصدی را به ثبت رسانده است و به گفته مدیران صنعت پتروشیمی تمامی برنامه ریزی ها و اهداف توسعه ای صنعت پتروشیمی در سال ۱۳۹۹

محقق شده است. بر اساس گزارشات دریافتی از میزان تولید و درآمد حاصل از صادرات و فروش محصولات، این گونه به نظر می رسد که از فروش خارجی ۲۴.۴ میلیون تن محصولات در سال ۹۹ نزدیک به ۱۵ میلیارد دلار درآمد کسب شده است و بر اساس برنامه ریزی ها در سال ۱۴۰۰ تولید محصول قابل فروش ۴۵ میلیون تن و درآمد ناشی از فروش و صادرات حدود ۲۱.۵ میلیارد دلار برآورد می شود. آمارها اذعان می دارند که هم‌اکنون ایران در تولید محصولات پتروشیمی، ۲۵ درصد ظرفیت تولید صنایع پتروشیمی خاورمیانه و ۲.۵ درصد جهان را در اختیار دارد و پس از عربستان در جایگاه دومین تولیدکننده بزرگ محصولات عمده پتروشیمی در خاورمیانه است. به گفته مدیران صنعت پتروشیمی، تجارت بین الملل و نیاز به محصولات از سیاست جداست و با توجه به اینکه محصولات پتروشیمی ایران در شرایط تحریمی قرار دارد اما طرف مقابل ایرانی که بخش خصوصی واردکننده محصولات پتروشیمی است به دلیل نیاز به محصولات ایران حاضر به دور زدن تحریم ها شده است و حجم قابل توجه فروش و صادرات ایران گواه این ادعاست.

■ **استفاده از ساخت تجهیزات داخل در شرایط سخت تحریمی**

خساراتی که تحریم ها به صنایع کشور وارد کردند به واقع نیازی به تحلیل ندارد اما مهم آن است که در این شرایط صدای چرخه تولید هم شنیده می شود. اگر چه تحریم ها زیان بار است اما در بخش هایی به دلیل محدودیت ها، نگاه تولیدکنندگان را به سازندگان داخلی معطوف کرد. متخصصان جوان در بخش های دانش بنیان با ابداع محصولات جدید فعالیت کردند و از سوی دیگر کاتالیست های پتروشیمی توسط نخبگان و متخصصان ایجاد شدند؛ کاتالیست هایی که روزگاری از جمله محصولات وارداتی ایران به حساب می آمدند اما امروز حتی صادرات کاتالیست ها در لیست موارد صادراتی کشور به چشم می خورد. از سوی دیگر اهمیت ساخت داخل مقوله دیگری است که از نتیجه تحریم ها رقم خورد. تولیدکنندگان هر صنعت و حوزه ای با نگاه به داخل، تجهیزات مورد نیاز خود را تامین می کنند. زیرا علاوه بر کاهش هزینه های ارزی و حمل و نقل و کلیه مراودات بین المللی

می توانند پروژه های خود را به صورت ریالی پیش ببرند. در حال حاضر بیش از ۶۵ درصد کالاها به همت سازندگان داخلی تامین می شود در حالیکه پیشترها به همین میزان کالاها وارداتی بودند. برگزاری چندین نمایشگاه تخصصی در حوزه ساخت تجهیزات در صنعت پتروشیمی کشور و انعقاد صدها قرارداد همکاری بین تولیدکنندگان و سازندگان داخلی و دانش بنیان ها نشان داد برای پیشبرد طرح های توسعه ای در این صنعت می توان علاوه بر اشتغالزایی، با نگاه به داخل و حمایت از سازندگان در تامین منابع و تجهیزات همت گمارد. در حوزه ایجاد مشاغل جدید در پیشبرد طرح ها بویژه استفاده از نیروهای بومی در مناطق گام های موثری برداشته شد مدیرطرح های شرکت ملی صنایع پتروشیمی درباره به میزان اشتغال طرح ها می گوید که در سال ۹۹ بیش از ۲۷ هزار نفر در طرح های پتروشیمی مشغول به فعالیت بودند و صنعت پتروشیمی در حال حاضر ۱۰۷ هزار اشتغال مستقیم ایجاد کرده است که در صورت فعال شدن کلیه بخش های مرتبط در این صنعت با تکمیل زنجیره ارزش، قابلیت ایجاد یک میلیون شغل پایدار مستقیم وجود خواهد داشت. مدیرعامل اسبق شرکت ملی صنایع پتروشیمی نیز می گوید که در بخش صنایع پایین‌دستی به ازای تولید

یک میلیون تن محصول، ۱۷۰ هزار شغل ایجاد می‌شود و بیش از ۷۵انجمن، سندیکا و اتحادیه در صنایع پایین‌دست در توزیع محصولات پتروشیمی فعال هستند که هیچ صنعتی در کشور از نظر رقم اشتغال، قابل مقایسه باصنعت پتروشیمی نیست.

■ **"تهدید به فرصت" نتیجه خودکفایی صنعت پتروشیمی**

صنعت پتروشیمی در کشور با وجود محدودیت ها توانستند علاوه بر تامین نیاز داخل و خارج، رتبه های بین المللی را نیز کسب کنند و جزو اولین های این صنعت در دنیا به شمار بیایند. هلدینگ خلیج فارس در زمره مجموعه های تولید خدماتی و سرمایه گذاری در صنعت پتروشیمی است که پس از سایبک در آسیا مقام دوم را به خود اختصاص داده است و در منطقه مقام اول را دارد. مشارکت پتروشیمی ها آن هم در شرایط تحریم ها و کرونا و حتی مسئولیت های اجتماعی، قابل ذکر است. پتروشیمی ها در پیک های جان سخت کرونا علاوه بر تامین کننده محصولات ضدعفونی کننده توانستند محصولات جدید در حوزه پتروشیمی را ابداع و تولید کنند. اخیرا یکی از پتروشیمی های کشور(پتروشیمی خوزستان) با استفاده از یک گرید پلی کربنات درصدد تولید کارت های ملی است. تولید کارت های ملی که چندسالی است به دلیل تحریم ها، مواد اولیه مورد نیاز این محصول در دسترس قرار ندارد اما با مساعدت این گونه شرکت ها و دستیابی به دانش فنی و تخصص مهندسین ایرانی، این محصولات ابداع شدند و شرایط تولید محصولات جدیدی مهیا شده است. نمونه این چینی در تولید محصولاتی که روزی وارداتی بودند و علاوه بر هزینه های ارزی و وابستگی را به دنبال داشت، کم نیستند.

تامین ارز مورد نیاز کشور و ثبت آن در سامانه نیما، برای خرید مایحتاج دارویی، بهداشتی و ... نیز از فعالیت و پیشبرد پروژه های طرح های پتروشیمی کشور است. صنعت پتروشیمی که از جمله صنایع کشور است که کلیه اهداف و برنامه های برنامه ششم توسعه را نیز محقق کرده و به عنوان راه نجات و قطار اقتصادی کشور عمل کرده است. دبیر انجمن صنفی کارفرمایی صنعت پتروشیمی ضمن اشاره به تحریم ها و مشکلات ناشی از آن می گوید که اگر از صنعت پتروشیمی حمایت شود تا ۱۰ سال آینده دیگر نیازی به ارز نفت وجود ندارد.

کشورهایی می توانند صاحب نام در حوزه پتروشیمی به حساب آیند که به جای افزایش ظرفیت تولید، حداکثرسازی ارزش افزوده از مواد خام را با تمرکز و احداث واحدهای شیمیایی در قالب پارک های شیمیایی و پتروشیمیایی فراهم کنند. که علاوه بر کسب درآمد به اشتغال زایی و تولید پایدار نیز می انجامد



است که مسیر ایران همچنان کوتاه‌ترین راه برای اتصال افغانستان و آسیای مرکزی به اروپا است. از این رو، راه لاجورد، می‌تواند راهی برای انزوای ایران در منطقه باشد.

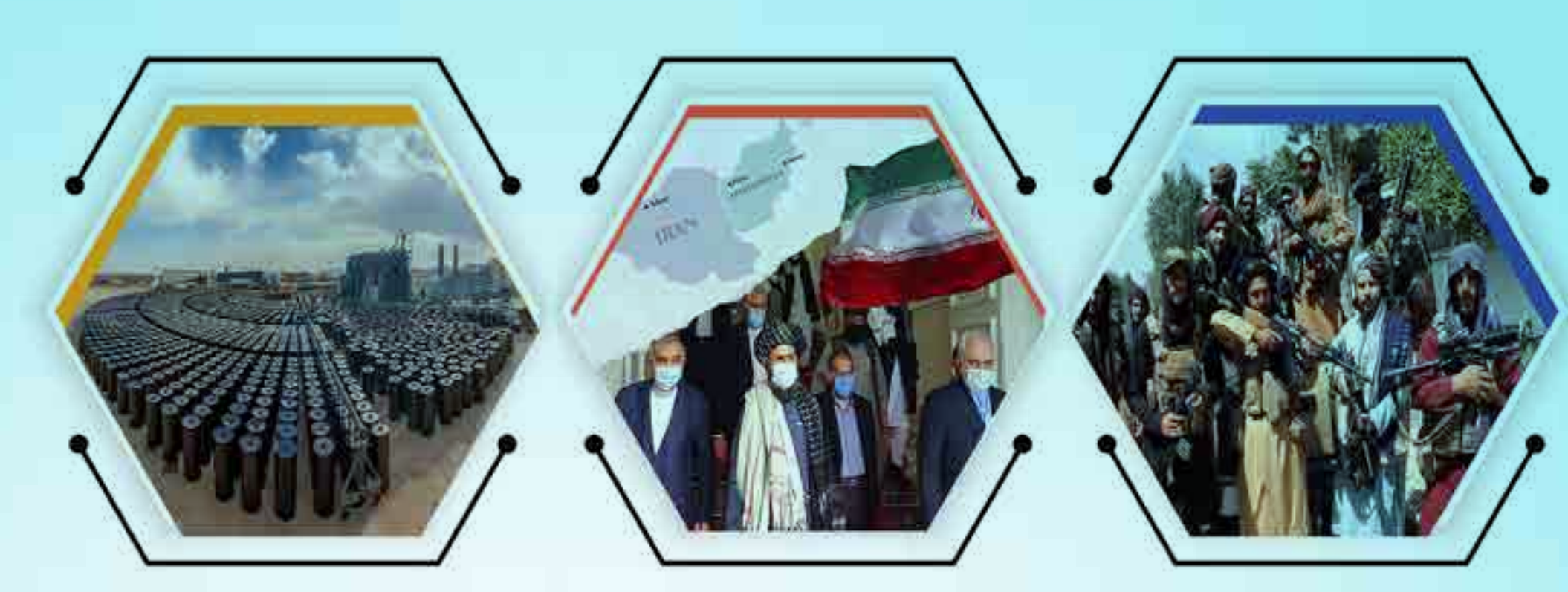
■ منوی فرصت‌های تجاری با کابل

حضور طالبان در رأس قدرت افغانستان، به لحاظ استراتژیک پیامدهای متعددی به دنبال خواهد داشت. قطع کمک‌های مالی بین‌المللی، عدم همکاری هند با طالبان، فراهم شدن زمینه برای حضور هرچند محدود کشورهای قطر و ترکیه و نامعلوم بودن موضع چین در قبال افغانستان، از جمله مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذاری است که روابط تجاری ایران را با افغانستان متأثر خواهد کرد. بنابراین پیگیری سیاست تنش‌زدایی و مذاکره ایران با بازیگران رقیب و بالا بردن آستانه تحریک‌پذیری کشور و ارتباط منسجم و پیوسته با اقتصاد جهانی اهمیت ویژه‌ای در حفظ سهم ایران از بازار این کشور پیدا می‌کند. از سوی دیگر تا زمانی که شرایط نااطمینانی و بی‌ثباتی‌های دوران گذار در افغانستان پابرجا باشد، چشم‌انداز روابط تجاری ایران و افغانستان دشوار و مبهم خواهد بود؛ وضعیتی که نامعلوم بودن شکل و ماهیت نقش‌آفرینی چین نیز به آن دامن خواهد زد. اما در همین حال، به دلیل احتمال قطع صادرات برق توسط تاجیکستان در اعتراض به حضور طالبان در عرصه قدرت این کشور، در حوزه صادرات انرژی، ایران می‌تواند از یک فرصت بالقوه برای تصاحب سهم بیشتر از بازار برق این کشور برخوردار شود. اگرچه در یک چشم‌انداز کلان، کاهش تقاضای کلی افغانستان به دلیل کوچک شدن اقتصاد این کشور می‌تواند در کوتاه‌مدت بر صادرات انرژی ایران تأثیر منفی داشته باشد. اما در حوزه سوخت نیز برتری ایران در تأمین بنزین و گازوئیل افغانستان همچنان پابرجا خواهد بود که یک مزیت استراتژیک برای ایران محسوب می‌شود.

■ نگاهی به مبادلات تجاری با افغانستان

نگاهی به تاریخچه مبادلات تجاری میان ایران و افغانستان نشان می‌دهد که هرچند میزان صادرات ایران به افغانستان از اواخر دهه نود به این سو، و در واقع در تمام طول دوران حضور نیروهای ائتلاف در این کشور، به طور متوسط سالانه با این حال، ۲۹.۸ درصد رشد داشته و از ۱۴.۵ میلیون دلار در سال ۱۹۹۷ به ۳.۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۸ رسیده است. باید توجه داشت که از یک منظر استراتژیک، روابط تجاری ایران با افغانستان بازتاب کاملی از تغییرات در دو مؤلفه بود: تولید ناخالص داخلی ایران و تحریم‌های بین‌المللی.

صادرات ایران به افغانستان با افزایش تولید ناخالص داخلی پس از امضای برجام حد فاصل سالهای ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷، رشد کرده است و با آشکار شدن آثار خروج دولت امریکا از برجام در سال ۲۰۱۸ و اعمال دوباره تحریم‌ها، در ۲۰۲۰ GDP به کمتر از نصف سال ۲۰۱۶ کاهش یافته و صادرات ایران به افغانستان نیز تقریباً به میزان یک سوم کم شده است. باید توجه داشت که این کاهش با وجود توسعه در بخشی از حوزه‌های مبادلات تجاری میان دو کشور بوده است و علیرغم برنامه‌های موجود برای ایجاد بازارچه‌های مرزی و افزایش سرمایه‌گذاری ایران در خطوط تولیدی صنایع متوسط و



ترانزیت می‌کند.

نکته مهم دیگر، اینکه افغانستان به لحاظ سوخت و نیازهای نفتی و محصولات مرتبط و همچنین از نظر محصولات غذایی و کالاهای بسیار به ایران وابسته است و هیچ جایگزینی در کوتاه مدت ندارد. البته باید این را در نظر داشت که رهبران افغانستان ارتباط خوبی با پاکستان، قطر، عربستان و امارات دارند به هیچ وجه ما نباید با تعارض با طالبان روابط خود را با اعراب منطقه تیره تر کنیم برعکس برقراری ارتباط با عربستان بسیار مهم است و می‌تواند بروی روابط ما با عربستان به شدت اثرگذار باشد.

■ دو مساله نگران کننده

در این میان اما دو مساله وجود دارد که ممکن است که به ضرر ما تمام شود؛ نخست اینکه با روی کار آمدن دوباره طالبان در افغانستان بحث خط لوله گاز ترکمنستان - افغانستان - پاکستان - هند، مشهور به «TAPI» بار دیگر مطرح شده است؛ ساخت بخشی از خط لوله گاز تا پی پیش از سقوط کابل به دست طالبان آغاز شده بود، خط لوله‌ای که گاز ترکمنستان را از خاک افغانستان به پاکستان و هند می‌رساند. حال از آنجایی که پاکستان سالهاست به دنبال این است که از طریق افغانستان گاز خود را تأمین کند، اجرای آن ممکن است، موجب شود که طرف پاکستانی و هندی به ادامه همکاری با ایران در موضوع پروژه خط لوله صلح بی میل شوند، که در اینصورت، این موضوع به نوعی تهدیدی برای ایران به حساب می‌آید.

مساله نگران کننده دیگر، «طرح لاجورد» ترکیه است که افغانستان را از طریق ترکمنستان، جمهوری آذربایجان و گرجستان به دریای سیاه و در نهایت از مسیر ترکیه به دریای مدیترانه و اروپا متصل می‌کند. این در حالی

پیامدهای ظهور طالبان بر جایگاه ایران در افغانستان

فرشته فریدرس - دنیای انرژی

■ پارامترهای اثرگذار در تجارت با طالبان

باکنار رفتن دولت فاسد و ضد ایرانی اشرف غنی و تسلط طالبان بر افغانستان، همچنان این نگرانی وجود دارد، که روابط اقتصادی تهران و کابل به کدام سو می‌رود و آینده تجارت با این کشور چه سرنوشتی پیدا خواهد کرد؟ برای پاسخ به این پرسش، اولین موضوعی که قابل طرح است اینکه دولت «اشرف غنی» گرایش چندانی به روابط گسترده با ایران نداشت و تلاش می‌کرد که کشورهای دیگر را جایگزین ایران در بازارهای افغانستان کند. از همین رو، کارکردن فعالان اقتصادی ایران در آن بازه زمانی به دلیل سخت گیری‌های دولت «غنی» سخت و دشوار بود. حال اگر از این منظر نگاه کنیم، با روی کار آمدن طالبان، فرصتی فراهم شده تا بتوان روابط تجاری خود را با این کشور گسترش داد؛ چراکه طالبان در همان گام نخست، تعرفه‌های گمرکی را برای کشورهای همسایه به شدت کاهش دادند و فساد گمرکات تا حد زیادی تقلیل پیدا کرد. همین امر موجب شد تا صادرات فرآورده‌های نفتی، مواد غذایی و مصالح ساختمانی از مبدا ایران با شیب تندتری به کشور افغانستان صورت گیرد. بنابراین روی کار آمدن طالبان از نقطه نظر اقتصادی تا اینجای کار به نفع ایران و فعالان اقتصادی بوده است. در همین مدت، رایزنی‌ها و مذاکراتی نیز بین فعالان اقتصادی دو کشور برای توسعه و تسهیل تجارت فی مابین انجام شده است. اما اینکه آینده روابط اقتصادی و تجاری کشور در دوران طالبان به چه نقطه‌ای می‌رسد، آیا همین سطح از روابط اقتصادی و سیاسی حفظ می‌شود یا دچار چالش می‌شود، واقعا مشخص نیست و در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

■ وابستگی افغانستان به ایران از چند منظر

از سوی دیگر، در حال حاضر سیاستی که ایران در پیش گرفته این است که در امور افغانستان دخالتی نداشته باشد و تنها طالبان را به تشکیل دولت موقت و حفاظت از شیعیان و هزاره‌ها تشویق کرده است. از آنسو، طالبان هم برای اینکه بتواند تایید نهادهای بین‌المللی را به دست بیاورد، فعلا سیاست مدارا کردن با همسایگان را در پیش گرفته است. البته ذکر این نکته ضروری است که افغانستان در بحث ترانزیت کالا و مواد غذایی به شدت به ایران وابسته و نیازمند است. چراکه یک کشور لاک‌لند است و به آبهای آزاد دسترسی ندارد. بنابراین ناگزیر است که از مسیر ایران و پاکستان یا از مسیر ازبکستان و ترکمنستان اقدام کند، که با توجه به اینکه این کشورها نیز خودشان به آبهای آزاد دسترسی ندارند، اغلب کالاهای وارداتیش را از طریق ایران

کوچک افغانستان و نیز توافق چابهار میان ایران، هند و افغانستان، در پی خروج آمریکا از برجام این رقم در سال ۱۳۹۹ به حدود ۱٫۷ میلیارد دلار کاهش یافت. در همین دوره واردات ایران از افغانستان از حدود ۲۰ میلیون دلار در سالهای ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ با ۵۰ درصد کاهش در سال ۱۳۹۷ روبه رو شد و در سال ۱۳۹۹ به اندکی بیش از ۴ میلیون دلار رسید. بنابراین، این نکته به لحاظ استراتژیک اهمیت زیادی دارد و در سطح سیاستگذاری نیازمند حداکثر توجه است که مهمترین مؤلفه ها در روابط اقتصادیِ ایران و افغانستان، کما بیش مستقل از دولت مستقر در کابل عمل می کنند و همانا عبارت از ظرفیت اقتصادیِ داخلی (تولید ناخالص داخلی) و روابط خارجی کشور به طور عام است. به عبارت دیگر، مهمترین گام برای حفظ روابط بازرگانی ایران و افغانستان، پیگیریِ سیاست تنش زدایی و مذاکره با بازیگران رقیب، بالا بردن آستانهٔ تحریم پذیریِ کشور و ارتباط منسجم و پیوسته با اقتصاد جهانی است.

بررسی آمارهای گمرک ایران نشان می دهد که سهم پایانه های مرزی ایران و افغانستان از کل مبادلات تجاری دو کشور اندک است؛ به طوری که سهم این پایانه ها از سال ۱۳۹۵ تا پایان ۱۳۹۹، هرگز از ۳۰ درصد بیشتر نشده است. بنابر آمارها ارزش دلاری صادرات ایران به افغانستان از چهار گمرک مرزی دوغارون، منطقه ویژه دوغارون ، میلک و ماهیرود در سال گذشته (۹۹) برابر با ۳۵۵میلیون و ۹۷۹ هزار دلار بوده است. علیرغم محدودیت های ناشی از تحریم ها علیه ایران، افغانستان بازار مناسبی برای کالاهای صادراتی ایران محسوب می شود؛ در سال ۱۳۹۱، حدود نیمی از مجموعه کالاهای ایرانی حاضر در بازارهای جهانی، به بازار افغانستان راه یافته است. این مسئله سبب شد تا در سال ۱۳۹۵ ایران به بزرگترین شریک تجاری افغانستان بدل شود و ۱۴٫۵ درصد از کل واردات افغانستان را به خود اختصاص دهد.

■ وضعیت رقبای ایران در افغانستان

با این حال اگرچه پاکستان از سال ۲۰۱۶ جایگاه نخست خود در صادرات کالا به افغانستان را به ایران واگذار کرد، با در نظر گرفتن تجارت غیررسمی میان دو کشور احتمالاً همچنان بزرگترین شریک تجاری افغانستان محسوب می شود. علاوه بر اختلافات سیاسی و امنیتی افغانستان و پاکستان، موانع بروکراتیک از جمله دلایل مهم کاهش حجم تجارت رسمی میان دو کشور بوده است.موضوع حائز اهمیت در اینجا این است که ایران نسبت به رقبای جدید در افغانستان، یعنی «پاکستان، امارات و ترکیه»، از مزیت نسبی برخوردار است و به نظر نمی‌رسد در کوتاه مدت و میان مدت، افزایش حضور و تأثیر این بازیگران در صحنهٔ سیاسی افغانستانِ جدید چالش جدی برای بازار ایران در این محصولات به وجود بیاورد. در مجموع، با عنایت به موارد شرح داده شده در بالا به نظر میرسد که با به قدرت رسیدنِ دولتِ جدید در کابل، در کوتاه مدت مشکلاتی برای مبادلات تجاری میان دو کشور به وجود خواهد آمد، ولی در میان مدت و بلند مدت، اولاً به وضعیت کلی اقتصاد ایران و تحریم ها و ثانیاً به شکل و ماهیت نقش آفرینیِ چین بستگی خواهد داشت. مشکلات کوتاه مدت عمدتاً ناشی از شوک های پایان

حضور نیروهای خارجی در افغانستان و پیامدهای آن بر اقتصاد افغانستان است. چند مسئله در کوتاه مدت قابل ملاحظه است. نخست، در حوزهٔ ارزی. پیش از تسلط طالبان بر کابل، گزارش ها حاکی از انتقال روزانه ۵ میلیون دلار از افغانستان به ایران بوده اند. با توجه به محدودیت های بین المللی برای دسترسی طالبان به ارزهای پرمبادله، اولاً قیمت ارز در ایران تأثیر قرار خواهد گرفت و ثانیاً، توقف ورود دلار به افغانستان سبب افزایش تورم در افغانستان خواهد شد. به دنبال بالا رفتن قیمت‌ها، تقاضای کسب و کارها و مصرف‌کنندگان افغانستانی، از جمله برای محصولات ایرانی کاهش خواهد یافت. در سال‌های اخیر قیمت پایین کالاهای ایرانی به واسطه سقوط ارزش پول ملی ایران، سبب شده بود تا تقاضای بالایی در جامعه افغانستان برای کالاهای ایرانی وجود داشته باشد؛ یا این حال میتوان انتظار داشت که درکوتاه مدت، به واسطه پیامدهای ناشی از انتقال قدرت در افغانستان، با کاهش تقاضا در جامعه افغانستان روبه رو باشیم و این شامل کالاهای مصرفی صادراتی ایران به افغانستان که سهم ۴۰ درصدی از صادرات به این کشور را دارند، نیز خواهد شد.

■ انرژی

حوزه دیگری که در روابط اقتصادی ایران و افغانستان حایز اهمیت است و از پیامدهای تحولات استراتژیک اخیر در کابل متأثر خواهد شد، صادرات انرژی ایران به افغانستان است. ارزیابی ها نشان می دهد، طی بازهٔ زمانی ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ یک فاصلهٔ ۳٫۷ تا ۵ میلیارد کیلو وات بر ساعتی میان تولید و مصرف برق در این کشور وجود داشته است. بنابرآمارها، افغانستان بیش از ۸۰ درصد برق مورد نیاز خود را از طریق واردات تأمین می کند. در این میان سهم ایران از بازار برق افغانستان حدود ۲۱ درصد است و از این نظر سومین تأمین کننده برق این کشور، پس از ازبکستان (۳۵٫۲ درصد) و تاجیکستان (۳۰٫۵ درصد) و بالاتر از ترکمنستان (۱۳٫۴ درصد) به شمار می رود. بررسی های بانک توسعه آسیایی، علیرغم پیشرفت‌ها در زمینه توسعه شبکه برق در افغانستان، در سال ۲۰۲۰ تنها حدود ۳۴ درصد از جمعیت این کشور به شبکه سراسری برق متصل بودند. تاجیکستان، یکی از بزرگترین تولیدکنندگان و صادرکنندگان برق در منطقه که طی سال‌های

	مهمترین گام برای حفظ روابط بازرگانی ایران و افغانستان، پیگیریِ سیاست تنش زدایی و مذاکره با بازیگران رقیب، بالا بردن آستانهٔ تحریم پذیریِ کشور و ارتباط منسجم و پیوسته با اقتصاد جهانی است
	

اخیر تأمین حدود ۳۰ درصد از برق وارداتی به افغانستان را بر عهده داشته است، یکی از نخستین دولت هایی بود که به شکل علنی به حضور طالبان در کابل واکنش نشان داد و بر اساس برخی گزارش‌ها، تعداد زیادی از نظامیان و مقام‌های دولت سابق را هم در خاک خود اسکان داده است. ازبکستان و ترکمنستان هم هرچند مواضع منعطف تری در پیش گرفته اند، به نظر نمی رسد اراده و منافع لازم در شکل دهی به یک رابطهٔ استراتژیک و پایدار با یک امارت اسلامی در کابل را داشته باشند.

بنا بر توضیحاتِ بالا، این چشم انداز که تغییر صحنهٔ سیاسی در افغانستان و به ویژه تغییر موازنهٔ استراتژیک نیروهای منطقه ای در افغانستان منجر به خلل در مزیت های ایران برای صادرات برق به منطقه شود، چندان امکانپذیر نیست. حتی برعکس، این احتمال وجود دارد که تاجیکستان برای اعمال فشار بر دولت مرکزی در کابل، صادرات برق به این کشور را قطع کند و این امر، یک شکاف میان تقاضا و عرضه برق در افغانستان پدید بیاورد که میتواند یک فرصت بالقوه برای ایران باشد تا در صورت افزایش ظرفیت تولید بعد از رفع تحریم ها، سهم خود از بازار مصرف برق افغانستان را افزایش دهد.

■ چند نکته مهم

با این حال توجه به چند نکته ضروری است؛ نخست، با توجه به اینکه برق صادراتی ایران به افغانستان منحصراً در ولایات هرات و نیمروز مصرف می شود، که حتی در صورت تمایل ایران به بهره گیری سیاسی از صادرات برق به افغانستان، عمدتاً گروه‌هایی از جمعیت افغانستان تحت فشار قرار می گیرند که به شکلی تاریخی به ایران نزدیک بوده و به همین دلیل هم به حاشیه جامعه افغانستان رانده شده اند و قاعدتاً، یک امارت اسلامی انگیزه های کمتری برای حمایت از آنها را خواهد داشت. به عبارت دیگر، صادرات برق ایران به افغانستان ظرفیت محدودی برای تبدیل شدن به یک کالای استراتژیک را خواهد داشت. دوم، حداقل در کوتاه مدت، از یک سو به واسطه قطع کمک های ایالات متحده و اتحادیه اروپا و از سوی دیگر به دلیل مهاجرت بسیاری از شهروندان افغانستان، اقتصاد این کشور کوچک خواهد شد. این امر در کنار اختلال در جریان ورود ارز به افغانستان، افزایش تورم و ضعف کلی اقتصاد و کسب و کارها به دلیل وضعیت آشوب و عدم قطعیت فعلی، بر توانایی جذب کالاهای ایرانی در بازار افغانستان، از جمله در حوزهٔ تقاضا برای انرژی و برق تأثیر منفی خواهد داشت.

■ صادرات سوخت

موضوع دیگر در روابط اقتصادیِ ایران و افغانستان در حوزهٔ انرژی، صادرات سوخت به این کشور است. در این بخش ایران بازم مزیت‌های زیادی دارد و به نظر نمی‌رسد که دگرگونی‌ها در عرصهٔ استراتژیک، روابط دو

کشور در این حوزه را با چالش خاصی مواجه کند. بنابرآمارها صادرات سوخت به افغانستان، ۴۲ درصد از کل صادرات ایران به این کشور در سال ۲۰۱۹ را شامل می‌شده و این میزان شامل ۲۷٫۴ درصد از کل واردات سوخت افغانستان بوده است. هرچند این میزان نسبت به سهم ایران از بازار سوخت افغانستان در سال ۲۰۱۵ تقریباً نصف شده است، اما می توان گفت که اعمال دوبارهٔ سیاست‌های تحریمی در دوران بعد از خروج دولت ترامپ از برجام عامل مهمی هم در کاهش صادرات بوده و هم اینکه باعث شده بخشی از صادرات سوخت از طریقِ مجاریِ غیررسمی صورت گرفته و آمار آنها دقیق نباشد.

طی سالهای گذشته صادرات اصلی ایران به افغانستان بنزین و گازوئیل بوده است؛ طی دوره می ۲۰۲۰ تا می ۲۰۲۱ حجم صادرات سوخت از ایران به افغانستان معادل ۴۰۰ هزارتن بوده است. در همین راستا، در سال ۲۰۱۵ ایران و افغانستان در چارچوب معاهده دوجانبه یک قرارداد تجاری به ارزش ۵۰ میلیون دلار امضا کردند که بر اساس آن افغانستان میتواند سالانه یک میلیون تن گازوئیل از ایران وارد کرده و واردات گاز مایع LPG را تا ۲۰۰ هزار تن افزایش دهد. هرچند تضمینی برای رعایت توافق های دولت پیشین از سوی طالبان وجود ندارد، اما مزیت های استراتژیک ایران در صادرات سوخت به افغانستان سبب شده، که در همان ابتدای کار و پس از تسلط بر کابل، طالبان خواستار از سر گرفته شدن صادرات سوخت از ایران که به دلیل شرایط و اوضاع و احوال متوقف شده بود، شدند. در همین راستا طالبان قصد دارد تعرفه واردات LPG، بنزین و گازوئیل از کشورهای همسایه را تا ۷۰ درصد کاهش دهد.

■ چند عامل در صادرات سوخت

در مجموع چند عامل باعث شده‌تا در حوزهٔ تجارت سوخت نیز مانند برق، روابط ایران و افغانستان به طور نسبی تأثیر محدودتری از تحولات استراتژی در افغانستان و در منطقه بپذیرد. نخست اینکه با توجه به برخی از مواضع دولت طالبان که در بالا به آن اشاره شد، به نظر می‌رسد که طالبان در دور جدید به قدرت رسیدن پس از نیروهای خارجی، برداشت معقول تری از الزامات دولت و ادارهٔ جامعه داشته باشند و از همین رو، نیازها و ضرورت های اقتصادی جامعه از قبیل تأمین سوخت را در دستور کار قرار داده باشد. ثانیاً وضعیت ایران در عرصهٔ سوخت حتی در مقایسه با جایگاه آن در عرصهٔ برق در منطقه هم آسیب پذیری کمتری دارد. به جز ترکمنستان، دیگر همسایگان افغانستان منابع زیرزمینی محدودی در حوزهٔ نفت و گاز دارند و هیچکدام توان تولیدی و صادراتیِ لازم برای به چالش کشیدن بازار ایران در افغانستان را ندارند. همچنین، به علت اینکه افغانستان یک کشور محصور در خشکی است، بازیگران فرامنطقه ای این حوزه، از جمله کشورهای جنوب خلیج فارس، امکان رقابت با ایران را نخواهند داشت.

	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹
صادرات به افغانستان	۲/۱۵۶/۳۱۵/۹۸۹	۲/۷۹۱/۲۵۹/۱۱۰	۲/۹۲۶/۶۶۱/۵۸۱	۰۰۰۰	۱/۷۱۹/۶۴۲/۳۲۹
واردات به افغانستان	۲۱/۶۴۲/۴۱۰	۲۰/۳۹۸/۲۲۶	۱۰/۹۳۰/۸۶۳	۰۰۰۰۰	۲/۱۷۲/۸۰۱



تورم در قله ۴۵ درصدی و دلاری که کانال سی هزار تومان را فتح کرده است. صعود شاخصهایی چون «نقدینگی، تورم، بیکاری و ...» و در مقابل سقوط «رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری و تبادلات تجاری»، اقتصاد ایران را در وضعیت خطرناکی قرار داده است. تله تحریمها که آستانه تحمل اقتصاد را پایین آورده و برجامی که بنگاه‌ها را در یک فضای نااطمینانی حبس کرده است؛ یا صنعتی که از رونق افتاده و تجارتی که با تهاوت‌گره خورده است؛ همه اینها نشانه‌هایی از حال ناخوش اقتصاد ایران است. دیگر نه از فروش میلیونی بشکه‌های نفتی خبری است، نه از وفور درآمدهای ارزی. آنچه این روزها با آن مواجه‌ایم؛ آینده مبهم بازارهاست.

■ اقتصاد به روایت اعداد

اقتصاد ایران در یک دهه اخیر با چالش جدی چون تحریم روبرو بوده است؛ موضوعی که اثرش را میتوان در «کسری شدید بودجه، تورم بالا و جهش نرخ ارز در بازار» دید. به طوریکه میانگین تورم در سه سال اخیر حدود ۴۰ درصد بوده، این درحالی است که تورم

دسترسی به منابع ارزی و افزایش صادرات، نباید باعث شود که همان سیاست‌های ارزی‌پاشی و سرکوب نرخ ارز را دنبال کنیم؛ زیرا منجر به افزایش واردات و از بین رفتن تولید می‌شود و صادرکننده‌ها هم نمی‌توانند به رقابت بپردازند و در نهایت موجب آسیب به چرخه تولید و اقتصاد داخلی خواهد شد

شدن نرخ سرمایه‌گذاری (نرخ تشکیل سرمایه ثابت ناخالص، در سال ۹۷ منفی ۱۲.۳ و در سال ۹۸ منفی ۵.۹ درصد و در مجموع ۲ سال حدود ۱۷.۵ درصد رشد منفی داشته است) و بیکاری بالای ۱۱ درصد و کاهش میزان تجارت به حدود ۸۰ میلیارد دلار و ... ؛ وضعیتی که سبب شد تا بانک جهانی میزان تولید ناخالص داخلی ایران را از ۴۹۰ میلیارد دلار سال قبل به ۱۹۲ میلیارد دلار (تنزل رتبه از ۲۳ به ۵۱ در جهان) کاهش دهد تا تصویری واقعی‌تری از اقتصاد ایران ترسیم کند. حال آنکه پیش‌بینی نهادهای اقتصادی داخلی همچون پژوهشکده آمار از رشد ۳.۴ درصدی در سال جاری خبر می‌دهد و یا پیش‌بینی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول که از رشد ۲.۵ تا ۳ درصدی و تورم بین ۲۵ تا ۳۰ درصدی حکایت دارند. اما به گفته حسین حقگو، کارشناس اقتصادی، واقعیت امر آن است که سلطه چند دهه مدل اقتصادی «خودکفایی» و «جایگزینی واردات» عملاً بنیه‌های اقتصادی کشور را به شدت تحلیل برده و عمده بار تولید و رشد اقتصادی را بر دوش فروش و صادرات نفت، مواد نفتی و محصولات منبع محور نهاده است. چنانکه علاوه بر آنکه

سهم ارزش افزوده صنعتی کشور در فاصله دهه ۷۰ تا ۹۰ در مجموع روندی نزولی را طی کرده و از ۱۹.۹ درصد در سال ۱۳۷۰ به ۱۵.۳ درصد در سال ۹۳ کاهش یافته است. همچنین براساس گزارش سال ۹۷ موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، کفه تولیدات صنعتی در طی این مدت بشدت به ضرر صنایع ساخت محور و کشاورزی پایه (غذایی و نساجی) و به نفع صنایع متکی به مواد خام معدنی و انرژی سنگینی کرده است. چنانکه سهم صنایع متکی به دانش فنی و منابع کشاورزی به ترتیب از ۱۲ درصد و ۳۸ درصد به ۱۰.۸ درصد و ۱۶.۵ درصد در سال ۹۳ سقوط کرده است. در حالی که در این مدت سهم صنایع هیدروکربوری به سرعت رشد کرده و از ۱۲.۵ درصد در سال ۸۳ به ۳۸.۵ درصد در سال ۹۳ رسیده است. رابطه مبادله صنعت با سایر بخشهای اقتصادی نیز از ۱.۲۱ در سال ۱۳۷۴ به ۰.۹۳ درصد در سال ۹۵ کاهش یافته که معرف نزول ارزش محصولات صنعتی در نسبت با محصولات سایر بخشهای اقتصادی است. بنابراین این ساختار و سیاست اقتصادی مبتنی بر صادرات مواد خام و نیمه فرآوری شده از یک سو و حجم عظیم یارانه‌ها (آخرین رقم اعلامی ۱۶۰۰ هزار میلیارد تومان طبق گزارش تفریغ بودجه) و محدود شدن صنایع به بازار داخلی و بسته و یا نیمه بسته بودن مرادات و تعاملات با جهان جهت جذب سرمایه و دانش فنی و... حال و رمقی برای خروج از این دایره بسته برای بازیگران اصلی اقتصادی یعنی «خانوار، بنگاه، دولت و نظام بانکی» نگذاشته است. حالا هم در این دایره بسته تمام نگاهها به مذاکرات هسته‌ای در وین دوخته شده، تا احیاناً با تفاهماتی در رفع یا کاهش تحریم‌ها، «امکان افزایش صادرات نفت، آزاد شدن منابع بلوکه شده، کاهش ریسک‌های اقتصادی، افزایش تبادلات تجاری و نقل و انتقال پول» فراهم شود و جان تازه‌ای در پیکره اقتصاد کشور دمیده شود.

با این حال، اما تحلیل داده‌های اقتصادی به ما میگوید که ایران در یک پیچ خطرناکی قرار

دارد؛ تورم نزدیک به ۵۰ درصد و رکودی که بر اقتصاد حاکم است. به‌طوریکه صاحب‌نظران اقتصادی می‌گویند اگر همین شرایط نااطمینان کنونی بر کشور حاکم باشد و مذاکرات برجامی به عقب بیافتد یا به صورت فرسایشی دنبال شود؛ دود آن به چشم اقتصاد می‌رود. چراکه اگر سایه تحریم‌ها همچنان بر اقتصاد ایران سنگینی کند، کسری بودجه و رکود تورمی در نیمه دوم امسال تشدید می‌شود. حال از آنجایی که دست دولت خالی است و منابع لازم را در اختیار ندارد، ناچار به چاپ پول و استقراض از بانک مرکزی می‌شود. در این صورت، نقدینگی و پایه پولی تقویت می‌شود؛ این یعنی تورم بیشتر و افسار گسیخته‌ا! از این رو، ادامه این شرایط باعث از هم پاشیدگی زیادی خواهد شد، که دامنه تحمل اقتصاد را کاهش می‌دهد.

■ مساله اصلی چیست؟

بی‌شک اما مسئله اصلی که در اینجا مورد توافق بسیاری از اقتصاددانان و کارشناسان اقتصادی است بحث تحریم‌ها است، تحریم‌های بین‌المللی و تحریم‌های امریکا که ماهیت اقتصادی هم دارد شرایط را خیلی سخت کرده است. از این رو، می‌توان گفت که در شرایط کنونی اثرات آن به مراتب نسبت به دوره‌های قبل و سال‌های قبل بیشتر است. چون اگر بخواهیم دنبال تامین منابع مالی برای برطرف کردن کسری بودجه باشیم (به ویژه در نیمه دوم)، راه و چاره‌ای نیست جز نشر پول، چاپ پول و استقراض از بانک مرکزی دولت؛ که در

وجود مذاکرات اگر سر بگیرد مقداری از تنشها، انتظارات تورمی و انتظارات به اصطلاح ناهمگون را کم می‌کند، بار روانی را از اقتصاد برمی‌دارد؛ چون یک شرایط خوش بینانه‌ای پیش می‌آید؛ به ویژه در بازار مالی و در بازار ارز این اتفاق می‌افتد و تحت این سناریو طبیعتاً نرخ تورم میتواند قابل کنترل شود و روند نزولی به خودش می‌گیرد.

این شرایط تورم‌زا است؛ شرایط انبساطی به وجود می‌آورد، تورم را تشدید و پایه پولی را تقویت می‌کند؛ به واقع یک دور و تسلسل باطلی به وجود می‌آید که دامن‌گیر اقتصاد، فعالان اقتصادی و مردم می‌شود و شرایط سنگین‌تر و سخت‌تری را به وجود می‌آورد. از این رو، به گفته سیدکمال طبیبی اقتصاددان، برای نیمه دوم سال عمدتاً میتوان دو سناریو ترسیم کرد؛ یک سناریو با پابرجا بودن تحریمها و سناریوی دیگر، لغو تحریمهاست. حال اگر تحریمها همچنان سر جای خودش باقی بماند، ما باید انتظار همین روند تورمی را با نرخ‌های فزاینده داشته باشیم. به عبارتی دیگر، انباشت تورم به وجود می‌آید و تورم روی تورم باعث میشود که ما نرخ تورم بالاتری را تجربه کنیم. با توجه به اینکه کسری بودجه هم تشدید میشود، هزینه‌ها و پرداخت‌های دولت به واسطه هزینه‌های ناشی از تورم بسیار افزایش پیدا کرده است. علاوه بر اینکه انحراف منابع هم اتفاق می‌افتد یعنی دوباره بحث نقدینگی و رشد نقدینگی مطرح میشود، این رشد نقدینگی در این شرایط به سمت تولید نمیرود و به سمت کارهای واسطه‌گری، دلالی و خدمات غیرمولد منعطف میشود که این تورم‌زا است و مسائل و مشکلات خودش را به وجود می‌آورد. به گفته این اقتصاددان، موضوع اصلی در اینجا کنترل تورم است، کنترل تورم که اتفاق بیافتد میشود راههایی را برای درمان و تامین منابع کسر بودجه در نظر گرفت و اقتصاد از رکود خارج شود. آن هم مستلزم این است که سناریو

دوم نیز مدنظر قرار گیرد و به طور جدی پیگیری شود. در سناریوی دومی که طیبی تشریح می کند: باید برای رفع تحریم‌ها در یک مسیر درست تلاش شود و اینکه در چهارچوب مذاکرات قابل طرح است، وجود مذاکرات اگر سر بگیرد مقداری از تنش‌ها، انتظارات تورمی و انتظارات به اصطلاح ناهمگون را کم می کند، بار روانی را از اقتصاد برمی دارد؛ چون یک شرایط خوش بینانه‌ای پیش می‌آید؛ به ویژه در بازار مالی و در بازار ارز این اتفاق می افتد و تحت این سناریو طبیعتا نرخ تورم میتواند قابل کنترل شود و روند نزولی به خودش می گیرد. از سوی دیگر، روابط اقتصادی برقرار و تجارت رونق می گیرد و در نهایت درآمدهای ارزی کشور افزایش می یابد.

■سناریوی خوش بینانه

حال براساس سناریوی احیای برجام، فروش نفت و درآمدهای ارزی حاصل از آن، میتوان پیشبینی کرد که عرضه ارز افزایش و به دنبال آن نرخ دلار کاهش پیدا میکند. نرخ ارز یکی از مهم ترین و موثرترین متغیرهای اقتصادی است و بیانگر شرایط اقتصادی کشور و یک عاملی برای مقایسه بین اقتصاد ملی و اقتصاد دنیا است. همچنین تاثیر مهم دیگری هم بر متغیرهای اقتصادی همچون تورم، اشتغال، صادرات و واردات دارد. در واقع یکی از مسائل مهمی که دولت با آن مواجه است، کنترل نرخ ارز و ایجاد یک فضای مناسب اقتصادی است، برای اینکه تولید داخلی را بتوانیم حفظ کنیم و از افزایش تورم جلوگیری شود و در نهایت فراهم کردن شرایط ورود سرمایه گذاران خارجی به کشور است. نوسان شدید نرخ ارز در واقع عدم تعادل و بی ثباتی در اقتصاد کشور را نشان می دهد و فعالیت بنگاه های اقتصادی را با ریسک های مهمی مواجه می سازد. در حقیقت جریان مالی بنگاه های اقتصادی را تحت تاثیر خودش قرار می دهد. البته کنترل نرخ ارز با قیمت گذاری نرخ ارز متفاوت است. به عبارتی، باید شرایط را پیش‌بینی‌پذیر کرد.

البته دولت به عنوان بزرگترین عرضه کننده ارز در بازار میتواند نرخ دلار را سرکوب و کاهشی کند، که این اقدام اثر منفی خودش را بر اقتصاد خواهد گذاشت؛ هم سبب خروج ارز و سرمایه از کشور شده و هم تولید نیز از این محل آسیب میبیند. به عبارتی دیگر، با دستکاری نرخ ارز، امتیاز و یارانه‌ای برای تولیدکننده خارجی خواهد بود. واردات توجیه بیشتری پیدا کرده و صادرات از رونق می افتد. بنابراین بهترین مکانیزم مدیریت بازار ارز، همان مکانیزم عرضه و تقاضا است؛ یعنی کشف قیمت از طریق بازار.

گروهی دیگری هم از تحلیلگران هستند که آینده دلار را منوط به توان صادرات نفت ایران میدانند؛ زیرا بسیاری از متغیرهای اقتصادی که اکنون اقتصاد ایران با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند با روندهای تاریخی خود همخوانی دارند، تنها تفاوت ماجرا صادرات نفت است. محاسبات این گروه نشان از این دارد که با صادرات بیش از دو میلیون بشکه نفت در روز قیمت دلار می‌تواند بین ۱۵ تا ۱۸ هزار تومان قرار بگیرد. صادرات نفت در محدوده یک‌میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه تا یک‌میلیون و ۸۰۰ هزار قیمت دلار را تا محدوده ۲۰ هزار تومان پایین خواهد آورد و حتی احتمال کاهش به زیر این مرز نیز وجود دارد. گرچه در این سناریو بعید است از قیمت دلار از ۱۸ هزار تومان پایین‌تر رود. البته با روند کنونی صادرات، قیمت دلار در محدوده ثبت‌شده در آخر سال نوسان خواهد کرد.

■تنها راه مهار تورم

در همین حال حسین سلاح ورزی نایب رئیس اتاق بازرگانی ایران میگوید: تمامی دولتهایی که تاکنون سرکار آمده‌اند، به دلارهای نفتی عادت کرده و آن را خیلی ارزان در اختیار متقاضیان قرار داده‌اند. اما حالا هم که دیگر از آن درآمدهای نفتی خبری نیست و دوره خشکسالی ارزی را سپری میکنیم، سیاستگذار پولی و دولتمردان همچنان سیاست توزیع دلار ارزان را در دستور کار



دارند؛ غافل از اینکه با در پیش گرفتن چنین

سیاستی است، که نرخ دلار طغیان کرده است.

از این منظر، حسین سلاح ورزی با در نظر دو

سناریوی احیای برجام یا شکست آن، به پیش

بینی آینده دلار می پردازد و آینده چندان

روشنی برای اسکناس آمریکایی متصور نیست.

او همچنین معتقد است، تحریمها و به تبع آن

کاهش درآمدهای نفتی و صادراتی موجب شده

تا دولت برای جبران کسری بودجه، دست در

اقتصاد را اداره کرد، بیافتد.

فریال مستوفی دیگر فعال اقتصادی هم درباره اینکه نرخ دلار درچه مسیری قرار می گیرد، اینطور

میگوید: آینده دلار بستگی به سیاست‌های دولت و وضعیت منابع ارزی کشور دارد، اما بازار ارز

هم مثل سایر بازارها چشم به مذاکرات برجامی دوخته است؛ چنانچه برجام احیا شود، دلار در

مسیر کاهشی قرار می گیرد، اما افت آن به پایین کانال ۲۰هزار تومان بعید است. به گفته مستوفی،

حال چنانچه مذاکرات برجامی به بن بست برسد، پیش‌بینی‌ها از این حکایت دارد که دلار رقمهای

بالاتری را به خود خواهد دید. این فعال اقتصادی تاکید میکند با در نظر گرفتن هر دو سناریو،

دولت نباید در بازار ارز دخالتی داشته باشد و اجازه بدهد که نرخ ارز را عرضه و تقاضا تعیین کند.

بنابه اظهارات مستوفی، دولت نباید به صورت دستوری اقدام به تصمیم‌سازی کند و تنها باید ناظر

بر بازار باشد.

■دلار از درپچه وین

آنچه مشهود است اینکه دولت در سالهای اخیر در نتیجه افزایش نرخ تورم با هزینه‌های رو به رشدی مواجه بوده است؛ به خصوص هزینه‌هایی که دولت در قالب یارانه‌های پنهان و حامله‌ای انرژی به آنها پایبند است و در سطح کلان دولت، روز به روز در حال بدهکارتر شدن است. این خود به تنهایی به افزایش رشد نقدینگی و آثار تورمی آن دامن میزند. از سوی دیگر، برخی تحلیلگران می گویند، اقتصادی که ۴۰ درصد تورم دارد، به طور قطع در همه بخشهای کالا و خدمات فشار تورم احساس میشود و در بازار ارز نیز پیش از این قابلیت تثبیت نرخ در دوره‌های طولانی مدت وجود داشت، اما حالا به دلیل رشد فزاینده کسری بودجه دولت، افزایش افسارگسیخته نقدینگی، کاهش امکانات بانک مرکزی در کنترل بازار ارز دوره‌های تثبیت کوتاه مدت‌تر شده و انتظارها بر این است که بازار ارز کماکان روبه رشد باشد. برخی هم می گویند که نرخ را همواره عرضه و تقاضا و نرخ برابری ارزها تعیین می‌کند. بنابراین تضعیف یا تقویت پول به نرخ تورم آن بستگی دارد.

از این رو، به گفته تحلیل‌گران، هرگاه چشم‌انداز تحریم پیش روی اقتصاد بوده، شاهد اوج‌گیری قیمت‌ها بودیم. با این حال، در این سالها نتیجه مذاکرات، توافق برجام را هم رقم زد. توافقی که با اجرای آن فروش نفت، افزایش صادرات و ثبات اقتصادی و کنترل بازارها را میتوان انتظار داشت. از این رو، برخی اینگونه تحلیل میکنند که با بازگشت ایران و طرفین به برجام، رفع تحریم‌ها موجب کاهش انتظارات تورمی و به دنبال آن کاهش قیمت دلار در بازار ارز خواهد شد. با نگاه به همین مسائل، دسته‌ای از معامله‌گران باور دارند، بازار بیشتر به اخبار مذاکرات واکنش نشان خواهد داد. از نگاه آن‌ها اگر مذاکرات به نتیجه مثبتی برسد، قیمت دلار با افزایش عرضه شدید مواجه خواهد شد و در صورتی که توافقی صورت نگیرد، تقاضای خفته، بار دیگر به بازار باز خواهد گشت.

اقدام دیگری که باید در دستور کار قرار گیرد اینکه نااطمینانی ها را در فضای کسب وکار به حداقل

برسانیم و شرایط را پیش بینی پذیر کنیم. حتی در شرایط کنونی که امیدوار هستیم تحریم ها

برداشته شود، باید به این نکته مهم توجه داشت که دسترسی به منابع ارزی و افزایش صادرات،

نباید باعث شود که دوباره همان سیاست های گذشته مبنی بر ارزشیابی و سرکوب نرخ ارز را دنبال

کنیم، زیرا آثار مخربی از خود به جای خواهد گذاشت و منجر به افزایش واردات و از بین رفتن

تولید و صادرات می شود و صادرکننده ها هم نمی توانند با رقیبایشان، به رقابت بپردازند و در نهایت

موجب آسیب به چرخه تولید و اقتصاد داخلی خواهد شد. با همه اینها، بهترین گزینه برای مدیریت

اقتصاد و اتخاذ سیاست های ارزی، برداشته شدن تحریم ها است. چراکه اگر تحریم ها رفع نشود،

محدودیت های زیادی در چرخه تجارت ایران ایجاد خواهد شد. از سوی دیگر، دسترسی ایران به

منابع ارزی حاصل از صادرات نفت محدود شده و مشکلات بیشتری برای کشور حادث می شود.

نقش ابزارهای مبتنی بر بازار در مدیریت انرژی و کربن

سیداحسان مرعشی - کارشناس انرژی



مقدمه: بطور کلی، ابزارهای اصلی سیاستی که در تمام دنیا، برای مدیریت انرژی و کربن بکار می‌رود عبارتند از: ابزارهای قانونی، مانند: کدهای انرژی و استانداردها، ابزارهای مبتنی بر بازار، مانند: گواهینامه‌ها (اوراق بهادار) و مالیات بر مصرف، ابزارهای مالی و تشویقی، مانند: تخفیف‌ها و وام‌های کم بهره و اقدامات داوطلبانه، مانند: برنامه‌های صدور گواهینامه و برچسب انرژی و کربن ابزارهای مبتنی بر بازار، از جمله راهکارهایی است که امروزه مورد توجه ویژه در برنامه‌های انرژی و مقابله با تغییر اقلیم کشورهای مختلف قرار گرفته است. بکارگیری گواهینامه‌های قهوه‌ای (برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای)، گواهینامه‌های سبز (با هدف توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر) و گواهینامه‌های سفید (برای بهبود کارایی انرژی) نه تنها دسترسی به اهداف تعیین شده را میسر کرده بلکه به عنوان یک محرک اقتصادی، زمینه ایجاد و توسعه بازار انرژی و محیط زیست را نیز فراهم ساخته است. دریافت انواع مالیات از مصرف‌کنندگان نهایی انرژی و منتشرکنندگان کربن نیز از جمله سیاست‌های شناخته شده در زمینه مدیریت انرژی و کربن می‌باشد.

گواهینامه‌های قهوه‌ای

روش کنترل و تجارت کربن (cap-and-trade)، یک رویکرد بازاری است که با فراهم کردن مشوق‌های اقتصادی برای کنترل و کاهش میزان انتشار مواد آلاینده مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این رویکرد، دولتها محدودیتی

برای میزان خروج مواد آلاینده در نظر می‌گیرند. این محدودیت به شرکتها در قالب مجوز انتشار قابل معامله (گواهینامه قهوه‌ای)، اختصاص داده شده و یا فروخته می‌شود. شرکت اجازه دارد حجم معینی از آلاینده موردنظر را در فضا منتشر کند. هر شرکت باید براساس میزان انتشار خود، مجوز لازم را خریداری کند. میزان کلی این مجوز نباید از میزان سقف تعیین شده تجاوز کند. شرکتی که نیاز دارد تا میزان مجوز خود را برای انتشار مواد آلاینده افزایش دهد باید مجوز شرکتی که میزان انتشار مواد آلاینده آن کمتر است و در نتیجه به مجوز کمتری نیاز دارد را خریداری کند. شکل مقابل ساختار کلی این سیستم را نشان می‌دهد. طبق این شکل، کارخانه B بیش از حد تعیین شده اقدام به انتشار کربن میکند. بنابراین، باید از طریق خرید ظرفیت خالی کارخانه A و یا از طریق مزایده اقدام به تهیه گواهینامه‌های لازم کند. هم اکنون در برخی نقاط جهان مانند اتحادیه اروپا و کانادا از این سیستم به عنوان بخشی از برنامه‌های کنترل انتشار استفاده می‌شود.

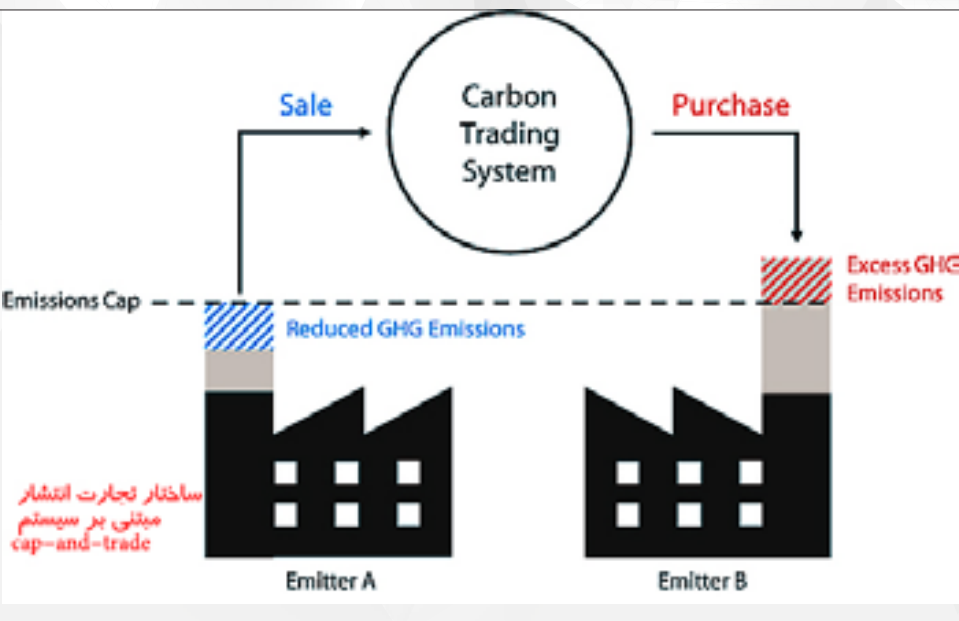
گواهی نامه‌های سبز

گواهینامه‌های سبز که در بعضی از کشورها به آن گواهینامه انرژی تجدیدپذیر یا REC گفته می‌شود

نوع دیگری از ابزار مبتنی بر بازار است که با هدف حمایت از تولید برق از انرژی تجدیدپذیر طراحی شده است. از آنجا که برق تجدیدپذیر از طریق شبکه به دست مصرف‌کننده نهایی می‌رسد، امکان تشخیص اینکه برق دریافتی از نوع تجدیدپذیر است یا خیر وجود ندارد. در صورتیکه مصرف‌کننده علاقمند به استفاده از برق با منبع انرژی تجدیدپذیر باشد و یا الزامی برای استفاده از برق تجدیدپذیر داشته باشد و یا بخواهد از انرژی تجدیدپذیر در راستای اهداف کاهش انتشار سازمان خود استفاده کند می‌تواند RECs، را از تولیدکنندگان برق تجدید پذیر، خریداری کند. در حقیقت، RECs گواهینامه‌هایی هستند که جنبه‌های "تجدید پذیری" انرژی تجدید پذیر را به مالک منتقل می‌کنند.

هرچند ساختار این بازار در کشورهای مختلف متفاوت است اما بطور کلی دو نوع بازار برای این گواهینامه‌ها متصور است: در نوع اول با توجه به الزامات قانونی، شرکتهای عرضه‌کننده انرژی و تولیدکنندگان انرژی از منابع غیرتجدیدپذیر موظفند درصد مشخصی از عرضه خود را از منابع تجدیدپذیر تأمین کنند. این شرکتها برای تأمین این تعهد و الزام قانونی گواهی‌نامه‌های انرژی تجدیدپذیر را تا سقف تعهد قانونی خود، از تولیدکنندگان انرژی تجدیدپذیر خریداری می‌کنند. نوع دوم این بازار داوطلبانه بوده و مخصوص مصرف‌کنندگان انرژی است. در این بازار، مصرف‌کنندگان انرژی با خرید این گواهینامه‌ها از توسعه انرژی تجدیدپذیر حمایت می‌کنند. خریداران این گواهینامه‌ها، شرکت‌های تجاری که می‌خواهند نشان دهند به محیط زیست اهمیت می‌دهند و نیز مشترکان خانگی هستند.

در آمریکا، نهادهای دولتی برای دستیابی به اهداف تعیین شده در مقررات زیست محیطی ملزم به خرید RECs هستند. به عنوان نمونه طبق قانون، آژانس‌های فدرال آمریکا تا سال ۲۰۲۵ موظفند حداقل سی درصد انرژی الکتریکی خود را از منابع تجدیدپذیر تأمین کنند. از اینرو، اقدام به خرید گواهینامه‌های



انرژی تجدیدپذیر می‌کنند. کلیه RECs دارای شماره منحصر بفردی هستند. اطلاعاتی از قبیل محل تولید و نوع منبع تجدید پذیر در این اوراق مشخص شده است. همچنین یک مهر تاریخ تولید نیز در آن درج می‌شود. تبادل و معامله RECs ردیابی و ثبت می‌شود.

گواهینامه‌های سفید

بطور معمول، گروه هدف در ساز و کار مبتنی بر گواهینامه سفید، شرکت‌های عرضه‌کننده انرژی هستند. برای رسیدن به هدف صرفه‌جویی انرژی تعیین شده، شرکت‌های عرضه‌کننده انرژی برنامه‌های کاهش مصرف را برای مشتریان خانگی و صنعتی خود اجرا می‌کنند و پس از آنکه اقدامات صرفه‌جویی انرژی توسط یک نهاد مستقل راستی‌آزمایی شد، گواهی‌های سفید را دریافت می‌کنند. گواهی تأیید می‌کند مقدار مشخصی از انرژی، به طور مثال معادل یک تن نفت خام، صرفه‌جویی شده است. در بسیاری از سیستم‌ها این گواهی‌ها می‌توانند بین شرکت‌های عرضه‌کننده انرژی مختلف مبادله شود. در واقع، این امکان برای شرکت‌هایی که نتوانسته‌اند به هدفشان دست یابند فراهم می‌شود که گواهی را از شرکت‌های دیگری که قادر به کاهش بیشتری نسبت به هدف تعیین شده بودند خریداری کنند. ایتالیا از جمله کشورهای موفق در زمینه ایجاد و گسترش بازار صرفه‌جویی انرژی مبتنی بر گواهینامه سفید است. ایتالیا برای انجام تعهد خود در زمینه کاهش

تجربه نشان داده در کشورهایی که نظام مالیاتی مناسبی برای مصرف انرژی طراحی و به کار گرفته شده، شهروندان و کسب و کارها، انگیزه بیشتری برای کاهش مصرف انرژی داشته و در عوض تمایل بیشتری برای استفاده از انرژی‌های پاک دارند

عشق را به زندگی تبدیل کنیم



مجمع خیرین

بیمارستان فوق تخصصی کودکان مبتلا به سرطان

آیا می دانید تنها بیمارستان

فوق تخصصی کودکان مبتلا به سرطان

در شمال کشور

با همراهی و مشارکت شما عزیزان در حال احداث می باشد؟

شماره حساب:

۰۱۰۴۴۸۵۸۷۱۰۰۰ قابل پرداخت در کلیه شعب بانک صادرات

۰۱۰۶۹۵۳۲۶۹۰۰۸ قابل پرداخت در کلیه شعب بانک ملی

۵۵۵۵/۹۱ (۵۵۴۵) قابل پرداخت در کلیه شعب بانک سپه

۴۳۰۱۳۶۳۰۸۷۱۸۳/۰۲ قابل پرداخت در کلیه شعب پست بانک

۹۲۰۱ - ۹۰۰۰ - ۶۹۱۹ - ۶۰۳۷ شماره سپهر کارت بانک صادرات

جهت عضویت در این عمل خیر خواهانه از تمامی اقشار مختلف جامعه دعوت به عمل می آید.

جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره ذیل تماس حاصل فرمایید.

دفتر مرکزی: ساری، خ فرهنگ، ساختمان شهریار ۳، طبقه ۶، واحد ۶۰۹

پاسخگویی ۲۴ ساعته: ۰۱۵۱-۲۲۰۰۵۵۰

بیمارستان (در حال احداث): ساری، بلوار پاسداران، ضلع غربی بیمارستان بوعلی سینا

www.maahak.org

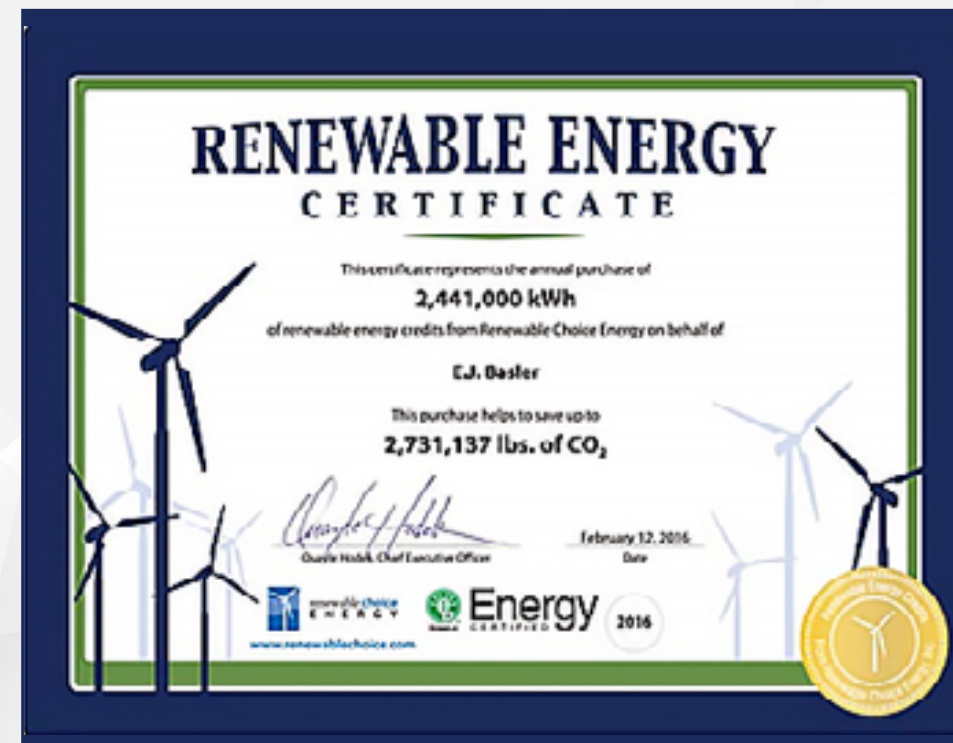
۱/۵٪ مصرف انرژی، از مکانیسم گواهی سفید استفاده کرده است. گواهینامه سفید، ابزار اصلی در برنامه کارایی انرژی ایتالیا می باشد بطوریکه از مجموع ۱۵/۵ Mtoe/year کاهش انرژی هدفگذاری شده، در بازه ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ میلادی، ۵/۴۵ Mtoe/year به مکانیسم گواهینامه سفید اختصاص یافته است. البته بخش عمده این کاهش، مربوط به بخش صنعت می باشد.

گروه های متعهد، توزیع کنندگان برق و گاز طبیعی با بیش از ۵۰۰۰۰ مشتری هستند. گروه های موظف می توانند با اجرای اقدامات صرفه جویی انرژی که منتج به گواهی نامه های سفید می شوند، یا با استفاده از شرکتهای خدمات انرژی (ESCO) برای اجرای این اقدامات و یا با خرید انرژی گواهی نامه های سفید، به اهداف خود دست یابند. زمانی که گروه های موظف (شرکتهای عرضه کننده انرژی) نتوانند حداقل ۶۰ درصد از گواهی های سفید متعهد شده را تهیه کنند، متحمل جریمه ای می شوند که به صورت مورد به مورد تعیین می شود. در عین حال، گواهی نامه های سفید به دست نیامده به دوره تعهد بعدی منتقل می شود و به تعهدات جدید افزوده می شود. مبلغ مشخصی برای هر گواهی سفیدی که توسط گروه های متعهد به دست می آید پرداخت می گردد. نکته مهم و قابل توجه این است که وجوه پرداختی از طریق افزایش تعرفه های برق و گاز تأمین می شود. تخمین زده می شود، افزایش تعرفه ها، هزینه های برق و گاز خانوارها را تقریباً به میزان ۰/۳ تا ۰/۵ درصد افزایش می دهد.

■ مالیات

تجربه نشان داده در کشورهایی که نظام مالیاتی مناسبی برای مصرف انرژی طراحی و به کار گرفته شده، شهروندان و کسب و کارها، انگیزه بیشتری برای کاهش مصرف انرژی داشته و در عوض تمایل بیشتری برای استفاده از انرژی های پاک دارند. در کشورها با نرخ مالیات انرژی بالاتر، شدت انرژی کمتر است. در برخی از کشورها برای کنترل مصرف انرژی های فسیلی از مالیات کربن به تنهایی یا همراه با مالیات انرژی استفاده می شود. فنلاند، در سال ۱۹۹۰، اولین کشور جهان بود که اقدام

کشور، مشمول مالیات می شود. به استثنای سوئیس، اوکراین و انگلستان، تمام کشورهای اروپایی که مالیات کربن می گیرند بخشی از سیستم تجارت آلاینده های اتحادیه اروپا (EU Emissions Trading System, EU ETS) هستند. سوئیس سیستم تجارت آلاینده های خاص خود را دارد که از ژانویه ۲۰۲۰ با EU ETS گره خورده است. پس از برگزیت، انگلیس ETS UK خود را از ژانویه ۲۰۲۱ اجرا کرد. چندین کشور اروپایی دیگر نیز در حال بررسی یا اعلام یک سیستم مالیات کربن یا یک سیستم تجارت آلاینده ها هستند. به عنوان مثال، اتریش در حال بررسی معرفی قیمت کربن برای بخشهایی است که تحت پوشش ETS اتحادیه اروپا نیستند (حمل و نقل و ساختمانها) و ترکیه قصد خود برای اجرای ETS ملی اعلام کرده هرچند تاریخ شروع آن هنوز مشخص نیست. از طرف دیگر کشورهای مختلف در حال بررسی و هدفگذاری برای افزایش نرخ مالیات کربن هستند. به عنوان مثال، دولت نروژ اعلام کرده که قصد دارد نرخ مالیات کربن را تا سال ۲۰۳۰ به ۲۰۰ دلار افزایش دهد. البته این برنامه بلندپروازانه باید به تصویب پارلمان این کشور برسد.



نزدیک به چهل سال پیش اولین پارک خورشیدی دنیا در کالیفرنیا به بهره‌برداری رسید که تنها یک مگاوات ظرفیت داشت. امروزه پارک خورشیدی بهادلا در هند بیش از ۲۲۴۵ مگاوات ظرفیت دارد. از روزی که کلنگ اولین پارک خورشیدی دنیا در کالیفرنیا به زمین زده شد تا به امروز کشورهای ایالات متحده، چین، هند، فرانسه، کانادا، استرالیا و ایتالیا در بازار جهانی نیروگاه‌های خورشیدی جزو صدرنشین‌ها هستند. در سال ۲۰۱۸ ارزش بازار انرژی خورشیدی دنیا به ۵۲.۵ میلیارد دلار رسید و پیش بینی شد تا سال ۲۰۲۶ این بازار ۲۲۳.۳ میلیارد دلار ارزش داشته باشد. یکی از دلایل رشد بازار انرژی خورشیدی افزایش آلودگی‌های محیط زیست است. از سویی ردپای آبی مربوط به سیستم‌های انرژی خورشیدی رو به کاهش است.

بازار جهانی انرژی خورشیدی

شاید پیش از این برای کسی باورپذیر نبود که تولید انرژی خورشیدی حتی در مقابل بیماری ویران‌کننده‌ای چون کرونا هم دوام آورد و حتی حالا که شیوع کووید ۱۹ بیشتر از آنچه که انتظار می‌رفت طول کشید، تقاضای جهانی برای این نوع انرژی کاهش نیافت. برعکس در سال ۲۰۲۰ و در اوج خروش کرونا ویروس، رشد سالانه انرژی خورشیدی به رکورد جدید ۱۸ درصد رسید و همزمان ۱۳۸ گیگاوات نیروگاه جدید خورشیدی هم راه‌اندازی شد. گزارش «چشم‌انداز بازار جهانی برای برق خورشیدی از سال ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۵» که توسط سولارپاور یوروپ تهیه شده است موفقیت انرژی خورشیدی در تاب‌آوری در مقابل چنین بیماری را وابسته به فاکتورهای مختلفی می‌داند. این گزارش معتقد است عمده عامل این موفقیت هزینه‌های رو به کاهش تولید تجهیزات خورشیدی است. دیگر فاکتور مهم هم تطابق‌پذیری این نوع تولید انرژی است. چون نیروگاه‌های انرژی خورشیدی می‌توانند آنقدر کوچک باشند که تنها برای یک خانه استفاده شود یا آنقدر بزرگ باشند که برای یک شهر استفاده شوند. از سویی این نیروگاه‌ها قابلیت جابجایی هم دارند و می‌توان به صورت جداگانه از شبکه در مناطق دورافتاده از آنها استفاده کرد. و فاکتور مهم دیگر این است که هیچ نیروگاه دیگری همانند نیروگاه‌های خورشیدی را نمی‌توان با این سرعت بنا کرد. این

دنیای ۱/۹ تراواتی

بازار ۲۲۳/۳ میلیارد دلاری پادشاه برق دنیا

فاطمه لطفی – دنیای انرژی

مقاله

نیروگاه‌ها در ایجاد شغل هم گوی سبقت را از بقیه نیروگاه‌های مشابه ربوده‌اند.

همزمان با شیوع ویروس کرونا در دنیا، در سال ۲۰۲۱ در تولید ماده خام سیلیکون مورد استفاده در تولید پنل‌های خورشیدی اختلالاتی به وجود آمد. اما با گسترش واکسیناسیون علیه ویروس کرونا و بازگشایی کارخانجات و واحدهای تولیدی، میزان تولید سیلیکون نیز جواب‌گوی تقاضا در بخش رو به رشد انرژی خورشیدی بوده است. به طوری که انتظار می‌رود در سال ۲۰۲۲ بیش از ۲۰۰ گیگاوات بر ظرفیت تولید این نوع انرژی افزوده شود. کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند کل ناوگان تولید انرژی خورشیدی از سه‌چهارم تراوات سال ۲۰۲۰ به بیش از یک تراوات سال ۲۰۲۲ و نزدیک به ۱.۹ تراوات در سال ۲۰۲۵ برسد. به همین دلیل است که آژانس بین‌المللی انرژی در گزارش چشم‌انداز انرژی سال ۲۰۲۰ خود، انرژی خورشیدی را پادشاه جدید بازارهای برق دنیا معرفی کرده بود. در سال ۲۰۲۰، عمده رشد مربوط به تولید انرژی خورشیدی را چین یدک کشید. این کشور با افزایش ۶۰ درصدی

ظرفیت انرژی تولیدی این بخش به ۴۸ گیگاوات، ۲.۵ برابر بیشتر از ایالات متحده که دومین بازار انرژی خورشیدی دنیاست، ظرفیت تولیدی خود را افزایش داد. در سال ۲۰۱۸ تنها ۱۱ کشور دنیا عضو کلوب دارندگان نیروگاه‌های یک‌گیگاواتی بودند اما در سال ۲۰۲۰ این رقم به ۱۸ کشور افزایش یافت و انتظار می‌رود در سال ۲۰۲۳، ۲۹ کشور در این کلوب حضور داشته باشند.

رتبه سوم بازار خورشیدی دنیا را هم با کمال تعجب ویتنام به دست آورده است. این کشور بزرگترین بازار صفحات خورشیدی پشت‌بامی را دارد و هم‌اکنون ۹ گیگاوات انرژی در همین بخش در ویتنام تولید می‌شود. خبر خوب اینکه در سال ۲۰۲۰ هزینه تولید انرژی خورشیدی باز هم کاهش یافت درحالی که هزینه تولید برق از طریق احتراق سوخت‌های فسیلی چون گاز، زغال سنگ و نیز انرژی هسته‌ای رو به افزایش بوده است. با این حال در نیمه اول سال ۲۰۲۱ به دلیل کمبود تراشه، کمبود سلول خورشیدی و تولید مدول‌ها و افزایش قیمت سیلیکون هزینه تولید انرژی خورشیدی افزایش یافت. شیوع کرونا ویروس به ویژه بازار بزرگی چون بازار هند را تحت تاثیر قرار داد. با این حال کارشناسان بر این باورند که در آینده نزدیک شاهد افزایش ۱۸ درصدی رشد تولید انرژی خورشیدی و رسیدن آن به ۱۶۳.۲ گیگاوات خواهیم بود. همچنین انتظار می‌رود در سال ۲۰۲۲ میزان افزایش بازار انرژی خورشیدی رشدی ۲۵ درصدی را تجربه کند و به ۲۰۳ گیگاوات برسد درحالی که تحلیلگران پیشتر معتقد بودند که این رقم تا سال ۲۰۲۴ قابل دستیابی خواهد بود. و در ادامه باید منتظر افزایش تولید ۲۶۶ گیگاوات برق خورشیدی تا سال ۲۰۲۵ باشیم.

بزرگ‌ترین نیروگاه‌های خورشیدی دنیا

چند کشور در دنیا مدعی ساخت بزرگترین نیروگاه‌های خورشیدی دنیا هستند. نیروگاه‌های خورشیدی یکی از رو به رشدترین صنایع انرژی در دنیا هستند و از این رو به راحتی نمی‌توان

درباره بزرگ‌ترین نیروگاه‌های خورشیدی دنیا نظر داد. با این حال آسیایی‌های در این زمینه پیشتاز هستند و در صدر فهرست دارندگان بزرگترین نیروگاه‌های خورشیدی دنیا قرار گرفته‌اند. فهرست زیر بر اساس آخرین اعداد و ارقام موجود در معرفی این نیروگاه‌ها تنظیم شده است:

■ پارک خورشیدی بهادلا در هند با ظرفیت ۲۲۴۵ مگاوات : پارک خورشیدی بهادلا در هند با ۵ هزار ۷۰۰ هکتار مساحت با ظرفیت ۲.۲۵ گیگاوات را شاید بتوان بزرگترین پارک خورشیدی دنیا تا به امروز معرفی کرد. این پارک در روستایی به همین نام در ایالت راجستان هند ساخته شده است. از نظر ظرفیت پارک خورشیدی بهادلا را می‌توان رتبه یک فهرست پارک‌های خورشیدی دنیا قلمداد کرد. ■ پارک خورشیدی هوانگ چین با ظرفیت ۲۲۰۰ مگاوات : این مزرعه خورشیدی ۲.۲ گیگاواتی در استان گینگای چین قرار دارد و شرکت دولتی توسعه برق‌آبی هوانگ آن

The World Of Energy

را ساخته است. بر اساس برنامهریزی که این شرکت اعلام کرده قرار است ظرفیت این پارک خورشیدی به ۱۶ گیگاوات برسد. در کنار این پارک خورشیدی یک واحد ذخیره سازی ۲۰۲.۸ مگاوات بر مگاوات ساعت هم ساخته می‌شود. ■ پارک خورشیدی پاواگادا در هند با ظرفیت ۲۰۵۰ مگاوات : این پارک خورشیدی به نیروگاه خورشیدی شاکتی استاحالا هم مشهور است و دومین نیروگاه خورشیدی بزرگ هند و سومین نیروگاه بزرگ خورشیدی دنیاست. این پارک خورشیدی ۳ کیلومتر مربع مساحت دارد و ظرفیت تولید آن ۲۰۵۰ مگاوات است.

■ پارک خورشیدی بنبنان مصر با ظرفیت ۱۶۵۰ مگاوات : به آفریقا برویم. نیروگاه خورشیدی بنبنان در ۶۵۰ کیلومتری جنوب قاهره واقع شده است و لقب بزرگترین پارک خورشیدی آفریقا و چهارمین پارک خورشیدی دنیا را یدک می‌کشد. این پارک خورشیدی توسط اداره انرژی‌های نو و تجدیدپذیر مصر ساخته و در نوامبر ۲۰۱۹ به بهره برداری رسید. هزینه ساخت این پارک خورشیدی ۴ میلیارد دلار بود.

■ نیروگاه خورشیدی تنگر دیزرت چین با ۱۵۴۷ مگاوات ظرفیت : دومین نیروگاه بزرگ خورشیدی چین تنگر دیزرت است که در استان نینگشیا واقع شده است. ظرفیت تولید انرژی پاک این پارک خورشیدی ۱.۵۵ گیگاوات است و ۴۳ کیلومتر مربع مساحت دارد. این پارک خورشیدی در سال ۲۰۱۷ به بهره برداری رسید و برق ۶۰۰ هزار خانه را تامین می‌کند.

■ پارک خورشیدی نور ابوظبی، با ظرفیت ۱۱۷۷ مگاوات : نیروگاه نور ابوظبی در سال ۲۰۱۹ به بهره برداری رسید و با ظرفیت تولید ۱.۲ گیگاوات انرژی خورشیدی توانسته است از انتشار یک میلیون تن متریک دی‌اکسید کربن معادل انتشارات ۲۰۰ هزار خودرو جلوگیری کند.

بیش از ۳.۲ میلیون پنل خورشیدی در مساحتی برابر با ۸ کیلومتر مربع توانسته‌اند یکی از بزرگترین نیروگاه‌های خورشیدی دنیا را ایجاد کنند.

■ پارک خورشیدی محمد بن راشد المختوم امارات با ظرفیت ۱۰۱۳ مگاوات : البته این

نیروگاه‌های انرژی خورشیدی

می‌توانند تنها برای یک خانه یا برای یک شهر استفاده شوند.

قابلیت جابجایی هم دارند و می‌توان

به صورت جداگانه از شبکه در

مناطق دورافتاده از آنها استفاده

کرد. این نیروگاه‌ها در ایجاد

شغل هم گوی سبقت را از بقیه

نیروگاه‌های مشابه ربوده‌اند

نیروگاه خورشیدی در امارات متحده عربی بعدها خواهد توانست به رده‌های بالای این فهرست صعود کند چون قرار است ظرفیت پارک خورشیدی محمد بن راشد المختوم تا انتهای این دهه به ۵ گیگاوات برسد. تخمین زده می‌شود این پارک خورشیدی سالانه بتواند از انتشار ۶.۵ میلیون تن کربن جلوگیری کند. این نیروگاه محل ایجاد مرکز تحقیقات و توسعه امارات هم هست.

وضعیت نیروگاه‌های خورشیدی ایران

بر اساس آمار مهر ماه سال ۱۴۰۰ ساتبا، از ۹۰۴۰۰۷ مگاوات برق تجدیدپذیر تولید شده در کشور، نزدیک به ۴۵۵.۵ مگاوات یعنی ۵۰.۳۷ درصد، متعلق به نیروگاه‌های خورشیدی هستند. در ایران ۵ نیروگاه با ظرفیت بهره‌برداری ۱۰ و بالاتر از ۱۰ مگاوات وجود دارد. بقیه نیروگاه‌های خورشیدی ایران ظرفیتی کمتر از ۱۰ مگاوات دارند. نیروگاه خورشیدی بم، بزرگترین نیروگاه فتوولتائیک ایران با ظرفیت ۱۰۰ مگاوات است. پس از نیروگاه بم، دو نیروگاه خورشیدی شیراز و مکران هر کدام با ظرفیت ۲۰ مگاوات رده دوم نیروگاه‌های خورشیدی کشور را به خود اختصاص داده‌اند. نیروگاه خورشیدی یزد و نیروگاه خورشیدی آباده هم به ترتیب با ۱۷ مگاوات و ۱۰ مگاوات در رده‌های بعدی این فهرست هستند. بقیه نیروگاه‌های ایران نیروگاه‌های مقیاس کوچک هستند که ظرفیت تولید آنها حتی به ۱۰ مگاوات هم

نمی‌رسد. متوسط روزهای آفتابی ایران نزدیک به ۳۰۰ روز در سال و شش برابر قاره اروپاست. باید توجه داشت که در سال ۲۰۲۱ حدود ۱۰ درصد از کل انرژی تولید شده در اتحادیه اروپا، یعنی ۳۹ تراوات ساعت، مربوط به بخش انرژی خورشیدی بوده است. هلند، آلمان، اسپانیا، یونان و ایتالیا در صدر افزایش تولید انرژی خورشیدی در اروپا قرار داشتند. این درحالی است که ایران با دارا بودن مناطق وسیع با تابش مداوم آفتاب می‌تواند به عنوان هاب انرژی خورشیدی سهم بزرگی در تامین برق شهروندان و صادرات برق به کشورهای اطراف از جمله افغانستان و عراق که به ویژه در روزهای تابستان با مشکل برق دست به گریبان هستند، داشته باشد و علاوه بر کربن‌زدایی سیستم‌های انرژی در ایران، به منبعی ارز آور برای کشور تبدیل شود.

فناوری‌های خورشیدی

فناوری‌های خورشیدی بر اساس روش دریافت، تبدیل و توزیع نور خورشید و کنترل انرژی خورشیدی در سطوح مختلف سراسر جهان و همین‌طور فاصله از استوا، به دو دسته فعال (active) و منفعل (passive) تقسیم می‌شوند. در روش فعال از فتوولتائیک‌ها، نیروی متمرکز خورشیدی، کلکتورهای گرمایی خورشیدی، پمپ‌ها و فن‌ها برای تبدیل نور خورشید به خروجی‌های مفید استفاده می‌شود. روش منفعل شامل انتخاب مصالحی با خواص گرمایی مناسب، طراحی فضاهایی برای تهویه هوا و قرار دادن موقعیت

نیروگاه خورشیدی بم، بزرگترین نیروگاه فتوولتائیک ایران با ظرفیت ۱۰۰ مگاوات است. پس از نیروگاه بم، دو نیروگاه خورشیدی شیراز و مکران هر کدام با ظرفیت ۲۰ مگاوات رده دوم نیروگاه‌های خورشیدی کشور را به خود اختصاص داده‌اند. نیروگاه خورشیدی یزد و نیروگاه خورشیدی آباده هم به ترتیب با ۱۷ مگاوات و ۱۰ مگاوات در رده‌های بعدی این فهرست هستند

ساختمان در معرض نور خورشید است. فناوری‌های خورشیدی فعال تأمین انرژی را افزایش می‌دهند و متمرکز بر فناوری‌های سمت تأمین هستند؛ درحالی‌که فناوری‌های منفعل نیاز به منابع جایگزین را کاهش داده و به‌عنوان فناوری‌های سمت تقاضا در نظر گرفته می‌شوند. در تولید انرژی خورشیدی می‌توان از نمک مذاب به‌عنوان روش ذخیره‌سازی گرمایی برای حفظ انرژی جمع‌آوری شده توسط برج خورشیدی استفاده کرد که در نهایت برای تولید برق در آب‌وهوای بد یا هنگام شب به کار می‌رود. بر اساس پیش‌بینی‌ها بازدهی این سیستم ۹۹ درصد است. نمک در دمای ۱۳۱ درجه سانتی‌گراد ذوب می‌شود. و تا ۲۸۸ درجه سانتی‌گراد در یک محفظه ذخیره‌سازی سرد به حالت مایع باقی می‌ماند. نمک مایع از طریق پنل‌ها به داخل یک کلکتور (جمع‌کننده) خورشیدی پمپ می‌شود، در این کالکتور دما به ۵۶۶ درجه سانتی‌گراد می‌رسد. در صورت نیاز به برق نمک داغ به یک ژنراتور بخار معمولی پمپ می‌شود تا بخار داغ را برای توربین یا ژنراتور در هر کدام از واحدهای نیروی هسته‌ای، زغال‌سنگی، نفتی و ... فراهم کند.

اثرات زیست محیطی نیروگاه‌های خورشیدی

باور بر این است که نیروگاه‌های خورشیدی و به طور کلی هر نیروگاه تولیدکننده برق پاک به این دلیل احداث می‌شود که اثرات زیست محیطی استفاده از سوخت‌های فسیلی به ویژه در زمینه تولید گازهای گلخانه‌ای را کاهش دهد. اما این نیروگاه‌ها هرچند گاز گلخانه‌ای چندانی تولید نمی‌کنند اما اثرات آلاینده‌گی دیگری در محیط زیست به جا می‌گذارند. برعکس سوخت‌های فسیلی، نیروگاه‌های خورشیدی انتشارات بسیار کمی از آلاینده‌هایی چون دی‌اکسید سولفور، دی‌اکسیدنیروژن، مونواکسید کربن، ترکیبات آلی فرار و گازهای گلخانه‌ای چون دی‌اکسید کربن تولید می‌کنند. علاوه بر آن ساخت نیروگاه‌های خورشیدی به‌ایجادمشاغل مستقیم و غیرمستقیم بسیاری در مناطق روستایی منجر می‌شود. با

این حال این نیروگاه‌ها هم اثرات مخربی بر جا می‌گذارند. اثرات مخرب این نیروگاه‌ها را می‌توان در مراحل ساخت، بهره‌برداری و از رده خارج‌سازی این نیروگاه‌ها جستجو کرد. فهرست زیر به‌طور خلاصه این اثرات را بررسی می‌کند

تأثیر بر منابع آبی، خاکی و هوایی

ساخت تاسیسات نیروگاه‌های خورشیدی در زمین‌های بزرگ نیازمند پاک‌سازی زمین، فشرده‌سازی خاک، تغییر کانال‌های زه‌کش، افزایش روان‌آب‌ها و افزایش فرسایش است. در سیستم‌های متداول از برج‌های مرکزی و تشکیلات سهموی برای تولید برق استفاده می‌شود. این تاسیسات از آب خنک‌کننده استفاده می‌کنند. اگر این تاسیسات در مناطق خشک و نیمه خشک ساخته شوند شاید با افزایش مصرف آب منابع آبی را با خطر مواجه کنند. استفاده از مواد شیمیایی در تاسیسات خورشیدی برای مثلاً پاک‌سازی پنل‌ها یا استفاده از سیالات دی‌الکتریک می‌تواند به آلودگی آب‌های زیرزمینی منجر شود.

دیگر تأثیرات مخرب

حضور کارگران در منطقه ساخت نیروگاه‌های خورشیدی هم می‌تواند اثرات مفیدی برای درآمد منطقه داشته و هم می‌تواند همزمان تأثیرات اجتماعی مخرب از جمله کاهش درآمد افراد کم‌درآمد را به همراه داشته باشد. از سویی پنل‌های خورشیدی حاوی مواد سمی بسیاری هستند که برای محیط زیست مخرب محسوب می‌شوند. سیستم‌های برق خورشیدی متمرکز حاوی مواد روغنی و نمک مذاب، سیالات مختلف، خنک‌کننده‌ها و روان‌کننده‌ها هستند که هر کدام در صورت نشت اثرات مخرب بسیاری برای محیط زیست خواهد داشت. حتی نیروگاه‌های خورشیدی متمرکز با بازتابش نور ممکن است بر پروازهای هواپیماها در منطقه تأثیر منفی بگذارد. از سویی دمای بالای ایجاد شده توسط آینه‌ها به ویژه در سیستم‌های متمرکز ممکن است خطراتی به همراه داشته باشد. آلودگی محیط زیست ناشی از عملیات‌های معدن‌کاری برای تولید



مواد اولیه لازم برای تولید پنل‌های خورشیدی مورد دیگری از آلودگی ایجاد شده برای محیط زیست محسوب می‌شود. با این حال به نظر می‌رسد با وجود تمام این خطرات جایگزینی انرژی‌های فسیلی با انرژی‌های پاک نیاز فوری و ضروری دنیای امروز ماست. چرا که برای مقابله با خطر بزرگتری به نام گرمایش جهانی، بشر باید به فکر استفاده از انرژی‌های پاک و تجدیدپذیر باشد. آژانس بین‌المللی انرژی می‌گوید برای به صفر رساندن تولید گازهای گلخانه‌ای تا سال ۲۰۵۰ و از دست رفتن فرصت جلوگیری از عواقب خطرناک گرمایش زمین، باید سرمایه‌گذاری در کلیه پروژه‌های آینده سوخت فسیلی متوقف شود. این آژانس معتقد است افزایش سالانه ظرفیت تولید برق خورشیدی و بادی باید تا ۲۰۳۰ به ترتیب به ۶۳۰ و ۳۹۰ گیگاوات برسد آژانس بین‌المللی انرژی می‌گوید زمان توقف سرمایه‌گذاری جدید در حوزه استخراج نفت، گاز و زغال سنگ «از همین امروز» است.

چشم‌انداز آینده صنایع انرژی در گروهوش مصنوعی

فاطمه لطفی - دنیای انرژی

بهتر و آگاهانه‌تری در مورد منابع و دارایی‌ها اتخاذ کنند و در عین حال منابع جدیدی از داده‌ها فراهم می‌آورد. هوش مصنوعی به تولیدکنندگان نفت و گاز کمک می‌کند تا نحوه تغییر تولید نفت در طول زمان را بررسی کرده و موجب کاهش هزینه محاسبات و تسهیل فرآیندهای سطح الارضی شود.

■ شرکت‌های پیشرو در بکارگیری هوش مصنوعی برای صنایع نفت و گاز

بر اساس داده‌های گلوبال دیتا، آرامکوی عربستان سعودی و رویال داچ شل شرکت‌های پیشرو در سرمایه‌گذاری در هوش مصنوعی در میان غول‌های نفت و گاز هستند. هوش مصنوعی در بخش نفت و گاز نقشی اساسی بازی می‌کند و تمایل شرکت‌ها برای استفاده از این فناوری‌ها هر روز بیشتر می‌شود. اخیراً این فناوری‌ها کلیدی‌ترین زمینه فعالیت شرکت‌های نفت و گاز را از آن خود کرده و غول‌های نفت و گاز ایده‌های جدیدتری را دنبال می‌کنند و به دنبال ثبت اختراعات بیشتری هستند. این روزها ارزش‌گذاری شرکت‌ها بر اساس شاخص ارزشمندترین بازیگران

هوش مصنوعی یک اصطلاح کلی برای ماشین‌هایی است که دارای توانایی ادارک، منطق و یادگیری هستند. هوش مصنوعی یک علم و فن‌آوری بر اساس رشته‌هایی مانند علوم کامپیوتری، زیست‌شناسی، روان‌شناسی، زبان‌شناسی، ریاضیات و مهندسی است. درحالی که با گسترش اثرات مخرب تغییرات اقلیم فشار بر صنایع انرژی برای حرکت به سمت سبزتر و پاک‌تر شدن ادامه دارد، درخواست‌ها از غول‌های نفت و گاز برای بهبود تاب‌آوری و به حداقل رساندن ردپای کربن تولید، توزیع و مصرف انرژی هر روز بیشتر می‌شود و سهام‌داران این شرکت‌ها سرمایه‌گذاری بیشتر در این موسسات را منوط به کاهش انتشارات کرده‌اند. اینجاست که جایگاه هوش مصنوعی به‌طور مشخص برجسته‌تر می‌شود. هوش مصنوعی با کاهش زمان لازم برای بررسی فرایندها و عملیات، به طور قابل توجهی از میزان انرژی مصرفی و تعداد افراد درگیر در عملیات را کاهش داده و نیز با بهینه‌سازی عملیات‌ها، انتشارات گازهای گلخانه‌ای را نیز به حداقل می‌رساند. هوش مصنوعی به شرکت‌ها کمک می‌کند تا تصمیمات

هوش مصنوعی بهره‌مند شوند و مشخص است که صنایع نفت و گاز بیشترین بهره را نسبت به دیگر صنایع از هوش مصنوعی خواهد برد. این صنایع در عین اینکه یکی از پردآمدترین صنایع هستند، خطرناک‌ترین آنها نیز محسوب می‌شوند. هوش مصنوعی عملیات‌های تجاری، بازدهی و ایمنی را بهینه‌سازی می‌کند. این فناوری به شش طریق می‌تواند چالش‌های پیش‌روی صنایع نفت و گاز را برطرف کند.

■ کشف عیوب و تسهیل عملیات اطمینان از کیفیت یکی از چالش‌های صنایع نفت و گاز شناسایی عیوب خطوط لوله یا نقایصی است که در کار این خطوط لوله وجود دارد. نقایصی که در انتهای خط تولید عملیات‌های بالادستی مشاهده می‌شود هم هزینه‌ها و هم منابع را نشانه رفته است. به عنوان مثال اگر یک خط لوله یا دستگاهی معیوب در مراحل تولید نصب شود، نتیجه آن فاجعه خواهد بود. نتیجه اینکه هزینه‌ای که این عیوب به بار خواهند آورد از هزینه راه‌اندازی عملیات‌های هوش مصنوعی بیشتر خواهد بود. توسعه یک سیستم برپایه دید کامپیوتری می‌تواند کیفیت تولید را ممیزی کرده و بینشی عمیق در آنالیز عیوب فراهم سازد. راه‌حل‌های شناسایی عیوبی که بر اساس هوش مصنوعی کار می‌کنند از نظر اقتصادی مقرون به صرفه هستند و در مقایسه با فرایندهای متداول بسیاری اقتصادی‌تر.

■ اطمینان از استانداردهای ایمنی و امنیت واحدهای نفت و گاز در محیطی بی‌نهایت خطرناک کار می‌کنند و ریسک تلفات در این محیط‌ها بسیار بیشتر از محیط‌های متداول ساخت و تولید است. کارگران در واحدهای نفتی در دماهای مختلف کار می‌کنند، گاه با بخارات سمی در تماس هستند و باید مدام مواقع دستگاه‌های متحرک باشند. اگر از دستورالعمل‌های ایمنی مناسب پیروی نشود نتیجه می‌تواند مصدومیت و نیز خسارات مالی باشد. یک بار در پالایشگاه نفت تسورو مارتینز در کالیفرنیا پخش اسید سولفوریک به سوختگی شدید دو کارگر منجر شد. مقامات این پالایشگاه می‌گفتند اگر کارگران از دستورالعمل‌های

شرکت نفت عربستان سعودی، آرامکو، یکی از پیشتازان عرصه هوش مصنوعی است و علاوه بر اینکه از نظر درآمد نفتی در جایگاه بسیار بالاتری از دیگر شرکت‌های هم‌نوع خود قرار دارد، در سال‌های اخیر بیش از ۲۹ پروژه در زمینه هوش مصنوعی تعریف کرده است

مناسب ایمنی پیروی می‌کردند چنین اتفاقی رخ نمی‌داد. راه‌کارهای کامپیوتری بر پایه هوش مصنوعی قادر است سایت کارگاه یا تاسیسات را بررسی کند تا اطمینان حاصل شود که تشریفات ایمنی بدون هیچ گونه قصوری رعایت می‌شود. داده‌های دوربین‌ها به الگوریتم‌های هوش مصنوعی تزریق می‌شود و این الگوریتم‌ها برای ارسال هشدار و توصیه‌های فعال، آنالیز می‌شوند. راه‌حل‌های بر پایه هوش مصنوعی قادرند حتی برای کوچکترین انحرافی در فرایندهای ایمنی مدیریت را آگاه و هوشیار نگه دارند.

■ کاهش هزینه‌های تولید و تعمیرات نفت و گاز اکتشافی را از طریق خطوط لوله انتقال می‌دهند. در شرایط دمایی و محیطی متفاوت، ترکیبات نفت و گاز اغلب با فرسایش و خوردگی مواد همراه هستند. خوردگی می‌تواند باعث تغییر شکل ترکیبات شود که یکی از نتایج آن می‌تواند ضعیف‌تر شدن خطوط لوله باشد. اگر کاری برای حل این مشکل انجام نشود امکان دارد به فاجعه‌ای بزرگ ختم شود که خط تولید را با مشکل مواجه کند. این نوع خوردگی‌ها یکی از بزرگترین نگرانی‌های صنایع نفت و گاز است و شرکت‌ها مجبورند مهندسان متخصص در زمینه خوردگی را برای بررسی و رفع و

رجوع مشکلات استخدام کنند تا از خوردگی پیشگیری کنند. فاجعه ماکوندو از این دست اتفاقاتی است که به نشت نفت بی‌پی هم مشهور است. در ۲۰ آوریل سال ۲۰۱۰، چیزی حدود ۴.۹ میلیون بشکه نفت غول نفت و گاز بریتیش پترولیوم نشت کرد و دولت ایالات متحده مجبور شد ۸۵۰ میلیون دلار برای پاکسازی محیط زیست خرج کند. این یکی از بزرگترین اتفاقات مربوط به نشت نفت در صنایع نفت و گاز بود. گزارش‌های مربوط به پساآنالیزهای این رخداد می‌گویند که فاکتور تعمیرات نادرست یکی از مهمترین عوامل رخ داد این فاجعه بود. بخشی از این الزامات تعمیرات این است که شرایط تجهیزات مدام بررسی شود. همچنین، در این گزارش‌ها آمده است که سیستم هشدار این تاسیسات کار نمی‌کرد. هوش مصنوعی می‌تواند از رخداد چنین فجایعی جلوگیری کند. هوش مصنوعی به همراه تکنولوژی‌های اینترنت اشیا قادرند نشانه‌های خوردگی را با آنالیز پارامترهای مختلف با استفاده از دانش گراف‌ها و اطلاعات پیش‌گویانه شناسایی کنند تا احتمال تقریبی رخداد خوردگی را تعیین و سیستم هشدار را برای اوپراتور خط لوله روشن کنند. با این راه‌کار شرکت‌ها در مواجهه با خطرات خوردگی فعال‌تر می‌شوند و رویکردی پیشگیرانه خواهند داشت و می‌توانند زمان تعمیرات لازم برای خط لوله را تعیین کنند.

■ تصمیم‌گیری بهتر با تجزیه و تحلیل داده‌ها شرکت‌های تجارت نفت و گاز با داده‌های فراوانی از سوی فرایندهای ساخت و تولید مواجه هستند اما از آن جایی ابزاری مناسب برای تجزیه و تحلیل این داده‌ها در اختیارشان نیست قادر هم نیستند داده‌های بسیار زیاد خود را در انبار داده‌ها تبدیل به سرمایه کنند. شرکت‌ها می‌توانند مهندسين داده‌ها را به کار گیرند تا به صورت دستی این داده‌ها را تحلیل کنند و از آنها چشم‌اندازهای لازم را بیرون کشند. اما این فرایند دستی هم زمان‌بر است و هم هزینه‌بر و از سویی هیچ مهندسی نمی‌تواند تمامی داده‌هایی را که تنها در یک روز از عملیات‌های تولید به دست می‌آید را تحلیل کند. بیگ دیتا (Big Data) که مجهز

به برنامه‌های هوش مصنوعی است اطلاعات را بیرون می‌کشد و مفهوم داده‌های عملیات‌های بسیاری را باهم نشان می‌دهد. هوش مصنوعی را می‌توان برای جمع‌آوری اطلاعات در بخش‌های مختلف و نیز کشف الگوها یا ناهماهنگی‌ها به کار گرفت تا بتوان به یک مجموعه بزرگ دیتا دسترسی داشت. الگوریتم‌های هوش مصنوعی جریان‌های مختلف داده‌ها را از سنسورها و تاسیسات مختلف از واحدهای مختلف جمع‌آوری و مطالعه کرده آنالیزهای به روز واقعی تولید می‌کنند تا پیشنهادات هوشمندانه براساس نیاز تجاری ارائه دهند. این نگاه عمیق به مهندسان امکان می‌دهد که چشم‌اندازی بهتر از کل فرایندها و عملیات‌ها داشته باشند و درنتیجه تصمیمات استراتژیک بهتری اتخاذ کنند. از این رو بهره‌وری عملیات‌ها بهبود یافته، هزینه‌ها کاهش می‌یابد و خطرات کم می‌شوند.

■ کمک گرفتن از برنامه‌های چت‌بات

اپراتورهای میادین نفتی می‌توانند از چت‌بات‌ها و دیگر برنامه‌های مجازی استفاده کنند. اپراتورهای میادین نفتی معمولاً دوست دارند در حین کار دستانشان آزاد باشد. چت‌بات‌های صوتی به این افراد کمک می‌کند بدون استفاده از دست و صرفاً با صحبت کردن گزارش‌ها را دریافت و تنظیم کنند. چت بات‌ها منبع بسیار خوب اطلاعات و داده‌های به روز هستند و می‌توان به راحتی از آنها مثلاً برای کمک خواستن استفاده کرد. از طرفی استفاده از چت‌بات‌ها می‌تواند جایگاهی برای نگهداری داده‌های قدیمی باشد. از سویی اپراتورها می‌توانند حتی نحوه تعمیر تاسیسات معیوب را نیز به صورت صوتی از چت‌بات‌ها دریافت کنند.

■ کشف چشم‌اندازهای جدید در اکتشاف نفت و گاز همانطور که بخش انرژی در ایالات متحده رو به رشد است، اداره اطلاعات انرژی ایالات متحده (EIA) پیش‌بینی کرده است که تولید نفت خام این کشور در سال ۲۰۵۰ به ۱۱ میلیون بشکه در روز خواهد رسید. این ارقام به این معنی است که فعالیت‌های اکتشافی افزایش خواهند یافت. بنابراین این سیاست‌ها و اهداف صنعت نفت را ملزم به توسعه بیشتر می‌کند، و از سویی فاکتورهای حیاتی مهم از جمله

گرانی و فراگیر بودن فعالیت‌های اکتشافی هم نگرانی‌ها در این صنعت را افزایش می‌دهد. لازمه اکتشاف هیدروکربن‌ها این است که نمایی کامل از آنچه که در سطح زمین است داشته باشیم. فرایندهای قدیمی زمین‌شناسی اکتشاف، دقیق که نیستند بلکه گران هم هستند. برای اینکه این فرایندها آسان‌تر شوند و داده‌های جامعی گردآوری شود، استفاده از ربات‌های هوش مصنوعی برای عملیات‌های اکتشاف بسیار مفید است. شرکت‌های بزرگ نفت و گاز از پهبادها برای جمع‌آوری تصاویر لرزه‌نگاری استفاده می‌کنند و الگوریتم‌های پردازش تصاویر اطلاعات را استخراج می‌کنند. بر پایه همین تحلیل‌ها، عملیات اکتشاف هم آغاز می‌شود. این فرایند هم خطرات انسانی را به حداقل می‌رساند و هم اطمینان خاطر از صحت اطلاعات را به وجود می‌آورد.

■ هوش مصنوعی در تولید انرژی‌های نو

کنترل خودکار تجهیزات قادر است انتشارات کربن مرتبط با فرایندهای زمان‌بر بررسی و کنترل و نیز تعمیرات تجهیزات و تاسیسات انرژی‌های تجدیدپذیر را کاهش دهد. یکی از این تاسیسات تجدیدپذیر که هوش مصنوعی در کنترل آنها بسیار کارآمد عمل می‌کند، تاسیسات مزارع بادی فراساحلی است. این نوع تولید انرژی بازاری رو

هوش مصنوعی به همراه تکنولوژی‌های اینترنت اشیاء قادرند نشانه‌های خوردگی را با آنالیز پارامترهای مختلف با استفاده از دانش گراف‌ها و اطلاعات پیش‌گویانه شناسایی کنند تا احتمال تقریبی رخ‌داد خوردگی را تعیین و سیستم هشدار را برای اوپراتور خط لوله روشن کنند

به گسترش دارد به طوری که بر اساس گزارش «آژانس بین المللی انرژی» بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸ بازار انرژی بادی فراساحلی نزدیک به ۳۰ درصد رشد داشته است. کشورهایی چون دانمارک، چین و بریتانیا جزو پیشگامان استفاده از تاسیسات فراساحلی بادی هستند. به طوری که حتی بوریس جانسون، نخست وزیر بریتانیا می‌گوید می‌خواهد «بریتانیا را تبدیل به عربستان سعودی برق بادی» کند. مانند هر نوع تاسیسات انرژی دیگری، بخش‌های مختلف مزارع بادی فراساحلی نیز نیازمند بررسی و کنترل و تعمیرات است. اما انجام چنین کارهایی در مزارع بزرگ فراساحلی نیازمند آن است که شرکت‌های بهره بردار به طور مداوم شناورهای بزرگ مجهز به تجهیزات و افراد متخصص را برای بررسی نحوه کار توربین‌ها به هر کدام از این دکل‌ها ارسال کنند. تنها با در نظر گرفتن مقدار سوخت لازم برای این شناورها مقادیر زیادی انتشارات دی‌اکسید کربن تولید می‌شود. و هزینه‌های بهره برداری بالا می‌رود. تخمین زده می‌شود هر کدام از این شناورهایی که مختص بررسی و کنترل دکل‌های توربین‌های بادی فراساحلی هستند، در طول عمر مفید خود بیش از ۲۷۵ هزار تن کربن تولید می‌کنند. از سویی بهره‌برداری و تعمیرات یکی از پرهزینه‌ترین بخش‌های تولید انرژی به حساب می‌آید و تخمین زده می‌شود که هزینه این بخش برابر با ۲۵ تا ۳۰ درصد کل هزینه‌های تولید انرژی است. و نیز همین تخمین‌ها نشان می‌دهد که هزینه‌ای که در طی بیست سال عملیات به دلیل توقف عملیات‌ها برای تعمیرات به شرکت‌ها تحمیل می‌شود چیزی حدود ۱۲ میلیون یورو برای هر مزرعه بادی فراساحلی ۵۰۰ مگاواتی است که در دریای شمال در ۵۰ کیلومتری ساحل نصب شده باشد.

در حال حاضر تکنیک‌های جدید و متنوعی برای کاهش اثرات منفی این عملیات‌ها بر محیط زیست وجود دارد. در بسیاری از شرکت‌های مرتبط با این تاسیسات از مکان‌یابی و نقشه‌برداری شبیه‌سازی شده (SLAM)، یادگیری ماشینی (machine learning) و اتوماسیون ROVs (تجهیزات زیرآبی کنترل از راه دور) استفاده می‌شود. مخصوصاً ROVs برای جمع‌آوری داده‌های ویدئویی برای بررسی تاسیسات بسیار



مفید هستند. هر کدام از این تجهیزات در نهایت نیازمند ۲ اپراتور است و داده‌های جمع‌آوری شده هم به صورت دستی توسط تیمی دیگر بررسی می‌شود. از طرفی تکنولوژی‌های خودکار قادر هستند اطلاعات SLAM را دریافت و آنالیز لحظه‌ای آن را انجام دهند. هر چه سطح اتوماسیون و خودسازی بالاتر می‌رود تعداد افراد درگیر در آنالیز هم کمتر می‌شود و از سویی قرار هم نیست متخصص مجبور باشند در محل مزارع بادی حضور داشته باشند، بلکه از دور و از ساحل کارکرد این مزارع را تحت نظر می‌گیرند.

■ جایگاه ایران در فناوری هوش مصنوعی

جدیدترین بررسی از وضعیت تولیدات علمی در حوزه هوش مصنوعی ایران و جهان توسط مرکز نوآوری و توسعه هوش مصنوعی پژوهشگاه ارتباطات و فناوری اطلاعات نشان می‌دهد که بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۲۰ میلادی ۳۵۴ هزار و ۴۴۳ مدرک علمی در جهان در حوزه هوش مصنوعی منتشر شده که سهم ایران از این تعداد ۴ هزار و ۵۴۲ مدرک علمی است. آمریکا، چین، بریتانیا، هند، آلمان، فرانسه، ژاپن، ایتالیا، اسپانیا و کانادا از نظر تولید مدارک علمی ۱۰ کشور برتر دنیا در حوزه هوش مصنوعی هستند و در این رده بندی ایران در رتبه ۱۴ قرار دارد. جایگاه ایران در میان رقبای مطرح در سند چشم انداز ۱۴۰۴ در منطقه از حیث تولید علم در حوزه هوش مصنوعی ممتاز است و کشورمان با ۴ هزار و ۵۴۲ مقاله علمی، قبل از ترکیه، رژیم‌صهیونیستی، عربستان و مصر در رده اول منطقه قرار دارد با این حال اما وضعیت ایران در زمینه کاربردهای هوش مصنوعی قابل توجه نیست و رتبه ۷۵ در میان کشورهای دنیا به کشورمان اختصاص دارد. دانشگاه تهران با رتبه جهانی ۱۵۳ و ۵۵۲ مدرک، اولین دانشگاه برتر در حوزه تولید علم هوش مصنوعی است. دانشگاه صنعتی امیرکبیر، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه صنعتی شریف و علم و صنعت در رده‌های بعدی قرار دارند. بر همین اساس در اردیبهشت سال جاری علی اصغر انصاری رئیس مرکز نوآوری و توسعه هوش مصنوعی پژوهشگاه ارتباطات و فناوری اطلاعات، به خبرگزاری مهر گفته بود که با همکاری سازمان برنامه و بودجه، نقشه راه توسعه و به کارگیری فناوری هوش مصنوعی در کشور در حال تدوین است.

وی با تأکید بر اینکه هم اکنون در دنیا کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به موضوع هوش مصنوعی به صورت جدی ورود کرده‌اند و برنامه‌های راهبردی بین سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۵ و ۲۰۳۰ در کشورهای مختلف تدوین شده است، گفته بود: به بیان دیگر موضوعات مربوط به هوش مصنوعی در برنامه‌های ملی اغلب کشورها قرار دارد. چرا که این فناوری و مجموعه فناوری‌های متأثر از آن در زندگی مردم، صنعت و خدمات جریان پیدا کرده است. انصاری با اشاره به اینکه کشورهای مختلف برای حل مساله، راهبردهای متفاوتی را در حوزه هوش مصنوعی در پیش گرفته‌اند، ادامه داد: برای مثال در حوزه سلامت می‌توان از هوش مصنوعی برای ارائه خدمات پزشکی با کیفیت استفاده کرد. کاربردهای هوش مصنوعی در حوزه حمل و نقل، شهر هوشمند، اقتصاد، کسب و کار و تجارت نیز مورد توجه قرار گرفته و کشورهای مختلف بنا بر موقعیت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی خود، هر یک از



این کاربردها را به عنوان راهبرد تعیین کرده‌اند. طی دو سال موضوع هوش مصنوعی در کشور ما نیز مطرح شده و ما مانند سایر کشورها سعی کرده‌ایم پیشتاز باشیم و در مسائل اصلی کشور، راهبردهای هوش مصنوعی را در نظر بگیریم. از این رو ایجاد مرکز نوآوری و توسعه هوش مصنوعی می‌تواند آغازگر بسیاری از برنامه‌های مدنظر و پژوهش‌های اولیه در این زمینه باشد. انصاری با اشاره به وضعیت علمی کشور در حوزه هوش مصنوعی گفت: ایران بر اساس تولید مقاله و علم سنجی در منطقه اول و در دنیا رتبه ۱۴ را دارد اما از نظر کاربرد خیلی حرفی برای گفتن نداریم و رتبه‌ای در حدود ۷۵ در میان کشورهای دنیا به ما تعلق دارد. چرا که در این حوزه ما فعلاً در حال مطالعه هستیم و راهبردهای ما هنوز کاملاً مشخص نیست. از طرفی محققان دانشگاه صنعتی امیرکبیر با استفاده از کاربرد هوش مصنوعی در صنعت نفت، موفق به پیشگیری از مشکلات فنی میادین استخراج نفت شدند. این محققان طرح «مدلسازی یکپارچه میدان نفتی تحت فرازآوری با گاز با در نظر گرفتن ناپایداری جریان» را ارائه کردند که به گفته آنها علاوه بر جلوگیری از پدیده ناپایداری، به‌صورت پیوسته پارامترهای تزریق و تولید را به گونه‌ای کنترل می‌کند که همواره بیشترین سودآوری اقتصادی از میدان نفتی حاصل شود. با این حال به نظر می‌رسد صنایع نفت و گاز ایران به عنوان بزرگترین صنعت ارزآور کشور فعلاً تا رسیدن به استانداردهای جهانی توسعه هوش مصنوعی و استفاده از آن در تولید، توزیع و مصرف راهی طولانی در پیش دارد.

ساختار حکمرانی روسیه، چین، نروژ و مکزیک در حوزه منابع هیدروکربنی

جواد سلیمان پور - مدیر گروه انرژی اندیشکده امیرکبیر

روسیه

روسیه پهناورترین کشور جهان با جمعیتی بالغ بر ۱۴۴ میلیون نفر می‌باشد. روسیه با در اختیار داشتن ۳۸ تریلیون مترمکعب ذخایر گازی بزرگترین دارنده ذخایر گازی جهان، همچنین دومین تولید کننده با تولید سالانه ۶۱۰ میلیارد مترمکعب است. از نظر تولید نفت نیز این کشور با تولید ۱۱ میلیون بشکه نفت خام در سال ۲۰۱۹ دومین تولید کننده نفت در دنیا است. اقتصاد روسیه عمدتاً بر پایه فروش منابع هیدروکربنی می‌باشد. در سال ۲۰۱۸ بیش از ۴۵ درصد بودجه این کشور از حوزه نفت و گاز تامین شده است. اهداف بلندمدت روسیه در حوزه انرژی حفظ و افزایش تولید از منابع نفت و گاز خود خواهد بود و در کنار تحقیق و توسعه به دنبال کاهش ۵۶ درصدی شدت انرژی تا سال ۲۰۳۵ است و این کاهش بیشتر با تعمیرات اساسی تجهیزات حوزه انرژی و ارتقا تکنولوژی‌های مصرف کننده سوخت محقق خواهد شد. بر اساس قانون نفت روسیه مالکیت منابع نفتی و گازی تا زمانی که زیرزمین است با دولت است و پس از استخراج آن از زمین با تولیدکننده خواهد بود. دو نوع رژیم برای واگذاری میداین وجود دارد: سیستم بهره مالکانه و مشارکت تولید. قانون روسیه تعدادی محدودیت درخصوص ذخایر مهم فدرال ایجاد کرده است. این ذخایر مهم عبارتند از: ذخایر حاوی حداقل ۷۰ میلیون تن نفت، ذخایر حاوی حداقل ۵۰ میلیارد مترمکعب گاز، ذخایر قرارگرفته در آب‌های داخلی، آب‌های مرزی و یا فلات قاره فدراسیون روسیه، ذخایری که انجام عملیات روی آنها نیازمند استفاده از

اراضی مشخص شده برای اهداف دفاعی است.

سه وزارتخانه مرتبط با نفت و گاز در روسیه، وزارتخانه منابع طبیعی و محیط زیست و وزارتخانه انرژی و وزارت دارایی هستند. وزارت منابع طبیعی به‌عنوان بدنه اجرایی دولت وظیفه تهیه و اجرای سیاست‌های دولت و تنظیم مقررات در زمینه حفاظت از منابع طبیعی را برعهده دارد. مشخص کردن میداین نفتی و اعطای امتیاز جهت بهره برداری از آنها و نیز کنترل فعالیت‌ها جهت حفاظت از محیط زیست بر عهده این وزارت خانه می‌باشد. آژانس مدیریت منابع زیرزمینی در این وزارت خانه مسئولیت مستقیم در رابطه با تنظیم گری بهره برداری از منابع نفت و گاز را بر عهده دارد. وزارت انرژی روسیه مهم‌ترین قسمت سیستم مدیریتی صنعت نفت و گاز فدراسیون روسیه می‌باشد. این وزارتخانه به‌عنوان بدنه اجرایی دولت وظیفه تهیه و نظارت بر سیاست‌های دولت و تنظیم مقررات در بخش نفت و سوخت ازجمله صنعت برق، تولید نفت، فراورش نفت، صنعت مرتبط با گاز، سوخت، زغال‌سنگ، شیل، عمده خطوط لوله نفت وگاز، تولیدات نفت و گاز، منابع انرژی تجدیدپذیر، توسعه میداین هیدروکربنی و به اشتراک‌گذاری تولید و صنایع پتروشیمیایی را برعهده دارد. وزارت دارایی روسیه از طریق آژانس مدیریت دارایی‌های دولت فدرال روسیه کنترل سهام شرکت‌های دولتی در حوزه انرژی را در اختیار دارد. نکته قابل توجه در این موضوع آن است که نماینده این آژانس در هیئت مدیره شرکت‌های حوزه نفت و گاز وزیر انرژی روسیه است. از جمله وظایف این آژانس میتوان به اجرای سیاست یکپارچه در مدیریت دارایی‌های دولتی، مدیریت و دخل و تصرف در اموال دولتی، مدیریت خصوصی سازی دارایی‌های دولتی و نظارت ارزیابی و حسابرسی شرکت‌های دولتی اشاره کرد. دولت روسیه به طور مستقیم در فعالیت‌های پایین دستی ورود تصدی گرانه نداشته و تنها نقش آن در مدیریت این مجموعه‌ها به صورت غیر مستقیم از طریق سهام خود در هلدینگ‌های نفت و گازی همچون گازپروم و روستفت است. به دلیل مدل قراردادهای توسعه میدان در روسیه عملاً هر شرکت مدیریت نفت و گاز تولیدی خود را در اختیار دارد و بسته به سیاست‌های خود این منابع را به صورت خام صادر کرده و یا با توسعه زنجیره ارزش در پالایشگاه و پتروشیمی کسب درآمد بیشتری از این طریق می‌کند. تنها درآمد دولت از محل صنایع پالایش و پتروشیمی از طریق سود سهام خود در شرکت‌های بزرگ نفت و گازی و همچنین دریافت مالیات از پالایشگاه‌ها و پتروشیمی‌ها به عنوان یک واحد صنعتی است. به منظور تامین نیاز داخلی منابع نفت و گاز و همچنین توسعه صنایع پالایشی و

پتروشیمیایی وزارت دارایی روسیه موظف است با همکاری وزارت انرژی دستورالعمل‌هایی را تدوین و اجرا کند تا با اعطای تخفیفات در مالیات شرکت‌های پالایش و پتروشیمی انگیزه کافی برای تامین نیاز داخل را ایجاد نماید.

چین

جمهوری خلق چین با ۲۶ میلیارد بشکه ذخایر نفت خام و ۵ تریلیون مترمکعب ذخایر گازی جزو ۱۵ کشور بزرگ دارنده ذخایر هیدروکربنی در دنیا است. در بعد مصرف اما چین در سال ۲۰۱۹ با مصرف ۱۴ میلیون بشکه روزانه نفت خام دومین مصرف کننده بزرگ پس از ایالات متحده و بزرگترین وارد کننده نفت خام جهان با واردات روزانه ۱۰ میلیون بشکه نفت خام است همچنین این کشور با مصرف سالانه ۳۰۷ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی سومین مصرف کننده بزرگ گاز طبیعی در جهان است. تحولات تدریجی سیاسی چین در طول تاریخ موجب گردیده است تا ساختار سیاسی منحصر بفردی برای این کشور ایجاد گردد؛ به طوری که برای درک ساختار حکمرانی انرژی این کشور ابتدا باید ساختار سیاسی آن را درک نمود. جمهوری خلق چین یک جمهوری سوسیالیستی تک حزبی است. ساختار سیاسی این کشور دارای دو ساختار موازی با هم برای اداره کشور است یعنی حزب کمونیست چین و نهادهای حاکمیتی است که به صورت در هم تنیده حاکمیت این کشور را شکل داده‌اند. حزب کمونیست چین با بیش از ۸۰ میلیون عضو تنها حزب این کشور است که همه مسئولین در تمامی رده‌ها از جمله کنگره ملی چین عضو آن هستند. کنگره ملی چین که اعضای آن از مناطق مختلف کشور توسط مردم انتخاب می‌شوند در یک ساختار هرمی ابتدا ۲۰۵ عضو کمیته مرکزی حزب را انتخاب می‌کنند. سپس کمیته مرکزی ۲۵ نفر اعضای دفتر سیاسی مرکزی حزب را انتخاب کرده و اعضای دفتر سیاسی کمیته ۷ نفره پلیت‌ورو که اصلی‌ترین و قدرتمندترین نهاد حاکمیتی این کشور است انتخاب می‌کنند. اعضای کمیته پلیت‌ورو مسئول بخش‌های مختلف سیستم سیاسی و نظامی این کشور هستند و تمامی سیاست‌های کلان در تمامی حوزه‌ها از جمله انرژی نیز توسط این اعضا اتخاذ و ابلاغ می‌گردد. این اعضا یک نفر را از بین خود به منظور تصدی رییس جمهور به کنگره ملی معرفی نموده و پس از تایید کنگره به عنوان رییس جمهور منصوب می‌گردد. سپس رییس جمهور نخست وزیر را به عنوان رییس شورای دولتی به همراه سایر وزاری هیئت دولت به کنگره معرفی و تایید می‌گیرد.

در لایه دوم حکمرانی چین نهادهایی با جایگاه بالاتر از وزارتخانه یا همتراز با وزارتخانه وجود دارد که مسئولیت سیاستگذاری و تنظیم بخش‌های مختلف را برعهده دارند. مهم‌ترین نهاد در این لایه کمیسیون اصلاحات و توسعه (NDRC) است که مسئولیت سیاستگذاری و نظارت بر بخش‌های مختلف اقتصاد کشور را برعهده دارد تا تمامی بخش‌های اقتصادی کشور به صورت هماهنگ در جهت توسعه اقتصادی چین فعالیت نمایند. سیاستگذاری مستقیم و نظارت بر بخش انرژی نیز توسط این کمیسیون انجام می‌گیرد. به منظور تدوین سیاست‌های تخصصی و

به منظور بررسی ابعاد مختلف مسائل در حوزه انرژی کمیته ملی انرژی (NEC) متشکل از ۲۰ عضو وزارتی و سایر نهادهای موثر در حوزه انرژی در تدوین سیاست‌ها به کمیسیون اصلاحات و توسعه مشورت می‌دهند. یکی دیگر از کمیسیون‌های همتراز با وزارتخانه‌های چین کمیسیون نظارت و مدیریت دارایی‌های متعلق به دولت (SASAC) است که به طور مستقیم توسط شورای دولتی اداره می‌شود. این کمیسیون از مالکیت شرکت‌های دولتی تحت مدیریت دولت مرکزی برخوردار است و دارایی‌های متعلق به دولت را مدیریت می‌کند. تمامی سهام دولت چین در شرکت‌های فعال در حوزه انرژی از جمله شرکت ملی نفت چین (CNPC) و ساینوپک (SINOPEC) توسط این کمیسیون مدیریت می‌گردد.

سایر وزارتخانه‌های مربوط به حوزه انرژی نیز در لایه بعدی حکمرانی انرژی وظیفه تدوین سیاست و نظارت و تسهیل گری را برعهده دارند از جمله: وزارت منابع طبیعی بر نظرسنجی‌ها و ارزیابی‌های منابع طبیعی نظارت و مجوز برای اکتشاف و تولید منابع را صادر می‌کنند. دپارتمان اکتشافات زمین شناسی وزارت منابع طبیعی (سابقاً اداره اکتشافات زمین شناسی وزارت سرزمین و منابع)، وظیفه سازماندهی پیش نویس استراتژی‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌های مربوط به انرژی و منابع معدنی را بر عهده دارد، مدیریت حقوق معادن و نفت، گاز طبیعی، متان استخراجی از ذغال سنگ و منابع معدنی رادیواکتیو و بررسی و نظارت بر مناطق همکاری خارجی نیز از جمله وظایف این نهاد است. وزارت بازرگانی مسئول تدوین استراتژی‌ها، سیاست‌ها، آیین‌نامه‌ها و برنامه‌ها برای تجارت داخلی و خارجی، سرمایه‌گذاری متمرکز بر داخل و خارج است. این وزارت قدرت اصلی برای بررسی و تأیید تأسیس و نظارت بر عملکرد شرکت‌های خارجی است که در چین سرمایه‌گذاری کرده و همچنین سرمایه‌گذاری مستقیم متمرکز بر خارج را بررسی و تأیید می‌کند. لذا فعالیت‌های هماهنگ شده بین وزارت بازرگانی و سایر مدیران مرتبط با انرژی می‌تواند به تعادل در گسترش بازار جهانی انرژی و توسعه بازار



داخلی و بهبود ارتباط با سهامداران در این کشورها کمک کند. وزارت دارایی وظیفه تدوین استراتژی مالی و مالیاتی چین، مدیریت بودجه ملی و انتقال وجوه به حکومت‌های محلی را بر عهده دارد. این وزارت تخصیص بودجه مالی دولت برای سرمایه‌گذاری‌ها، برنامه‌ها و یارانه‌ها را مدیریت می‌کند و شبکه‌ای از دفاتر خود را در سایر وزارتخانه‌های مرکزی و حکومت‌های استانی طراحی کرده است که به برقراری ارتباط و هدایت سیاست‌ها کمک می‌کند. وزارت خارجه نیز مسئول اجرای قوانین، آیین‌نامه‌ها و سیاست‌هایی است که یک مؤلفه خارجی دارند. وزارت امور خارجه، بین‌المللی شدن شرکت‌های انرژی چینی را با تشویق آن‌ها به سرمایه‌گذاری در کشور میزبان یا تجارت با آن از طریق تهیه بسته‌های اقتصادی شامل تأمین اعتبار برای پروژه‌های نفت و گاز و با استفاده از شبکه سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های خود به منظور تسهیل جریان اطلاعات، آسانتر کرده است.

نروژ

نروژ به‌رغم تجربه نه‌چندان طولانی خود در این عرصه، دارای یکی از بالغ‌ترین ساختارهای نهادی در حوزه نفت و گاز است. تفکیک نقش‌های حکمرانی و تصدی به خوبی در این کشور انجام شده است؛ از نظر قدرت و تخصص شرکتی نیز، استات‌اویل یکی از موفق‌ترین شرکت‌های نفتی دنیا و از شرکت‌های پیشرو در صادرات خدمات فنی و مهندسی نفت و گاز است. ارزش صادرات نفت و گاز بیش از نیمی از صادرات کالا نروژ در سال ۲۰۱۹ را شامل می‌شود. این کشور ۲ درصد مصرف نفت جهان را تأمین کرده و پانزدهمین تولیدکننده نفت جهان با تولید روزانه حدود ۲ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۸ می‌باشد. همچنین با تولید ۱۲۲ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی در سال ۲۰۱۷، بعد از روسیه، دومین صادرکننده بزرگ گاز طبیعی در جهان محسوب می‌شود. عمده منبع تأمین انرژی نروژ استفاده از منابع انرژی تجدید پذیر می‌باشد بطوریکه ۹۷٪ از تولید برق این کشور بوسیله نیروگاه‌های برق‌آبی است. منابع



نفت و گاز کشور نروژ ملی بوده و در اختیار حاکمیت است و بر اساس ماده یک از فصل اول قانون نفت نروژ، حق مالکیت بر منابع نفت و گاز و حق انحصاری مدیریت این منابع متعلق به حکومت نروژ می باشد. براساس قانون نفت نروژ، فرآیند توسعه میادین نفت و گاز در این کشور شامل دو مرحله اصلی است که عبارتند از: "گشایش مناطق جدید برای فعالیت‌های نفت و گاز" و "صدور مجوز تولید". براساس قانون، پیش از انجام هر فعالیت نفتی در یک منطقه، ابتدا باید مجوز فعالیت در آن منطقه ازسوی مجلس صادر شود. بر اساس قانون در رأس هرم سیستم مدیریت نفت و گاز، پارلمان نروژ قراردارد که قوه مقننه حکومت نروژ است و دولت بعنوان قوه مجریه وظیفه اجرای قوانین تصویب شده در پارلمان را دارد.

اصلی ترین نهاد تنظیم‌گر در حوزه انرژی در نروژ اداره نفت نروژ است. این آژانس از لحاظ اداری زیر مجموعه وزارت نفت محسوب می‌شود. اما رئیس آن ازسوی پادشاه در جلسه هیئت دولت و برای مدت ۶ سال منصوب می‌شود که قابل تمدید است. به‌دلیل اهمیت ثبات مدیریت در این جایگاه، طی ۴۵ سال گذشته ریاست این اداره فقط دو مرتبه تغییر کرده است. رئیس فعلی اداره نفت نروژ در تاریخ ۲۰۰۷ در نشست هیئت دولت انتخاب شده است. فعالیت‌های اصلی این اداره عبارتند از: صدور مجوز انجام فعالیت‌های نفتی از قبیل اکتشاف و تولید نفت و گاز، اعمال کنترل مالی و اداری بر فعالیت‌های اکتشافی و تولیدی نفت و گاز در جهان در جهت تطابق آن با قانون و مقررات و شروط مجوزهای تولید، حصول اطمینان در انطباق اکتشافات و تولید نفت و گاز با اصول اساسی اعلام شده از طرف وزارت نفت و انرژی، ارائه مشاوره به وزارت نفت و انرژی در موضوعات مربوط به اکتشاف و تولید از ذخایر، کنترل عمده فعالیت‌های اجرایی نروژ در حوزه نفت و گاز توسط دولت است؛ دولت سهامدارعمده‌ی شرکت‌های نفتی نظیر استات‌اویل است. ۵ وزارت خانه نفت و گاز، دارایی، کار و امور اجتماعی، شیلات و امور ساحلی و محیط زیست به طور مستقیم در مدیریت و سیاست گذاری بخش انرژی موثر هستند. وزارت نفت، گاز و انرژی پنج اداره دارد که هر اداره توسط یک مدیر کل مدیریت می‌شود. دبیر کل مدیریت اداره‌های وزارت را به عهده دارد. مهمترین اداره وزارت نفت، گاز و انرژی درحوزه عملیاتی اداره نفت و گاز می‌باشد. وظایف این اداره به این شرح است: تعیین سیاست های اکتشاف، توسعه و تولید از میادین نفت و گاز فلات قاره نروژ و نظارت بر آن‌ها، نظارت بر زنجیره گاز، تحلیل‌های اقتصادی از فعالیت‌های نفتی شامل تخمین و ارزیابی بودجه ملی تحقیقات حقوقی مربوط به فعالیت‌های نفتی.

در انتقال و صادرات گاز نروژ به سایر کشورهای اروپایی، مورد مهم انحصار طبیعی دولت در شبکه انتقال بالادستی گاز طبیعی است که شرکت کاملاً دولتی گسکو اپراتور آن است. ایجاد رقابت در بالادست از طریق اعطای امتیازات اکتشاف، توسعه و تولید به شرکت‌های مختلف دولتی و یا غیر دولتی از مشخصه‌های مهم صنعت گاز نروژ است؛ اگر چه نباید از نقش پادشاه و یا اداره نفت نروژ چشم پوشی کرد که می‌توانند در ترکیب سهامداران پروژه‌ها و یا اپراتورها تغییراتی متناسب با منفعت

دولت ایجاد کنند. این را می‌توان از سهم شرکت‌های دولتی استات اویل و پتورو به عنوان مدیر سید سهام SDFI در عمده پروژه‌های نفت و گازی نروژ متوجه شد. درآمد دولت نروژ از صنعت نفت و گاز از طریق: مشارکت در پروژه‌ها از طریق سید سهم SDFI، سود سهام شرکت استات اویل، مالیات ، بهره مالکانه تامین میشود.

این شیوه مدیریت ذخایر هیدروکربوری مؤید آن است که کشور نروژ نگاه اقتصاد محور به ذخایر نفت و گازی خود دارد و جنبه ژئوپلیتیکی این ذخایر برای آن‌ها در اولویت نیست.

گرچه مواردی در قانون نفت نروژ وجود دارد که امکان اعمال سیاست‌های حاکمیت و دولت را در حوزه فعالیت‌های نفت و گاز در هر زمانی را مهیا می‌کند و پادشاه می‌تواند دستوراتی را در جهت برآورد این سیاست‌ها داشته باشد

مکزیک

مکزیک در سال ۲۰۱۶ با تولید ۲.۴۸ میلیون بشکه در روز یازدهمین تولید کننده بزرگ نفت در جهان و با ۱.۲۳ میلیون بشکه صادرات سیزدهمین کشور از نظر صادرات می‌باشد. اهمیت حوزه منابع نفت و گاز برای مکزیک به این جهت است که بیش از ۱۰ درصد از درآمدهای صادراتی و بیش از ۳۰ درصد از درآمدهای مالیاتی دولت مکزیک را شامل می‌شود. بر اساس قانون مکزیک تمام منابع هیدروکربنی زیرزمینی متعلق به دولت مکزیک است. تا قبل از سال ۲۰۱۳ تمامی فعالیت‌های بالادستی، میان‌دستی و پایین‌دستی صنعت نفت و گاز به صورت انحصار یکپارچه عمودی در اختیار شرکت ملی مکزیک با نام پمکس بود. از سال ۲۰۱۳ هم زمان با اصلاحات اقتصادی در سایر حوزه‌ها در ساختار انرژی مکزیک نیز اصلاحات اساسی صورت گرفت. به طوری که شرکت های خصوصی نیز در در حال حاضر می توانند با کسب مجوزهای مورد نیاز، در قرارداد های اکتشاف و تولید و فعالیت‌های میان‌دستی و پایین‌دستی مکزیک مشارکت داشته باشند.

پس از اصلاح ساختار انرژی، نیاز به ایجاد ساختار جدید و موثر در حوزه حکمرانی کاملاً آشکار شد و منجر به شکل گیری تنظیم‌گرها برای رسیدن به حکمرانی بهتر شد. هدف دولت مکزیک از این تغییرات، ایجاد شرایطی به منظور افزایش تولید نفت و گاز مکزیک و همچنین توسعه ساختار میان دستی و پایین دستی این کشور بوده است که با سیاست ایجاد فضای رقابتی و شکستن انحصار شرکت Pemex همراه بوده است. فعالیت های نفت و گاز منحصراً توسط دولت فدرال تنظیم می شود. هیچ ایالت یا دولت محلی قدرت نظارتی بر این فعالیت‌ها را ندارد. قانون هیدروکربن‌ها (تصویب شده در ۲۰۱۴) تنظیم بخش نفت و گاز را در دو بخش مجزا سازماندهی می کند. بخش بالادستی صنعت نفت وگاز توسط کمیسیون ملی منابع هیدروکربنی (CNH) مدیریت می شود در حالی که وزارت انرژی (SENER)و کمیسیون رگولاتوری انرژی(CRE) به تنظیم مقررات بخش میان دستی و پایین دستی این صنعت می‌پردازد. کمیسیون ملی منابع هیدروکربنی وظیفه نظارت و تنظیم‌گری در فعالیت های بالادستی نفتی را دارد و سازماندهی روند

ارائه قرارداد های اکتشاف و تولید منابع هیدروکربنی (نفت و گاز) همچنین مدیریت و نظارت بر قرارداد های بسته شده را بر عهده دارد. وزارت انرژی وظیفه سیاستگذاری در زمینه انرژی را صورت میدهد و تنظیم قوانین اولیه بازار، لازم به ذکر است که هدف وزارت انرژی در درجه اول، حفظ امنیت ملی انرژی مکزیک است؛ کمیسیون ملی منابع هیدروکربنی وظیفه تنظیم‌گری در بالادست و اعطای مجوز برای فعالیت شرکت در این حوزه‌ها را بر عهده دارند. فعالیت های میان دستی و پایین دستی مربوط به منابع نفت و گاز طبیعی و برق زیر نظر کمیسیون رگولاتوری انرژی، نظارت و رگولاتوری می شود. کمیسیون رگولاتوری انرژی یک نهاد حکمران دولتی است که تمامی مجوز های مربوط به فعالیت در حوزه میان‌دستی و پایین‌دستی را صادر می کند. این نهاد همچنین بر رعایت قوانین و استاندارد های این حوزه نظارت و بازرسی دارد.

مرکز ملی کنترل منابع گاز طبیعی با هدف مدیریت و نظارت بر اقدامات انتقال و ذخیره سازی گاز طبیعی و همچنین اطمینان از وجود ایمنی و پیوستگی در انتقال گاز طبیعی در کل کشور مکزیک تشکیل شده است و نقش اپراتوری در این زمینه را بر عهده دارد. سه نهاد مهم در حوزه حکمرانی انرژی یعنی کمیسیون ملی منابع هیدروکربنی، کمیسیون رگولاتوری انرژی و آژانس ملی حفاظت از محیط زیست و ایمنی در صنعت در سال ۲۰۱۷، گروه هماهنگ‌سازی حکمرانی انرژی مکزیک با عنوان گروه حکمرانی انرژی (ERG) را راه اندازی کردند تا بتوانند با همکاری یکدیگر برنامه استرتژیک خود را تنظیم کنند. اپراتوری و تصدی‌گری در سایر حوزه‌های انرژی توسط شرکت‌های مختلف دولتی و غیردولتی در فضای رقابتی اجرا می‌گردد و دستگاه‌های حاکمیتی نقشی در این زمینه ایفا نمی‌کنند.

در نگاه کلی موفقیت در تغییرات ساختاری مکزیک به میزان قدرت، استقلال، شفافیت و درنهایت حکمرانی اخلاقی و فنی بی نقص در مورد فعالیت هایی که برای رسیدن به موفقیت نهایی لازم است، بستگی دارد. اکنون کمیسیون منابع هیدروکربنی و کمیسیون حکمرانی انرژی ابزار مناسبی برای دستیابی به این هدف هستند.



جان برایسون، استاد سابق دانشگاه مینه سوتا و نویسنده کتاب «برنامه‌ریزی استراتژیک در سازمان‌های دولتی، عمومی و غیرانتفاعی» در ابتدای کتابش، برنامه‌ریزی استراتژی را چنین معنی می‌کند: برنامه ریزی استراتژیک، عبارت از تلاشی منضبط به منظور اتخاذ تصمیم‌های بنیادی و تجویز دستورالعمل‌هایی است که باعث شکل‌گیری و راهنمایی ماهیت یک سازمان، فعالیت آن، و چرایی انجام آن فعالیت‌هاست. در ادامه برایسون، برنامه ریزی استراتژیک را متفاوت با یک اکسیر جادویی معرفی می‌کند و آن را مجموعه‌ای از ایده‌ها، روش‌ها و ابزار طراحی شده برای رهبران، مدیران و برنامه‌ریزان به منظور کمک به آن‌ها برای انجام تفکر، عمل و افزایش آگاهی استراتژیک می‌خواند. اگر بخواهیم ساده‌تر بگوییم، برنامه‌ریزی استراتژیک پلی است میان مکانی که سازمان در حال حاضر قرار گرفته و مکانی که قصد دارد در آینده به آن برسد و ابزار اصلی آن نیز، تفکر است. مبنای تفکر برای تجویز استراتژی بسیار مهم است. زیرا این

تفکر است که نهایتاً به تصمیم‌گیری می‌انجامد. در این مرحله برایسون دو نوع روش‌مندی برای تصمیم‌گیری را معرفی می‌کند: روش عقلانی (Rational) و روش سیاسی (Political).

■ روش عقلانی

در روش عقلانی، فرض بر این است که استراتژیست‌های سازمان، به دلیل درک درستشان از محیط داخلی و خارجی سازمان، با اقتدار، به تعیین اهداف می‌پردازند. پس از آنکه اهداف تعیین شدند، سیاست‌های رسیدن به آن اهداف تعیین و سپس برنامه‌ریزی و تجویز اعمال لازم به منظور رسیدن به برنامه‌ها تعیین می‌شوند. در واقع این روش‌مندی از بالا به پایین (Top-Down)، و با فرض برخورداری بر اساس این فرض انجام می‌شود که استراتژیست سازمان، از اشراف کاملی بر محیط کسب و کار خود برخوردار است. دلیل نامگذاری این روش به عقلانی هم همین است. کسانی که اقتصاد مطالعه کرده باشند، با مفهوم فرض عقلانی بودن که

مبنای بسیاری از تئوری‌های اقتصادی تا به امروز بوده آشنا هستند. به طور ساده، عقلانی بودن یک تصمیم‌گیری در علم اقتصاد، به معنی تصمیم‌گیری با در نظر گرفتن وضعیت موجود است. پس می‌توان گفت لازمه بهترین انتخاب، وجود آگاهی نسبت به وضعیت موجود است.

■ روش سیاسی

روش سیاسی، برخلاف روش عقلانی که بر مبنای ادراک کامل از شرایط و اجماع بر سر اهداف است، اساس تصمیم‌گیری را بر مبنای جستجوی چالش‌ها، اختلافات و معضلات می‌گذارد. روش‌مندی این نحوه برنامه‌ریزی، از پایین به بالا (Bottom – Up) است. در این روش، پس از آنکه معضلات و چالش‌ها مشخص می‌شوند، سیاست‌های حل معضلات و برنامه‌ریزی برای اجرای آن سیاست‌ها اجرا می‌شوند. سپس سیاست‌های کلان‌تر اتخاذ می‌شوند تا ساختار و چهارچوب لازم برای مواجهه با معضلات قبلی به وجود آید. دلیل

نامگذاری این روش نیز، ماهیت روش‌مندی امر سیاسی است. در سیاست الزاماً چیزی به عنوان بهترین راه حل و یا اجماع بر سر موضوعات وجود ندارد. بلکه رجل سیاسی، با دسته‌ای از معضلات مواجه است که برای برطرف کردن آنان، نیاز به برنامه‌ریزی و اتخاذ تصمیماتی دارد که چهارچوب سیاست او را شکل می‌دهند. بنابراین، این دو روش تفاوت بنیادینی با یکدیگر دارند. حال سوال این است که استراتژیست یک سازمان، بر اساس کدام یک از این روش‌مندها، به اتخاذ تصمیمات بنیادین سازمان خود بپردازد؟ پاسخ به این سوال می‌تواند در طول حیات سازمان، متفاوت باشد اما به طور کلی می‌توان گفت، ترکیبی از دو روش‌مندی است که می‌تواند به مدل گسترده‌ای برای اتخاذ تصمیم‌های استراتژیک سازمان منجر شود. اگر بخواهیم برای هر کدام از روش‌ها و ترکیب آن‌ها مثالی زده باشیم، می‌توان در خصوص روش عقلانی، به مثال ساده تعیین هدفی مانند سودآوری یک سازمان اشاره کرد. سودده بودن

برنامه ریزی استراتژیک، عبارت از تلاشی منضبط به منظور اتخاذ تصمیم‌های بنیادی و تجویز دستورالعمل‌هایی است که باعث شکل‌گیری و راهنمایی ماهیت یک سازمان، فعالیت آن، و چرایی انجام آن فعالیت‌هاست

شمردن این بخش، مانع از اتخاذ استراتژی برای برنامه‌ریزی و اتخاذ سیاست‌های کلان شرکت برای برخورداری از یک دپارتمان روابط عمومی خوب می‌شود. این سازمان، در یک نظام اقتصادی سالم و در شرایط رقابت، با از دست دادن وجهه اجتماعی خود و ایزوله شدن، بقای خود را در خطر خواهد یافت.

■ اولویت با تعیین اهداف است یا سیاست‌گذاری برای مقابله با معضلات؟

در خصوص اولویت هر کدام از این دو روش‌مندی، می‌توان گفت در هنگام تاسیس یک سازمان و در سال‌های اولیه، بیشتر استراتژی‌های سازمان لازم است معطوف به حل معضلات خود و اتخاذ سیاست‌های کلان برای مواجهه با معضلات باشد. شکل‌گیری فرهنگ سازمانی، و همچنان همانطور که در اول این مقاله به آن اشاره شد، چپستی یک سازمان، ماهیت فعالیت‌های آن و چرایی انجام این فعالیت‌ها، در سال‌های اولیه ساخته خواهند شد. اهداف سازمانی، که در دسته برنامه‌ریزی‌های بلندمدت طبقه‌بندی می‌شوند، مواردی هستند که با استقرار عقلانیت (به منظور درک درستی از محیط داخلی و خارجی سازمان) ممکن می‌شود. البته که همواره سازمان باید در مسیر اهداف بسیار بنیادین، که همان حفظ بقای سازمان است، استراتژی داشته باشد. مواردی که در این مقاله به آن‌ها پرداختیم، در شرایط وجود یک نظام اقتصادی و کاری استاندارد اعتبار دارند. متأسفانه در برخی شرکت‌های ایرانی، به خصوص شرکت‌های دولتی یا شرکت‌های سنتی‌تر، با ضعف برنامه‌ریزی استراتژیک مواجه هستیم. زیرا از طرفی سازمان شکل گرفته و تغییر شکل آن بسیار زمان‌بر است و حوصله و اراده‌ی فراوانی می‌طلبد و از طرف دیگر، سازمان توانسته در نظام اقتصادی ناسالم و برخورداری از رانت، بقای خود را حفظ کرده و رقبا را کنار زند.

اما حتی در شرایط وجود یک نظام ناسالم نیز، می‌توان گفت شرکت‌ها یا سازمان‌های موفق‌تر، آن‌هایی هستند که استراتژیست‌های آن، به اهمیت تصمیم‌گیری‌های خود و درک روش‌های درست آن آگاه هستند.

یک کسب و کار، به منظور حفظ بقا، یکی از بنیادی‌ترین اهداف هر کسب و کار است. پس گروهی از استراتژی‌های سازمان همواره باید در مسیر سودده بودن کسب و کار مورد نظر باشد. شاید این مسئله برای خواننده بدیهی به نظر رسد، اما واقعیت این است که با نگاهی به بسیاری از سازمان‌ها (و حتی ممکن است سازمانی که در آن مشغول به کار هستیم)، هیچ استراتژی مشخصی برای این هدف بنیادین نمی‌یابیم. یعنی آنجا که باید برای سودآوری سازمان برنامه‌های مشخصی وجود داشته باشد، سازمان با ضعف برنامه‌ریزی و یا حتی عدم برخورداری از آن مواجه است. بسیاری از شرکت‌های کوچک و بزرگ، در اثر نداشتن برنامه مالی و ترن اوور فکر شده، با مرگ مواجه می‌شوند. در اینجا لازم است دوباره به نامگذاری این روش یعنی عقلانی رجوع کنیم.

حال برای آنکه هم مثالی از روش‌مندی سیاسی زده باشیم و هم ترکیب این دو روش را نشان داده باشیم، سازمانی را فرض کنیم که در بخش روابط عمومی خود ضعیف است و برای تقویت آن استراتژی ندارد. وجود یک نظام ناسالم در جذب نیروهای روابط عمومی و یا کم اهمیت

برنامه‌ریزی استراتژیک؛ رسیدن به اهداف یا برطرف کردن مشکلات؟

سهراب صالحین - دنیای انرژی



توافق هسته‌ای چه تاثیری بر بازار نفت دارد؟

به گزارش اس‌اندپی گلوبال پلاتس آنالیتیکس (S&P Global Platts Analytics) اکنون فرض را بر آن گذاشته که طرفین به یک توافق موقت برای توقف توسعه برنامه هسته‌ای ایران و لغو برخی از تحریم‌های ایالات‌متحده علیه جمهوری اسلامی ایران دست خواهند یافت. پلاتس در این سناریو برآورد کرده که عرضه نفت ایران از ماه آوریل ۲۰۲۲ تا ماه دسامبر آینده به میزان ۷۰۰ هزار بشکه در روز افزایش خواهد یافت. این تخمین جدید پلاتس آنالیتیکس در حالی است که گزارش چشم‌انداز قبلی آنها در ماه نوامبر، پیش‌بینی کرده بود که یک توافق چارچوب‌مند به‌دست می‌آید و با لغو کامل تحریم‌های برجامی، روزانه ۱/۴ میلیون بشکه نفت خام به عرضه ایران اضافه شود.

ناریکا اهیر، تحلیلگر مسائل ژئوپلیتیکی در پلاتس آنالیتیکس با اشاره به اظهارات رهبران دو کشور اصلی مذاکرات، یعنی ایران و آمریکا گفت: خطر عدم‌حصول توافق زیاد است، اما با توجه به اظهارات مقامات ایران و تمایل جو بایدن برای دست‌یابی به یک راه‌حل دیپلماتیک، ما همچنان فرض را بر این می‌گذاریم که توافق به‌دست خواهد آمد. پلاتس می‌گوید دولت بایدن در تلاش برای شکستن بن‌بست در مذاکرات هسته‌ای است و در همین راستا، موضع تهاجمی‌تری در قبال ایران اتخاذ کرده است. مقامات ارشد امنیت ملی و تحریم‌گذار آمریکا در هفته‌های اخیر به‌عنوان بخشی از این تلاش‌های دولت بایدن، از اسرائیل و امارات دیدن کرده‌اند.



افزایش سهم برق زغال سنگی و هسته‌ای در سبد انرژی آلمان

برق زغال سنگی و برق هسته‌ای که آلمان در تلاش است از سبد انرژی خود کنار گذارد، بخش بزرگی از منبع تامین الکتریسیته مورد نیاز این کشور در سال ۲۰۲۱ بود و رقمی بالاتر از سال ۲۰۲۰ را از آن خود کرده بود. به گزارش رویترز، گروه صنعتی BDEW آلمان می‌گوید در سال جاری میلادی به دلیل کاهش میزان وزش باد و بالا رفتن تقاضا برای برق، زغال سنگ و برق هسته ای ۴۰ درصد انرژی این کشور را تامین کردند درحالی که این رقم در سال ۲۰۲۰ برابر با ۳۰ درصد بود. بر همین اساس میزان تولید برق تجدیدپذیر هم از ۴۴ درصد سال ۲۰۲۰ به ۴۱ درصد در سال ۲۰۲۱ کاهش یافت. آلمان برنامه ریزی کرده که تا پایان سال ۲۰۲۲ نیروگاه های هسته ای را از رده خارج کند درحالی که قرار است زغال سنگ تا پایان دهه جاری میلادی در تولید برق آلمان نقش ایفا کند. دولت جدید آلمان گفته است که در نظر دارد تا سال ۲۰۳۰ میزان تولید برق تجدیدپذیر آلمان را در ترکیب انرژی این کشور به ۸۰ درصد برساند.



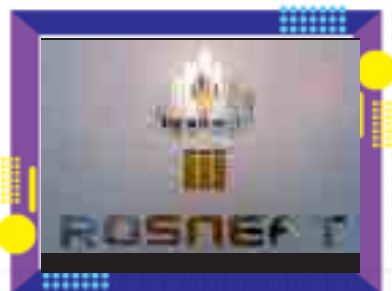
روسیه امیدواری به کاهش قیمت گاز در سال ۲۰۲۲ را ناامید کرد

معاون نخست‌وزیر روسیه گفت: به احتمال زیاد قیمت گاز در سال ۲۰۲۲ همچنان در سطوحی بالا باقی می‌ماند. به گزارش تاس، الکساندر نواک، روز جمعه (سوم آذرماه) در گفت‌وگو با شبکه تلویزیونی روسیا – ۲۴ اعلام کرد که ممکن است قیمت گاز در سال ۲۰۲۲ همچنان در سطوحی بالا باقی بماند. توازن عرضه و تقاضا به‌گونه‌ای است که قیمت گاز تاحدودی بالاست. فکر می‌کنم سال آینده میلادی هم همچنان بالا باشد. معاون نخست وزیر روسیه در ادامه افزود: روسیه همیشه طرفدار قراردادهای بلندمدت گاز بوده است. وقتی واردات در اروپا حدود ۲۵۰ تا ۳۰۰ میلیارد متر مکعب گاز است، باید بدانید که از کجا می‌آید و بتوانید بر عرضه و پیش از هر چیز بر قراردادی بلندمدت تکیه کنید. بازار جهانی گاز امسال به‌دلیل افزایش شدید تقاضای آسیا و کمبود ظرفیت تولید گاز طبیعی مایع‌شده (ال‌ان‌جی)، با بحران عرضه روبه‌رو شد. افزایش تقاضای گاز سبب افزایش قیمت‌ها و کاهش عرضه اصلی ال‌ان‌جی شد که به تشدید بحران انرژی در اروپا نیز کمک کرد، سطح پایین ذخیره‌سازی گاز در تأسیسات هم سبب تشدید این شرایط شد.



اعلام استراتژی جدید روس نفت برای انتشارات صفر خالص تا ۲۰۵۰

روس نفت، بزرگترین تولید کننده نفت روسیه، استراتژی جدیدی برای سال ۲۰۳۰ اعلام کرد که بر اساس آن تا سال ۲۰۵۰ این غول نفت و گاز به انتشارات صفر خالص دست خواهد یافت. به گزارش رویترز، این زمان بندی روس نفت در استراتژی جدید زودتر از زمانبندی است که ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه پیشتر اعلام کرده بود. اقلیم شناسان بر این باورند که معادله بین تولید و حذف گازهای گلخانه ای باید در سال ۲۰۵۰ به صفر برسد تا از عواقب فاجعه بار تغییرات اقلیم دوری کنیم. روس ها چهارمین تولید کننده بزرگ گازهای گلخانه ای دنیا هستند و پیشتر اعلام کرده بودند که قبل از سال ۲۰۶۰ نمی توانند به کربن خنثی دست یابند. بیست درصد سهام روس نفت متعلق به غول نفت و گاز بیریتیش پترولیوم است. این شرکت اعلام کرده است به دنبال تولید برق کم کربن، حذف فلرینگ و نیز به دنبال ذخیره کربن و صرفه جویی در مصرف انرژی و ذخیره سازی انرژی است. یکی از منابع اصلی برای کاهش این انتشارات افزایش سهم تولید گاز طبیعی در میان تولیدات هیدروکربنی روس نفت است که قرار است تا سال ۲۰۲۵ به ۲۵ درصد کل تولیدات این شرکت برسد. بر اساس استراتژی «روس نفت ۲۰۳۰» میزان تولید کل هیدروکربن این شرکت سالانه به ۳۳۰ میلیون تن معادل نفت خواهد رسید.



آمریکا در ۲۰۲۲ بزرگترین صادرکننده ال ان جی دنیا می شود

ایالات متحده بر آن است تا سال ۲۰۲۲ با عبور از جایگاه قطر و استرالیا در صادرات ال ان جی، به بزرگترین صادرکننده گاز طبیعی مایع دنیا تبدیل شود. در سالی که چین و دیگر کشورهای دنیا به ویژه اروپایی ها به دنبال منبع کافی سوخت برای تامین گرمایش و تولید برق بودند، ایالات متحده توانست خود را به عنوان یک عرضه کننده گاز در دنیا بشناساند و احتمالا سال آینده از تمامی کشورهای دنیا در این زمینه پیشی خواهد گرفت. از سال ۲۰۱۵ تاکنون تقاضای جهانی ال ان جی هر سال به رکورد جدیدی دست یافته است. عمده دلیل افزایش تقاضا، نیاز بازارهای چین و دیگر کشورهای آسیایی است. بیشتر این عطش جهانی برای ال ان جی را ایالات متحده تامین می کند که توانسته است آرام آرام صادرات ال ان جی خود را افزایش دهد و از سال ۲۰۱۶ به این طرف هر سال در صادرات رکورد جدیدی به ثبت برساند. اداره اطلاعات انرژی ایالات متحده (EIA) پیش بینی کرده است که صادرات ال ان جی این کشور در سال ۲۰۲۲ به مرز ۱۱.۵ میلیارد فوت مکعب در روز خواهد رسید. به این ترتیب گلدمن ساچ انتظار دارد میزان صادرات ال ان جی ایالات متحده در سال آینده معادل ۲۲ درصد ۵۳.۳ میلیارد فوت مکعب تقاضای ال ان جی جهانی باشد. اگر این پیش بینی رخ دهد ایالات متحده در سال آینده در صادرات ال ان جی استرالیا و قطر را پشت سر خواهد گذاشت و به صدر جدول صادرکنندگان این محصول خواهد رسید.



اجرای پروژه ۱۱۱ میلیون دلاری هیدروژن و آمونیاک پاک در نروژ

نروژ تامین مالی پروژه یک میلیارد کرونی برابر با ۱۱۱ میلیون دلاری تولید هیدروژن و آمونیاک بدون انتشارات برای گذار به اقتصاد کم کربن را تکمیل کرد. نخست وزیر نروژ می گوید که این روزها تولید هیدروژن سخن هر اروپایی است که از آن به عنوان راه حلی برای رسیدن به اهداف اقلیمی یاد می شود. بنابراین نروژ هم به عنوان یک کشور تولید کننده انرژی باید در این زمینه فعال باشد. یاره، یکی از شرکت های فعال در این پروژه هم می گوید از این تامین مالی ۲۸۳ میلیون کرون برای پروژه پایلوت خود برای تولید هیدروژن و آمونیاک با انتشارات صف در یک کارخانه کودسازی بهره برده است. پروژه‌ای هم برای تولید آمونیاک با انتشارات صفر از طریق جذب و ذخیره سازی کربن در زیر دریای بارنت طراحی شده و ۴۸۲ میلیون کرون دریافت کرده است.



گلدمن ساکس: نفت ۱۰۰ برای تامین مالی پروژه‌ها ضروری است

بانک آمریکایی گلدمن ساکس برآورد کرد که قیمت نفت خام تا سال ۲۰۲۳ به ۱۰۰ دلار برای هر بشکه می‌رسد. به گزارش بلومبرگ، بانک آمریکایی گلدمن ساکس پیش‌بینی کرد که با فراتر رفتن سطح عرضه از تقاضا، قیمت نفت خام می‌تواند تا سال ۲۰۲۳ به ۱۰۰ دلار برای هر بشکه برسد. دیمین کوروالین، مدیر تحقیقات انرژی بانک سرمایه‌گذاری گلدمن ساکس با بیان اینکه تقاضا بالا و عرضه نفت ناکافی است، گفت: قیمت‌های نفت باید افزایش یابند تا بتوانند بر هزینه بالاتر سرمایه لازم برای تأمین مالی پروژه‌ها چیره شوند. گلدمن دومین بانک سرمایه‌گذاری است که در ماه جاری میلادی با وجود افت اخیر قیمت‌ها دیدگاه خوش‌بینانه‌ای به قیمت نفت در بازارهای داشته است. پیش‌تر بانک جی‌پی‌مورگان با نادیده گرفتن نگرانی‌های موجود درباره سویه اومیکرون و ویروس کرونا اعلام کرد که سال ۲۰۲۲ پایان شیوع ویروس کرونا خواهد بود و پیش‌بینی کرد که قیمت نفت افزایش می‌یابد و در سال آینده میلادی به ۱۲۵ دلار و در سال ۲۰۲۳ به ۱۵۰ دلار برای هر بشکه می‌رسد.



طوفان تویوتا با ۱۵ خودروی جدید برقی

شرکت تویوتا ۱۵ محصول جدید برقی را معرفی کرده است که این اتفاق را می‌توان اقدامی کم سابقه در میان خودروسازان آسیایی برای گسترش خودروهای برقی قلمداد کرد. به گزارش دویچه وله، آکیو تویودا، مدیرعامل شرکت تویوتا ۱۵ خودرو جدید برقی را معرفی کرده است. بر این اساس شرکت‌های تویوتا و لکسوس تا سال ۲۰۳۰ حدود ۳۰ خودرو برقی را تولید خواهند کرد. این تولیدات می‌توانند بازار خودرو جهان را متحول کنند چرا که در ۱۰ سال اخیر تویوتا یکی از سه تولید کننده اصلی خودرو در جهان بوده است. در میان محصولات جدید برقی این شرکت از خودروهای کوچک شهری تا کراس اوور، سوپراسپرت و خودروهای آفرود برقی دیده می‌شود. این شرکت برنامه تولید ۳۵ میلیون خودرو برقی را دارد. همچنین تویوتا یک برنامه ۱۵ میلیارد دلاری را برای توسعه باتری‌های برقی در دستور کار خود قرار داده است. تویوتا اعلام کرده است که تا سال ۲۰۳۵ خودروهای کاملاً پاک تولید می‌کند و سوخت فسیلی را به طور کامل کنار خواهد گذاشت. این شرکت قصد دارد برخی از محصولات کنونی خود مانند محصول پر طرفدار هایلوکس یا لکسوس ان ایکس را بصورت برقی تولید کند.





US-China gas deals defy tension between political leaderships

China's voracious appetite for natural gas has sparked a wave of deals with US exporters of the fuel, strengthening energy trade between the world's two biggest economies even as their relationship grows more fraught. The latest sales were announced on Monday when Venture Global LNG, a company building a pair of liquefied natural gas export plants in Louisiana, said it had agreed two contracts to ship 3.5m tonnes a year of the fuel to stateowned China National Offshore Oil Corporation, the country's biggest LNG importer. The Cnooc deals bring to seven the number of big contracts signed between US exporters and Chinese customers since October. Some of the contracts are to last decades. China is poised to surpass Japan as the world's largest LNG buyer this year, analysts said, while the US will leapfrog Australia and Qatar in LNG export capacity next year, according to its Energy Information Administration. Tension between Washington and Beijing has escalated over everything from China's persecution of Uyghurs in Xinjiang and the crackdown on the prodemocracy movement in Hong Kong to its military activity near Taiwan. China has meanwhile accused the US of acting like a hegemon and trying to create a cold

war between the powers. The gas sales, by contrast, are another sign of ties between the two powers on energy and climate issues. The two governments also defied expectations to reach an agreement on addressing climate change at last month's COP26 summit in Glasgow and have negotiated a joint release of strategic oil stockpiles to cool prices. "The US-China relationship in many respects is at a very low point," said Jason Bordoff, dean at Columbia Climate School and a former energy official under president Barack Obama. "But energy and climate are a potential bright spot where there can be more cooperation, notwithstanding the tension and conflict." Venture Global had already signed agreements in November to send 4m tonnes a year of LNG to China's stateowned oil and gas group Sinopec for 20 years, along with shorter agreements totalling 3.5m tonnes with its trading subsidiary Unipetec. One of the new contracts with Cnooc is also for 20 years. Mike Sabel, Venture Global's chief executive, said China's efforts to cut carbon emissions by replacing coal with natural gas in power plants was behind the agreements. The Sinopec deal had been timed to deliver a good message before the climate summit, he added. "China is

moving faster right now on these new deals than the rest of Asia," Sabel told the Financial Times. "But as we announce these deals, the rest of the countries will [respond] and are responding because otherwise China will get an advantage." He added: "We're at this extraordinary moment where the world really needs US LNG and US LNG is the fastest that can come on line." Cheniere Energy, the largest US LNG exporter, is betting on China to underpin growth, securing deals with buyers recently including state-backed Sinochem that total 3m tonnes a year. "We think that Asia is the growth driver for our industry for LNG demand for decades to come, and China is the single biggest piece in that," Anatol Feygin, Cheniere's chief commercial officer, told the FT in October. Dealmaking and gas flows are picking up after stalling during the Trump administration when China imposed tariffs on US gas in retaliation for tariffs on its exports. Chinese companies have been seeking secure supplies of gas amid an economically damaging power crunch and a global gas price jump. The US was the second-largest LNG supplier to China in the first nine months of this year, according to trade data compiled by Refinitiv, behind only Australia — another country with deteriorating relations with Beijing. "China is getting half its LNG from Australia and the US — that can't make Beijing happy," said Nikos Tsafos, head of energy and geopolitics at the Center for Strategic and International Studies, a Washington think-tank. "But they have to go where the projects are and that's where they are right now." President Xi Jinping told US counterpart Joe Biden

that he wanted to "strengthen co-operation on natural gas" during the leaders' first meeting last month, according to a summary of the call from China's foreign ministry, a sign that Beijing sees the country as central to its fuel supply. Yet selling gas overseas has become more politically sensitive inside the US after a rally recently took domestic prices above \$6 a million British thermal units, the highest since 2008. Elizabeth Warren, an influential Democratic senator, sent a letter to chief executives of 11 big natural gas producers including ExxonMobil and BP, asking if the companies had "considered cutting, suspending or ending exports of natural gas to help ease spiking domestic prices". Some gas executives have pushed back, describing LNG exports as an opportunity for the US to help other countries to retire coal-fired electricity plants in favour of natural gas plants. Bordoff said any move to curtail exports would undermine confidence in America as a "reliable energy supplier". He drew a parallel with European countries' concerns about reliance on Russian supplies, which "do have a political and geopolitical dimension to them". The booming international gas trade is also politically awkward for the Biden administration as it pushes to shift the economy away from fossil fuels. While natural gas emits less carbon dioxide than coal when it is burnt, it is still a big source of greenhouse gas emissions. Tsafos said it reflected the "messy reality of the energy transition" that the world remains heavily reliant on fossil fuels and the US is a large producer of oil and gas. "The fact is, this is making both sides a bit uncomfortable."



Energy investment needs to increase so bills and taxes must rise

■ Shortages and greenation will end the age of idealism on energy policy

Politicians, consumers and companies are on a journey of discovery about climate change and the energy business. The first stage, in the early 2010s, was characterised by indifference. The second phase, in the past few years, has involved setting idealistic emissions-cutting targets far in the future that cost little today. In 2022 the third stage of the journey will get under way, amid dangerously volatile energy prices, fears of greenation and rising geopolitical risks. It will require realism about the task ahead. In 2021 the world was awash in easy promises. Some 70 countries, accounting for two-thirds of global carbon emissions, had net-zero targets, to be met by mid-century. A majority of people in the rich world, including America, expressed concern about climate change. Companies were making ambitious carbon-neutral pledges, too—especially those that didn't emit much in the first place. A boom in green-tech venture capital suggested that funds were being reallocated at scale. And sustainable investing became one of the biggest trends in finance since subprime debt. When it came, the reality check was brutal. A surging economy in mid-2021 pushed up energy demand. By October the price of a basket of fossil fuels was up by 95% year on year. China and India faced blackouts and Europe a lack of gas (often piped from autocratic Russia). A shortage of fossil fuels, which account for 83% of primary

energy use, threatened to push global inflation above 5%, hurt growth and spook the public. In response, politicians turned back the clock. China and India raised coal output, Britain turned its dirtiest power plants back on, and as the oil price hit \$80 a barrel, the White House urged opec to boost exports.

■ “Because energy investment needs to increase, bills and taxes must rise

In 2022 attention will turn to making the energy system less fragile. The easiest bit is fairly technical. Most grids struggle to handle the intermittent nature of renewable sources such as solar and wind energy, so more reliable base-load power is needed that is not coal-red. Natural gas will come back in fashion and there will be a global rehabilitation of nuclear power, which produces no greenhouse-gas emissions. In the years since the Fukushima disaster of 2011 its share of primary energy use has faded to 4%, but more countries will seek to emulate France, where the share is 36%. New battery, hydrogen and carbon-capture technologies may eventually help, but they are not ready for prime time. In response, governments will expand the use of carbon prices, which act as an economy-wide ratchet on emissions. They will experiment with setting prices far into the future to give investors more predictability over the 20- to 30-year life-cycle of energy projects. America will remain an outlier, with no federal carbon price, but more



Republicans will realise that pricing is the capitalist way to reform the energy business .

■ It's not easy being green

The hardest part of the coming year of realism will involve being honest with the public. Because energy investment needs to increase from 2% of world gdp to 5%, bills and taxes must rise. Politicians can try to pre-empt the inevitable backlash by using the proceeds of carbon taxes to help the poor. If energy prices continue to soar in 2022 there will be protests both on the streets and at the ballot box. But if the squeeze eases, then the year could end with energy policy on a more solid foundation. The chances of the world hitting its net-zero targets will still be remote, but grid designs, investment incentives and scaling plans may be in better shape. Huge problems will remain, though. Roughly a fifth of emissions come from industrial users, such as cement-makers. Often there is no immediate clean substitute. The dying fossil-fuel economy will amplify geopolitical risks, with opec and Russia's combined share of oil output expected to reach 50% by 2030. And some new electrostates may prove to be more volatile than the old petrostates: about 70% of the cobalt used in electric cars comes from the Democratic Republic of Congo, a country of 90m people, whose gdp is roughly the same as the revenue of Tesla, the leading electric-car maker. The emerging world accounts for two-thirds of energy-related carbon emissions, yet lacks the cash and innovation base to invest or invent its way to a cleaner energy system. The realisation that this is ultimately the rich world's problem, too, will be at the heart of the fourth stage of the climate journey, beyond 2022.



Activist investors turn screws on energy sector

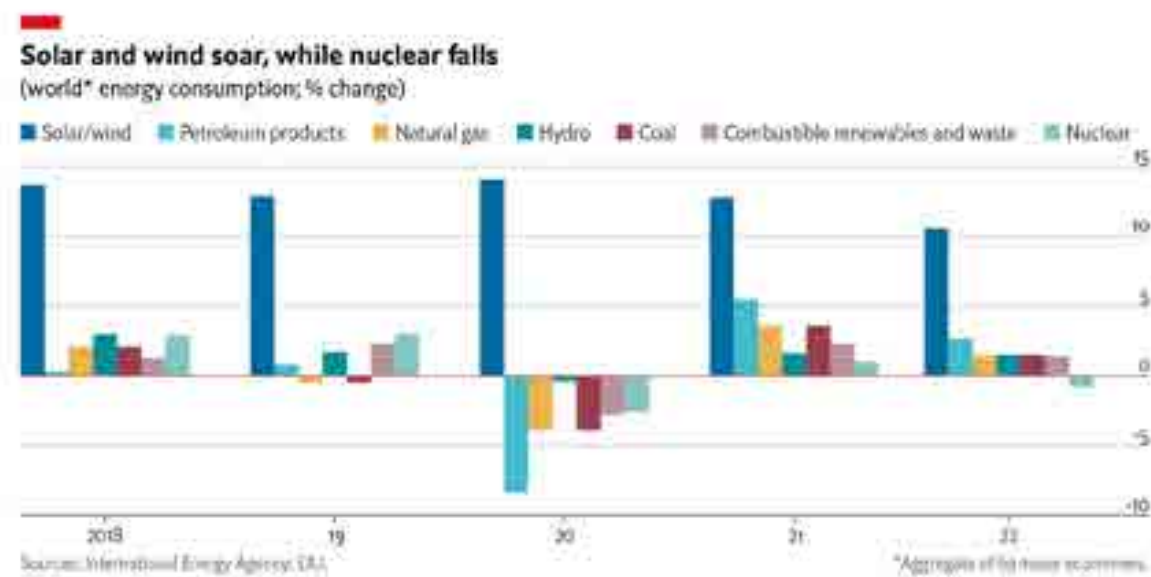
■ Campaigns call for greater strategic coherence in the low-carbon transition, with ExxonMobil, Shell and SSE feeling the heat

For decades, campaigners have picketed oil and gas offices, blockaded refineries and disrupted operations. Now the energy sector is facing a new kind of activism: from its own shareholders. Over the past year, activist investors have targeted ExxonMobil and Royal Dutch Shell, commodity group Glencore and Scottish energy group SSE. Other institutional and retail investors have also pushed for change, voting in higher numbers than ever before for climate-related resolutions. The investors vary in profile and objectives, but have all tied their campaigns to what they say has been management's failure to plan appropriately for the energy transition. Third Point, the US hedge fund calling for Shell's break-up, said in October that the group had "too many competing stakeholders", resulting in "an incoherent, conflicting set of strategies attempting to appease multiple interests but satisfying none". Elliott Management has targeted SSE, saying the company has the assets to profit from a low-carbon future but "continues to disappoint". The arrival of activist investors in the energy sector at this moment of upheaval was "no

surprise", says Nick Stansbury, head of climate solutions at Legal and General Investment Management, the UK's largest asset manager. "Activists typically turn up after long periods of underperformance when they detect that headwinds are becoming tailwinds and where they see an open door to push on with other investors," he said. "This is an industry which has both allocated capital badly and generated poor shareholder returns for a very long period." The most successful activist campaign of the year was waged against Exxon by tiny US hedge fund Engine No. 1. When it sent its letter to Exxon's board in December 2020, Engine owned 0.02 per cent of the company. Six months later it had secured three board seats with a mandate to prepare Exxon for a future free of fossil fuels. "We don't really think of ourselves as activists but as active owners," founder Christopher James said. "An activist is typically looking to make change in order to drive short-term returns. An active owner is interested in what owners want." While such language may be more conciliatory than the typical Wall Street raider, James was deeply critical of most oil and gas majors' plans. "These companies are aware of the energy transition. They are talking about it; they have a plan. But it's not really a strat-

egy to create value," James said. The oil and gas industry disputes this. Big European participants, for example, have all announced energy transition strategies this year, including big investment in renewables, which they say will make them large energy providers for decades to come. But many investors remain sceptical, and stock market valuations continue to lag behind other industries. "It is going to be increasingly critical that these businesses are very entrepreneurial and quick to react to political and regulatory changes, and I haven't seen big conglomerates do that effectively," said one activist. Energy groups that planned to invest heavily in wind turbines, solar power and electric-vehicle charging while continuing to run oil and gas assets would have to be agile enough to compete with "pure play" companies in each of those areas, the investor said. "That's really hard." Beyond the existential challenge of the energy transition, the big energy companies are facing an investment community that has fallen out of love with the conglomerate. General Electric in November announced that it would finally divide into three companies, a day after Toshiba, under pressure from activists, said it was also weighing a split. "These are all 100-year-old companies deciding it is in shareholders' best interest to run some of these businesses with dedicated management teams who are free and unrestrained to go off in the right strategic direction," said Oswald Clint, an analyst at Bernstein. Unlike Third Point, Clint supported Shell's view that it could perform better in the energy transition as an integrated company, but said management had not yet done enough to explain the benefits of integration to investors. "Investors find it difficult to model [the integrated business] and move on to something simpler." Environmental shareholder group Follow This is also opposed to Third Point's proposal to split Shell into a legacy oil company and a new gas and low carbon business, which founder Mark van Baal labelled "short-term activism" that would not help the fight against climate change. Set up in the Netherlands in 2015 as a platform to

help retail investors press oil and gas companies to shift from fossil fuels, Follow This takes a different approach to the multibillion-dollar activists in London and New York. It filed shareholder resolutions last year at Shell, BP, Equinor, Chevron and Phillips 66 to compel each group to set emissions targets compliant with goals of the Paris deal. One of its most successful resolutions, at Shell, received support from 30 per cent of shareholders in May. This year it extended the campaign to four more groups including Exxon and ConocoPhillips. "Engagement doesn't work. Votes work," said van Baal, criticising investors that he said voted with management in the hope of achieving change through dialogue. Such action is not limited to Follow This. In 2021 there were 16 climate-related investor resolutions at FTSE 350 groups, up from five in 2020, according to a survey from Thomson Reuters. Whether rising activism will benefit shareholders remains to be seen. The campaigns at Shell, SSE and Glencore — where Bluebell Capital is pushing the trader to spin off its thermal coal business — are in their infancy. At Exxon, Engine's directors are in place, but time will tell whether they can change the biggest US oil company from within. "From a long-term active owner perspective, the activists may or may not be good news," said Natasha Landell-Mills, head of stewardship at Sarasin & Partners. "It's all about their motivation." Stansbury also urged caution, while acknowledging that the best activists had an ability to pick out the "simple things" that could be done to boost performance. "If an activist shows up, you need to be sure, as a long-term investor, that they are asking for things that will both generate value for the long term and make the overall ESG impact of the company improve." Provided the oil and gas majors and other energy groups remain undervalued compared with other sectors, the activists are not going away. "These aren't strategies that are going to fall by the wayside," said Clint. BP was another "big stock" that had underperformed. "BP could be susceptible to a very similar strategy, no question."



ahead. In the US, the ambitious climate agenda of the president, Joe Biden, will include tax benefits to renewable energy developers and electric-vehicle (EV) buyers, as well as penalties for utilities reliant on fossil fuels. Canada will introduce regulations to limit the carbon-intensity of fuels produced in and imported into the country. The EU is likely to introduce a carbon tax at its borders, adding a levy to emissions-producing products, as part of the EU-wide green recovery programme. China—under fire for its failure to participate fully in COP26—will continue with its “dual-control” campaign to cap energy consumption and limit energy intensity. All these regulations will have a profound and long-lasting impact on the global energy sector, putting fossil-fuel companies under pressure in 2022.

■ Green-financing pledges will pose a threat to fossil fuels

Securing private-sector financing will also become harder for fossil-fuel companies in 2022. While renewables and energy-saving technology are attracting increasing flows of green financ-

ing, emissions targets will also drive divestment. The outlook for oil and gas exploration, as well as coal mining, is particularly uncertain. COP26 produced a non-binding promise between more than 20 countries, including the US and Canada, to stop funding foreign fossil-fuel projects by the end of 2022. Most Asian countries declined to sign the pledge, but China has separately pledged not to invest in foreign coal projects. Both governments and private financiers will therefore be wary of approving new auctions or projects, and some may even cancel planned projects. This will raise the risk of stranded assets (arising when companies can no longer attract investment for extraction), particularly in fossil-fuel businesses. Many of the oil majors are already starting to divest from oil and gas projects in Africa, Latin America and elsewhere because of the energy transition. The same is even more true of coal: Brazil's Vale is among those set to sell assets (see box). Other companies, such as Anglo-Dutch multinational Shell, are arguing that they need their oil and gas revenue in order to invest in greener fuels. Higher fossil-fuel prices in 2022 may help them to convince their shareholders, but pressure is intensifying.

Russian Pipeline Seen As Potential Leverage In Ukraine Crisis

WASHINGTON—A Russian pipeline carrying natural gas to Germany is emerging as a potential point of leverage for the U.S. to deter Russia from invading Ukraine. It is also a sore spot between Berlin and Washington. The Nord Stream 2 pipeline, which is completed but not yet certified for operation, is a key component of German energy plans, a potential source of Russian revenue and, U.S. officials said, a topic of discussions between Washington and Berlin over how to stop Russia's military pressure on Ukraine.

The Biden administration wants to secure assurances that Germany won't let the pipeline become operational if Moscow invades Ukraine, said a U.S. congressional aide briefed on the discussions. Germany has been less clear. After a meeting of European Union leaders last week that warned Russia of massive but unspecified consequences, German Chancellor Olaf Scholz said the pipeline is a private project whose certification would be decided in a nonpolitical way. Certification is unlikely before the second half of next year, a German regulator said, citing administrative reasons. President Biden has said economic penalties will be at the forefront of retaliation should Russia escalate hostilities. Administration officials want that retaliation to be done jointly with European allies, making German cooperation necessary to targeting Nord Stream 2. “The United States sees the Nord Stream 2 pipeline as a Russian geopolitical project that undermines the energy security and the national security of a significant part of the Euro-Atlantic community,” Assistant Secretary of State Karen Donfried told reporters Tuesday. She declined to detail discussions with Berlin beyond saying the two allies are working closely together. White House officials declined to

comment. The German Foreign Ministry didn't respond to requests to comment. The 765-mile-long Nord Stream pipeline is a marquee project for the Kremlin that will allow Russia to abandon a transit network that passes through Ukraine, giving it greater sway over energy supply to Germany and Central and Western Europe. That, Secretary of State Antony Blinken and other U.S. officials have said, makes the pipeline a source of leverage. Members of Congress are pressuring Mr. Biden to target Nord Stream. Under a deal struck last week, legislation expected to go before the U.S. Senate next month would require the Biden administration to apply sanctions to Nord Stream 2 AG, the Switzerland-based Russian company that built the pipeline, within 15 days of passage. If the administration wants to waive the sanctions, as it did earlier this year, the proposed law requires congressional approval to do so. Mr. Scholz's government, just weeks in office, has signaled it will follow the agreement his predecessor Angela Merkel reached with Mr. Biden in July. Under that agreement, Germany committed to take action “to limit Russian export capabilities to Europe in the energy sector” or other sectors, if Russia commits aggressive acts toward Ukraine. Any decision to cancel the project would lie with Mr. Scholz. He declined to comment in Brussels on Thursday on whether this might be among the sanctions Europe was considering in case of a Ukraine invasion.



■ Key forecasts

- Global energy consumption will rise by 2.2% as economies recover from the impact of the pandemic.

All types of energy, apart from nuclear power, will benefit.

- Energy prices will stay firmer than in recent years, as demand recovers and supply bottlenecks continue to disrupt power generation.

- Many energy companies will need to undertake an urgent review of their strategies in 2022, as governments and investors ramp up pressure to cut emissions.

■ Global energy consumption will rise by 2.2%

In 2022, the overall picture for the energy sector will be one of growth, as economies recover from the impact of the coronavirus (Covid-19) pandemic. Total energy consumption across the 69 countries covered by EIU's forecast will rise by 2.2%, to reach 13,410m tonnes of oil equivalent

(mtoe). That is higher than in 2019, compensating for the decline in consumption seen during the pandemic. However, it is also a slowdown from the rebound in 2021, as energy consumption gradually normalises. Much of that demand growth will come through the power sector, as the electrification of the global economy (from digitalisation to transport) continues.

Nearly all parts of the energy sector—even coal, which was on the slide before the pandemic struck—will see consumption rising in 2022. Coal consumption will rise by 1.5%, year on year, almost as fast as natural-gas consumption (which will be subdued by supply problems in the first half of the year). Oil consumption, which was the area of the economy worst hit by 2020's economic crunch, will rise by 2.7%. Solar and wind power will soar by 10.6%. The sole exception to this period of uplift will be the nuclear power industry, where consumption will fall by 0.8%.

Many of Japan's reactors have not yet restarted following the Fukushima disaster in 2015, while many of the new plants being built in India and China are not yet operational.

■ Energy prices will stay firmer

Stronger energy demand will support high prices, at least compared with the years leading up to the pandemic. Assuming that the current OPEC+ production deal remains in place, we forecast that oil prices will average US\$78.5/barrel in 2022, after averaging an estimated US\$71.7/b in 2021. We have also significantly raised our price forecasts for natural gas and liquefied natural gas (LNG), particularly in Europe, and expect prices to remain high until the second quarter of 2022 as stocks are rebuilt. Prices could go even higher if production remains subdued, or could fall if investors pile in to take advantage of the higher prices. The recent energy crises in Europe and

Carbon prices have doubled since early 2021 (ICE December 2021 future; €/tonne CO₂ equivalent)



Sources: Ember; Intercontinental Exchange; EIU.

China have sparked debates on underinvestment in conventional projects as global funds have embraced sustainable investing. The stakes are particularly high for the OPEC+ economies, most of which are looking to maximise revenue from oil prices in the coming years to fund economic diversification and their energy-transition plans.

■ Emissions targets will drive new energy regulations

Despite the improving outlook for energy consumption, many companies will need to undertake an urgent review of their strategies in 2022, as the energy transition accelerates and governments try to fulfil pledges made at the UN climate conference (COP26) in Glasgow in late 2021. Among other pledges, 23 countries, including Poland and Indonesia, agreed to phase out coal in the 2030s (for developed countries) or 2040s (for developing ones). Many countries will also pass stricter regulations promoting renewables growth, imposing carbon taxes or encouraging electrification of transport in the year

Energy in:

2022 transition time

MEDOSA

مدوسا

تولید کننده انواع روغنهای موتور مولتی گرید، مونو گرید، روان کننده ها و ضدیخ ها با استاندارد های روز بین المللی و ایران



کارخانه : رشت شهرک صنعتی سفیدرود
ایمیل : RSS18257RASHT@Yahoo.com
بخش و فروش : تهران تهرانسر بلوار گلها
تلفن : ۰۹۱۲۳۴۹۵۴۶۰
۰۹۱۲۱۳۱۵۳۲۹